

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله ثم الصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله و لا حول و لا قوة الا به، اما بعد شكر و سپاس مر خداوندی را كه بما توفيق ارزانی فرمود تا وجیزه‌ای بسیار ارزنده تألیف نموده، در دسترس طالبین سعادت و نیكبختی قرار دهم و اینك تألیف نموده قرار دادم. امید آنكه مؤمنین از آن بهره‌مند گردیده، این حقیر را به دعای خیر یاد نمایند.

تنبيه اول

(در رفق و مدارا)

بسم الله و له الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که رفق و مدارا در امور نصف عیش و خوشی است و نیز از آنحضرت (ص) روایت شده که هرگاه خداوند عالم خیر یک خانواده ای را بخواهد فقیه میفرماید ایشان را در دین و روزی میفرماید ایشان را رفق و مدارا در زندگانی شان و میانه روی و اقتصاد در کارهایشان و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه رفق و مدارا به او داده شد، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و کسیکه از رفق و مدارا محروم باشد، از خیر دنیا و آخرت محروم خواهد ماند و نیز از آن بزرگوار علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که خدا رفیق و مدارا کننده است دوست دارد رفق و مدارا را در تمام امور و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که آخر چیزیکه جناب خضر وصیت نمود به آن حضرت موسی علیهما الصلوة والسلام را این بود که دوست ترین امور بسوی خدا سه خصلت است؛ میانه روی در حال غنی و عفو و گذشت در حال قدرت و رفق و مدارا نمودن نسبت ببندگان خدا و مدارا نمیکند احدی با احدی مگر اینکه خدا در روز قیامت با او مدارا خواهد فرمود و از حضرت رسول (ص) روایت شده که رفق و مدارا رأس حکمت است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هر خانواده ای که رفق و مدارا به ایشان داده شود، وسعت رزق نصیبشان خواهد شد و مدارا در اندازه گیری امر معیشت بهتر است از سعه مال و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که اگر رفق خلقی بود که دیده میشد، هرآینه هیچ مخلوقی از او نیکتر نبود و از حضرت صادق

عليه الصلوة والسلام روایت شده که کسیکه در امورش رفیق و مداراکننده باشد از مردم
خواهد دید آنچه بخواند.

تنبیه دوم

(در تعزیت و تسلیت)

بسم الله و له الحمد. عن النبی صلی الله علیه وآله کسیکه تعزیت بدهد مصیبت رسیده را خواهد بود برای او مثل آنچه بصاحب مصیبت داده شده بدون اینکه از اجر صاحب مصیبت چیزی کم شود و از جناب جابر علیه الرحمة مرفوعاً روایت شده کسی که تعزیت بگوید اندوهناکی را خدا پیوشاند بر او از لباس تقوی و درود میفرستد بروح او در زمره ارواح و از حضرت ابراهیم علیه السلام روایت شده که از پروردگار خود سؤال نمود که چیست جزای کسیکه تر کند اشک چشمش صورتش را از خشیت تو، فرمود درود و خوشنودی من، عرض نمود پس چیست پاداش کسیکه اندوهناکی را امر به صبر نماید برای رضای تو، فرمود لباسی از ایمان میپوشانم بر او که خود را از آتش نگاه دارد و داخل بهشت شود بواسطه آن و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که تعزیه واجبه بعد از دفن است و نیز میفرماید کفایت میکند تو را از تعزیت گفتن اینکه ببیند تو را صاحب مصیبت.

تنبيه سوم

(در كفاره بودن بيمارى و ناملایم)

بسم الله و له الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که تب یکروز، کفاره گناه یک سال است. از بعضی از اطباء نقل شده که چون این حدیث را شنید گفت این حدیث تصدیق میکند قول اهل طب را که میگویند تب یک روز متألم میکند بدن را تا یکسال و از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که هیچ شیعه ای نیست که مرتکب شود آنچه را که ما نهی کرده ایم از آن پس بمیرد تا آنکه مبتلا شود ببله ای که بواسطه آن گناهای پاک شود یا در مالش یا در فرزندان او یا در نفسش تا ملاقات کند خدای عزوجل را در حالتیکه گناهی بر او نباشد و گاهی از گناهای چیزی باقی میماند پس در وقت مردن بر او سخت میگذرد و از آنحضرت علیه الصلوٰة والسلام نیز روایت شده که مرض اجری در آن نیست خاصیتش آنستکه گناهی بر بنده نمیگذارد و اجر در گفتار و کردار خوبست و اینکه خدا به کرم و فضل خود بنده را بواسطه صدق نیت و باطن خوب داخل بهشت میفرماید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای عزوجل میفرماید هرگاه توجه دهم بسوی بنده ای از بندگان خود مصیبتی را در بدنش یا مالش یا فرزندان او و استقبال کند آن مصیبت را بصبر جمیل و نیکو، من حیا میکنم از او که در قیامت میزانی برای او نصب کنم یا نامه عملی برای او باز کنم و روایت شده که پیغمبری از پیغمبران بمردی گذشت که بلا او را بزحمت انداخته بود. پس عرض کرد پروردگارا آیا رحم نمیفرمائی بر این بنده که مبتلا است به بلائی شدید؛ پس وحی فرمود بسوی او که چگونه رحم کنم بر او به رفع بلا و حال آنکه بتوجه دادن بلا بر او رحم کرده

ام و روایت شده که چون این آیه شریفه نازل گردید که لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتاب من یعمل سوء یجز به، مردی عرض نمود این آیه پشت ما را شکست. حضرت فرمود: بس کن آیا محزون نمیشوی، آیا مریض نمیشوی، آیا هم و غمی بتو توجه نمیکند؛ عرض نمود چرا، حضرت فرمود: این پیش آمدها جزای گناه محسوب خواهد شد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چهارنفرند که باید عمل خود را از سر بگیرند: اول شخص مریض و قتیکه خوب میشود، دوم مشرک هنگامیکه مسلمان میشود، سوم کسیکه از نماز جمعه برمیگردد، چهارم حاجی موقعیکه فارغ میگردد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که پروردگار عالم از شخص مؤمن خبرگیری میفرماید پس چهل روز بر او نمیگذرد مگر آنکه مبتلا میکند او را بمرضی در بدنش یا مصیبتی در اهل و مالش یا مصیبت دیگر از مصیبتهای دنیا برای آنکه اجر بدهد او را بر آن و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که بیدار خوابی یک شب بجهت مرض افضل است از عبادت یکسال و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای بنده نزد پروردگارش درجه ایست که بعمل به آن درجه نرسد پس مبتلا میشود بناراحتی در بدنش یا مصیبتی در مال و فرزندش، پس اگر صبر نمود، خدا او را به آن درجه میرساند.

تنبيه چهارم

(در یاد مرگ و زهد)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بجناب ابی ذر رحمه الله میفرماید: یا اباذر هرگاه برادر خود را دیدی که زهد ورزیده در دنیا، پس به سخنان او گوش ده، چه آنکه حکمت در قلبش جای گرفته. عرض میکند یا رسول الله (ص) زاهدترین مردم کیست، میفرماید: آنکس که از قبر فراموش نکند و ترک کند فانی شدن را برای آنچه باقی است و فردا را از ایام خود نشمرد و خود را در عداد مردگان حساب کند. عرض میکند کدام یک از مؤمنین زیرک تر میباشند میفرماید: آنکس که بیشتر یاد مرگ کند و خود را بهتر مهیا نماید برای آن. از ابی عبیده روایت شده که به حضرت باقر علیه الصلوة والسلام عرض میکند حدیث بفرما برای من به آنچه منتفع شوم به آن؛ میفرماید: یا اباعبیده بسیار یاد مرگ کن زیرا که انسان بسیار یاد مرگ نمیکند مگر آنکه زهد در دنیا نصیب او میشود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که کسیکه بسیار یاد مرگ کند خدا او را دوست میدارد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که مردی را دیدند که بر فوت فرزندش خیلی جزع و فزع میکند. فرمودند: ای مرد برای مصیبت کوچک جزع میکنی و از مصیبت بزرگ غافل. اگر برای سفری که فرزندت رفته است خود را مهیا میکردی هرآینه این قدر بر فوت فرزندت فزع نمیکردی، پس مصیبت خودت بواسطه ترک استعداد بزرگتر است از مصیبت فرزندت و از جناب ابی بصیر رحمه الله روایت شده که حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود: هیچوقت محزون میشوی، غمناک و متألّم میشوی؛ عرض کردم چرا قسم بخدا؛ فرمود: هرگاه

ناراحتی بتو روی آورد پس یاد کن مرگ و تنهائی خود را در قبر و سیلان چشمانت بر گونه هایت و جداشدن مفاصلت از یکدیگر و خوردن حشرات زمین گوشتت را و جدا شدن خود را از دنیا و چه آنکه یاد این پیش آمدها تو را وادار میکند بر عمل و باز میدارد تو را از بسیاری حرص بر دنیا و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که در نامه ای که بجناب محمد بن ابی بکر رحمه الله و اهل مصر نوشته بودند در آن نامه بود که بسیار یاد مرگ کنید هنگامیکه نفس شما با شما در مقام نزاع برمیاید برای رسیدن بشهوات خود و مرگ واعظی است کفایت کننده و بود رسول خدا صلی الله علیه و آله که میفرمود در مقام وصیت باصحاب خود بسیار مرگ را یاد کنید زیرا که خراب کننده لذاتست و حائلی است بین شما و بین شهواتتان و از آنحضرت علیه الصلوة والسلام نیز روایت شده که در مقام وصیت بفرزند خود جناب امام حسن علیه السلام میفرماید ای فرزند یاد مرگ بسیار کن و بیاد آنچه پس از مرگ برای تو پیش میاید باش و مرگ را پیش چشم خود قرار ده بطوریکه کانه او را میبینی تا آنکه بیاید تو را در حالتیکه خود را مهیا کرده باشی برای آن و نیابد بغنة و ناگهانی و نیز از آنحضرت روایت شده که قلب و دل خود را زنده کن بموعظه و بمیران آنرا بزهد و قوی گردان آنرا بیقین و نورانی کن آنرا بنور حکمت و ذلیل و خوار کن او را بیاد کردن مرگ و نیز میفرماید کسیکه بسیار یاد مرگ کند، به یسیر و کم از دنیا راضی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که بسیار یاد کنید هادم و خراب کننده لذات را، پس عرض کردند یا رسول الله (ص) هادم لذت ها چیست؛ فرمود: مرگ، پس بدرستیکه زرنگ ترین مؤمنین آنکس میباشد که بیشتر یاد مرگ کند و خود را بهتر مهیا کند برای آن و نیز از آنحضرت نقل شده که سؤال شد از مهیا شدن

برای مرگ، فرمود: ادای فرائض و واجبات و اجتناب از محرمات و دارا بودن اخلاق
کریمه چنین شخص پاک ندارد که او واقع شود بر مرگ یا مرگ بر او.

تنبيه پنجم

(در زیارت قبور)

بسم الله و له الحمد. از جناب ابی ذر علیه الرحمة روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله بمن فرمود: یا اباذر وصیت میکنم تو را پس حفظ کن شاید خدای تعالی نفع دهد تو را به آن، اختیار کن مجاورت و همسایگی قبور را که بواسطه آن پیاد آخرت بیافتی و زیارت کن قبور را در روز نه در شب و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که از حق مؤمن آنستکه او را بجان و دل دوست بداری و هرگاه بمیرد قبرش را زیارت کنی و روایت شده که بحضرت علی علیه الصلوة والسلام عرض شد که چرا مجاورت و همسایگی قبور را اختیار کرده ای، فرمود: برای اینکه ایشان همسایگان صدقند و آخرت را پیاد شخص میاورند و از جناب محمد بن مسلم علیه الرحمة روایت شده که بحضرت صادق علیه السلام عرض میکند که اموات را زیارت کنیم؛ میفرمایند: بلی؛ عرض میکند آیا وقتیکه بزیارتشان میرویم میفهمند؛ فرمود: بلی والله میفهمند و خشنود میشوند و انس میگیرند بشما و از حضرت رضا علیه و علی آبائه و ابنائیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه زیارت کند قبر مؤمنی را، پس قرائت کند نزد او انا انزلناه فی لیلة القدر را هفت مرتبه، میامرزد خدا برای او و صاحب قبر و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که این دعا را برای اهل قبور میخوانند: بسم الله الرحیم السلام علی اهل لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله یا اهل لا اله الا الله بحق لا اله الا الله کیف وجدتم قول لا اله الا الله من لا اله الا الله یا لا اله الا الله بحق لا اله الا الله اغفر لمن قال لا اله الا الله و احشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) علی ولی الله، پس فرمود: از رسول

خدا صَلَّی الله علیه وآله شنیدم که میفرمود کسیکه قرائت کند این دعا را، عطا میفرماید او را خدا ثواب پنجاه سال و کفاره میفرماید از او گناه پنجاه سال را و همچنین برای پدر و مادرش و از حضرت امام حسین علیه وعلی اهل بیته و اصحابه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه داخل شود قبرستان را پس بگوید اللهم رب هذه الارواح الفانیة والاجساد البالیة والعظام النخرة التي خرجت من الدنيا و هی بک مؤمنة ادخل علیهم روحا منک و سلاما منی، مینویسد خدا برای او بعدد خلق از زمان آدم علیه السلام تا روز قیامت حسنات.

تنبيه ششم

(در گذاشتن ریش و کوتاه کردن شارب)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که شارب خود را بگیرد و محاسن خود را بگذارد و خود را شبیه به یهود نکند و در روایت دیگر است که شارب خود را بگیرد و محاسن را بگذارد و خود را شبیه به مجوس نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که تراشیدن ریش از مثله است و کسیکه مثله کند پس بر او است لعنت خدا و از آنحضرت نیز روایت شده که ده خصلت است که عمل قوم لوط است و بواسطه آن هلاک شدند تا آنکه میفرماید: و قطع ریش و طول شارب و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که حضرت امیر علیه الصلوة والسلام درباره محاسن هرگاه تراشیده شود اگر بیرون نباید تمام دیه و اگر بیرون بیاید ثلث دیه و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه مردی ریش مرد دیگری را بتراشد، پس اگر بیرون نباید پس بر او است دیه کامله و اگر بیرون بیاید پس بر او است ثلث دیه. از کازرونی در کتاب منتقی در قضیه ای نقل شده که بازان عامل کسری در یمن کاتب خود بانویه را با یک نفر دیگر بنام خرخسک فرستاد خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله، آن دو نفر وارد شدند بر حضرت در حالتیکه ریش خود را تراشیده و شارب خود را گذاشته بودند. پس حضرت کراحت داشتند از نگاه کردن بسوی ایشان و فرمودند: وای بر شما که شما را باین امر کرده، گفتند پروردگار ما یعنی کسری، پس حضرت فرمود: لکن پروردگار من امر فرموده مرا بگذاشتن محاسن و چیدن شارب.

تنبيه هفتم

(در صبر و انواع آن و فضیلت آن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون روز قیامت شود، جماعتی از مردم برخیزند و بیایند در بهشت، پس به آنها گفته شود شما کیستید؛ پس بگویند ما اهل صبریم. پس گفته شود بر چه چیز صبر کرده اید؛ پس بگویند بودیم ما که صبر میکردیم بر طاعت خدا و صبر میکردیم از معاصی خدا، پس خدای عزوجل بفرماید راست گفتند، داخل کنید ایشان را در بهشت و این است قول خدای عزوجل انما یوقی الصابرون اجرهم بغير حساب و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که صبر دو صبر است. یکی صبر در نزد مصیبت که حسن است و جمیل و نیکوتر از آن صبر است در نزد آنچه حرام فرموده خدا بر تو و ذکر نیز دو ذکر است. یکی یاد خدای عزوجل میباشد در نزد مصیبت و بهتر از آن یاد خدا است نزد آنچه خدا حرام فرموده بر تو، پس مانع باشد تو را از ارتکاب آن و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که صبر کنید بر دنیا چه آنکه دنیا یک ساعت است زیرا آنچه گذشته نه سرورش را شخص میابد و نه المش را و آنچه هنوز نیامده شخص نمیداند چگونه خواهد بود، پس همین ساعتی که در آن هستی صبر کن در آن بر طاعت خدا و صبر کن از معصیت خدا و از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که چون وفات پدرم رسید، مرا بسینه خود چسبانید و فرمود: یابنی صبر کن بر حق و اگرچه تلخ باشد تا آنکه اجر خود را بدست بیاوری بغير حساب و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که صبر دو قسم است: یکی صبر بر نداشتن آنچه دوست داری و میخواهی، دوم صبر بر پیش آمدهای

ناراحت کننده. بعد فرمود: بدرستیکه ولی محمد(ص) کسی است که اطاعت کند خدا را و اگرچه قرابت و خیشی در بین نباشد و دشمن محمد(ص) کسی است که خدا را معصیت کند اگر چه قوم و خویش باشد و نیز میفرماید چقدر فرق است بین دو عمل، یکی عملیکه لذت آن از بین میرود و مسئولیت آن باقی میماند و دیگر عملی که زحمت آن میگذرد و اجر آن باقی میماند و نیز از آنحضرت روایت شده که صبر از شهوت، عفت است و از غضب نجدة و بزرگی و از معصیت ورع و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده چه بسا که صبر یک ساعت سبب میشود فرح و سرور طولانی را و چه بسا که لذت یک ساعت موجب شود حزن و اندوه طولانی را.

تنبيه هشتم

(در تقوی و اهمیت آن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که تقوی کرم است و حلم زینت و صبر بهتر مرکب و از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که نیست برای احدی فضل و برتری بر دیگری مگر بتقوی. آگاه باشید که برای متقین نزد خدا تع بهتر ثواب و نیکوتر جزاء و جایگاه خواهد بود و نیز از آن بزرگوار روایت شده که بر شما باد بتقوی زیرا که تمام خوبیها در آن جمع است و خیری غیر آن نیست و بتقوی درک میشود و بدست می آید از خیر آنچه بغیر آن درک نمیشود از خیر دنیا و آخرت. خدای عزوجل میفرماید و قیل للذین اتقوا ماذا انزل ربکم قالوا خیرا و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که زمانی بر مردم خواهد آمد که کسی پادشاهی نمیرسد مگر بقتل و تجبر و بغنی و ثروت، مگر بغصب و بخل و نه بمحبت مگر به بیرون شدن از دین و متابعت هوی و هوس. پس کسیکه درک کند آن زمان را، پس صبر کند بر دشمنی مردم و حال آنکه میتواند مردم را دوست خود نماید و صبر نماید بر فقر و حال آنکه قادر است بر غنی و بدست آوردن ثروت و صبر کند بر ذلت و حال آنکه قادر باشد بر عزت، خدای تعالی بچنین کسی ثواب پنجاه صدیق را که تصدیق به ذات مقدس او نموده باشند مرحمت خواهد فرمود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده یک خصلتی است که هر که ملازم آن شود، دنیا و آخرت مطیع او گردد و اهل بهشت گردد. گفته شد آن خصلت کدام است یا رسول الله؛ فرمود: تقوی، کسیکه بخواهد عزیزترین مردم باشد پس باید پرهیزد از خدای عزوجل، بعد این آیه را تلاوت فرمود و من یتق الله یجعل له مخرجا

و یرزقه من حیث لا یحتسب و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که قلیل و اندک نیست با تقوی عملی و چگونه اندک باشد آنچه قبول میشود و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام نقل شده که عمل اندک با تقوی بهتر است از عمل بسیار که مقرون بتقوی نباشد.

تنبیه نهم

(در اهمیت نماز)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که طاعت خدای عزوجل در زمین، خدمت او است و هیچ خدمتی نیست که معادل نماز باشد و به همین جهت است که ملائکه جناب زکریا علیه السلام را در حال نماز صدا زدند و از آنحضرت نیز روایت شده که بعد از معرفت هیچ عملی بهتر از نماز نیست و بعد از معرفت و نماز چیزی معادل زکوة نیست و بعد از اینها چیزی معادل روزه نیست و بعد از اینها چیزی معادل حج نیست و اول همه اینها معرفت ما است و آخر اینها هم معرفت ما است و نیز از آنحضرت علیه الصلوة والسلام روایت شده که افضل اعمال نزد خدا در قیامت، نماز است و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ عملی بسوی خدا محبوبتر از نماز نیست، پس مشغول نکند شما را از اوقات آن چیزی از امور دنیا، چه آنکه خدای عزوجل اقوامی را مذمت فرموده، پس فرموده والذین هم عن صلوتهم ساهون یعنی انهم غافلون استهانوا باوقاتها و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که من نمیدانم چیزی را بعد از معرفت که افضل و بهتر باشد از این نماز، آیا نمیبینی بنده صالح عیسی بن مریم را که میگوید وصیت و سفارش فرمود مرا بنماز و زکوة مادامیکه زنده هستم و نیز از آن حضرت روایت شده که دوست ترین اعمال بسوی خدای عزوجل نماز است و این نماز آخرین وصیتهای انبیاء علیهم السلام میباشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که به نماز میرسد بنده بسوی درجه علیا، برای اینکه نماز تسبیح است و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوت و از آن حضرت نیز

روایت شده که دوست ترین بندگان بسوی خدای عزوجل کسی است که در گفتار خود راستگو باشد و محافظت کند بر نمازش و آنچه فرض و واجب فرموده خدا بر او با ادای امانت.

تنبیه دهم

(در کفاره بودن نمازها)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که نمازهای پنجگانه کفاره است برای آنچه از گناه در بین واقع میشود مادامیکه نمازگذار از گناهان کبیره اجتناب کند این نمازها هست آنچه خدا میفرماید ان الحسنات يذهبن السيئات ذلک ذکرى للذاکرین و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که مردی را دیدند میگوید خدایا مرا بیامرزد و نمیبینم تو را که بیامرزی مرا، حضرت فرمود: چرا گمان بد میبری؛ گفت برای آنکه من هم در زمان جاهلیت گناه کرده ام و هم در اسلام. حضرت فرمود: اما آنچه در جاهلیت انجام داده ای، پس بتحقیقکه ایمان آن را محو نمود و آنچه در اسلام مرتکب شده ای، نماز تا نماز دیگر کفاره است برای آنچه در بین بجا آورده شده و از جناب جبرئیل علیه السلام نقل شده در حدیثی که بحضرت آدم علیه السلام عرض کرد کسیکه نماز بخواند از فرزندان در هر روز و شبی پنج نماز، بیرون میاید از گناهانش همانطوریکه تو از این سیاهی بیرون آمدی.

تنبيه يازدهم

(در مضرات استخفاف به نماز)

بسم الله وله الحمد. از جناب ابی بصیر علیه الرحمه روایت شده که وارد شدم بر ام حمیده برای اینکه در مصیبت حضرت صادق علیه السلام او را تعزیت بگویم. پس آن مخدره گریه کرد من هم گریه کردم بواسطه گریه او بعد گفت: یا ابامحمد اگر اباعبدالله را هنگام موت میدیدی هرآینه امر عجیبی مشاهده میکردی و آن امر عجیب این بود که چشمهای مبارک را گشوده، پس فرمود: هرکس که بین من و او قرابت و خویشاوندی هست جمع کنید. پس احدی را ترک نکردیم مگر آنکه او را حاضر نمودیم. پس حضرت نظر بسوی ایشان نموده، فرمود: بدرستیکه شفاعت ما نمیرسد به کسیکه سبک بشمرد نماز را و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نیز روایت شده که بشفاعت من نمیرسد کسی که بنماز خود استخفاف برساند وارد بر حوض نخواهد شد نه بخدا قسم و از حضرت ابی الحسن اول روایت شده که چون وفات پدرم رسید، بمن فرمود: یابنی شفاعت ما نخواهد رسید بکسیکه استخفاف نماید بنماز و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که نماز خود را سبک مشمار چه آنکه پیغمبر صلی الله علیه وآله در هنگام موتش فرمود: از من نیست کسیکه سبک بشمرد نماز خود را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که قسم بخدا که شما میشناسید از همسایگان و اصحاب خود کسانی را که اگر نماز بخواند برای بعضی از شما، هرآینه قبول نمیکند از او بواسطه معیوب و ناقص بودن آن بدرستیکه خدا قبول نمیفرماید مگر عمل خوب را، پس چگونه قبول بفرماید عملی را که ناقص و معیوب انجام داده شده باشد.

تنبيه دوازدهم

(تشبيه نماز به ستون خيمه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده كه نماز عمود دين است. مَثَل آن، مَثَل عمود خيمه است كه هرگاه عمود خيمه پابرجا باشد، طنابها و ميخهاي آن نيز پابرجا خواهد بود و چون عمود بشكند، نه ميخي ثابت بماند و نه طنابي و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده مثل نماز مثل عمود خيمه است كه هرگاه عمود ثابت و پابرجا باشد، از طنابها و ميخها و خيمه ميتوان استفاده كرد و چون عمود شكست و از پاي درآمد، نه از طناب ميتوان نفع برد و نه از ميخها و نه از خيمه و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه در خطبه خود پس از حمد و ثناء بر خدای تعالی و كلمات چند ديگر فرمود: بر شما باد بنماز، بر شما باد بنماز زيرا كه نماز عمود دين شما است. خود را در شب به زحمت و مشقت بياندازيد بنماز خواندن و بسيار ياد كنيد خدا را تا كفاره كند گناهان شما را و از حضرت علي عليه الصلوة والسلام روايت شده كه وصيت و سفارش ميكنم شما را بنمازي كه عمود دين و قوام اسلام است پس غافل نشويد از آن و از آنحضرت نيز روايت شده كه وصيت ميكنم شما را بنماز و حفظ آن، چه آنكه اين نماز بهتر عمل است و اين نماز عمود دين شما است و از جناب لقمان عليه السلام نقل شده كه بفرزند خود ميفرمايد: يابني بپادار نماز را چه آنكه مثل نماز در دين خدا، مثل عمود خيمه است كه هرگاه بريا باشد از طنابها و ميخها و سايه آن منفعت ميشود برد و اگر مستقيم و بريا نباشد، نه از ميخ آن ميشود نفعي بدست آورد و نه از طناب آن و نه از سايه آن.

تنبيه سیزدهم

(در اهمیت خوب خواندن نماز)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که شیطان پیوسته از مؤمن خائف و ترسانست مادامیکه بر نمازهای پنجگانه مواظبت کند، پس چون نماز را ضایع کند جری میشود بر او، پس میافکند او را در گناهان بزرگ و نیز از آنحضرت روایت شده که به اصحاب خود میفرماید ضایع نکنید نماز خود را چه آنکه هرکس ضایع کند نماز خود را محشور خواهد شد با قارون و هامان و فرعون و بر خدا حق است که او را با منافقین داخل آتش کند و وای بر کسیکه محافظت نکند بر نماز خود و اداء سنت نبی خود و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده در نامه ای که بجناب محمد بن ابی بکر نوشته بودند: و بدان یا محمد که هر چیزی تابع است مر نماز تو را و بدان که کسیکه نماز را ضایع کند، پس اینجور آدم غیرنماز را ضایع کننده تر خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هرگاه نمازگذار تمام بجا آورد رکوع نماز و سجود آن را و سهام آن را، آن نماز بالا رود بسوی آسمان در حالتیکه نورانی باشد بنوریکه تلاء لؤ داشته باشد و بگوید محافظت نمودی بر من، خدا تو را حفظ کند و ملائکه گویند درود بفرستد خدا بر صاحب این نماز و هرگاه ناقص و معیوب بجا بیاورد بالا رود در حالتیکه ظلمانی و تاریک باشد و درهای آسمان به روی آن بسته شود و بگوید ضایع نمودی مرا، خدا تو را ضایع کند و همچو نمازی زده شود به صورت صاحبش.

تنبیه چهاردهم

(در اولی بودن قبولی نماز نسبت بسایر اعمال)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که محافظت کنید بر نمازهای پنجگانه، زیرا که چون روز قیامت شود خدا بنده را بخواهد. پس اول چیزی که سؤال کرده شود از آن نماز است. پس اگر نماز را تمام و کامل بجا بیاورد فبها والا پرتاب شود در آتش و نیز از آنحضرت روایت شده که اول چیزی که از عمل بنده در آن نظر میشود در روز قیامت نماز است. پس اگر قبول شد، در باقی اعمالش نظر میشود و اگر قبول نشد در هیچ عملی از اعمالش نظر نمیشود و نیز از آنحضرت روایت شده که عمود دین نماز است و این نماز اول چیزی است که نظر میشود در آن از عمل فرزند آدم، پس اگر صحیح بود در باقی اعمالش نظر میشود و اگر صحیح نبود در سایر اعمالش نظر نمیشود و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اول چیزیکه بنده به آن حساب کرده میشود نماز است. پس اگر قبول شد باقی اعمالش قبول میشود و اگر رد شد سایر اعمالش رد میشود.

تنبيه پانزدهم

(در نزول رحمت فرشتگان بر نمازگذار)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون نمازگذار بنماز بایستد، نازل میشود بر او رحمت از آسمان بسوی زمین و ملائکه اطراف او را احاطه کنند و ملکی او را ندا کند که اگر این نمازگذار بداند آنچه را از ثواب و پاداش که در نماز هست هرآینه از نماز منصرف نمیشود یعنی دست برنمیدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که چون بنده مؤمن بنماز بایستد مورد توجه خدای عزوجل قرار میگیرد تا از نماز فارغ شود و فرامیگیرد او را رحمت از بالای سر تا افق آسمان و ملائکه اطراف او را میگیرند تا افق آسمان و موکل میفرماید خدا ملکی را که میایستد بالای سر او و میگوید ای نمازگذار اگر بدانی چه کسی نظر میکند بسوی تو و با چه کسی مناجات میکنی، هرآینه از جای خود برنمیخیزی هرگز و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای نمازگذار سه خصلت است: اول آنکه چون بنماز بایستد خیر و خوبی بر او ریزش میکند از اعنان آسمان تا فرق سرش. دوم آنکه ملائکه اطراف او را میگیرند از تحت قدمش تا اعنان آسمان. سوم آنکه ملکی ندا میکند ای نمازگذار اگر بدانی با چه کسی مناجات میکنی، هرآینه دست از نماز برنمیداری و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هیچ مؤمنی بنماز نمیایستد مگر آنکه خیر و خوبی بر او ریزش میکند مابین او و بین عرش و موکل میفرماید خدا بر او ملکی را که ندا میکند ای پسر آدم اگر بدانی آنچه را که برای تو هست در نماز و با چه کسی مناجات میکنی، هرآینه ملول نمیشوی از نماز و دست برنمیداری از آن.

تنبیه شانزدهم

(در وادار کردن بچه ها به نماز)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که ما بچه های خود را چون پنج ساله شدند امر میکنیم بنماز، پس شما بچه های خود را چون هفت ساله شدند امر کنید بنماز و نیز روایت شده که از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام سوال نمودند از مردیکه بچه اش یکروز و دو روز نماز نمیخواند، آیا مجبور کند او را بنماز؛ حضرت پرسیدند سن بچه چند است؛ گفت هشت است. فرمود: سبحان الله با اینکه عمرش به هشت سال رسیده نماز را ترک میکند. راوی میگوید وجع و درد به او میرسد؛ فرمود: نماز بخواند هر جور که میتواند و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که نماز را به بچه های خود یاد بدهید، چون هشت ساله شدند آنها را وادار کنید بنماز و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که چون بچه های شما شش ساله شدند امر کنید آنها را به نماز و چون هفت ساله شدند بزنید آنها را برای نماز و چون ده ساله شدند جدائی بیندازید بین آنها در خوابگاهشان.

تنبیه هفدهم

(در حضور قلب در نماز)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون وارد نماز میشوی پس روی بیاور بر نمازت زیرا چون تو روی بیاوری خدا توجه میفرماید بتو و هرگاه اعراض کنی یعنی دلت متوجه جای دیگر شود، خدا نیز از تو اعراض میفرماید چه بسا که بالا نرود از نماز مگر ثلث آن یا ربع یا سدس آن بقدر اقبال نمازگذار بنمازش و عطا نمیفرماید خدا بشخص غافل چیزی را و نیز از آنحضرت روایت شده کسیکه نماز بخواند و اقبال کند بر نمازش حدیث نکند با نفس خود و سهو هم نکند در نمازش، خدا اقبال میفرماید بر او مادامیکه او اقبال داشته باشد بر نمازش چه بسا که نصف آن بالا رود و ثلث و ربع و خمس آن و ما امر شده ایم بسنت یعنی نافله برای جبران آنچه از فریضه بدون حضور قلب بجا آورده شده و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بعضی از نمازها هست که نصف آن قبول میشود و ثلث آن و ربع و خمس آن تا عشر و بعضی از نمازها میباشد که مانند جامه کهنه بهم پیچیده شده بصورت صاحبش زده میشود و برای تو است از نمازت آنچه اقبال کنی بقلبت بر آن و از حضرت باقر و صادق علیهما الصلوة والسلام روایت شده که برای بنده از نمازش آن چیزی است که اقبال به آن داشته باشد و اگر تمام نمازش بدون حضور قلب باشد، بهم پیچیده شده بصورتش زده شود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که بنده بالا میرود از نمازش ثلث و نصف و سه ربع و کمتر و بیشتر بقدر سهوش در آن لکن تمام میشود برای او از نافله ها و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که هر سهوی در نماز طرح میشود از آن الا اینکه

خدا تمام میفرماید به نوافل و نیز از آنحضرت روایت شده که چون به نماز بایستی بر تو باد به اقبال بر آن چه آنکه برای تو است از نمازت آنچه اقبال کنی بر آن و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون در نماز بایستی پس بر تو باد به خشوع و اقبال قلب بر نمازت و نیز از آنحضرت روایت شده که چون دعا کنی پس اقبال کن بقلب و حاجت را در خانه ببین و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که دو رکعت میانه، یعنی نه خیلی طولانی و نه خیلی مختصر با تفکر بهتر است از قیام یک شب که قلب لاهی و ساهی باشد.

تنبيه هجدهم

(در اهمیت مساجد)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مساجد شکایت نمودند بسوی خدا تعالی از همسایگان که حاضر نمیشوند در آنها، پس وحی فرمود خدا بسوی آنها که قسم بعزت و جلال خودم که یک نماز از ایشان قبول نخواهم کرد و ظاهر نخواهم کرد برای ایشان در میان مردم عدالتی را و نخواهد رسید بایشان رحمت من و در بهشت من راه نخواهند یافت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه برود بسوی مساجد برای او خواهد بود به هر قدمی که بردارد تا وقتی که برمیگردد بمنزل خود ده حسنه و محو شود از او ده سیئه و بلند شود برای او ده درجه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که از جناب جبرئیل علیه السلام سوال نمود از دوست ترین بقعه ها بسوی خدا و دشمن ترین بقعه ها بسوی او، پس عرض نمود دوست ترین بقعه ها بسوی خدا مساجد است و دشمن ترین بقعه ها بسوی خدا بازارها است و از آنحضرت نیز روایت شده که مساجد، مجالس انبیاء علیهم السلام است و نیز میفرماید روزی نیست مگر آنکه ملکی در مقابر ندا میکند بچه کسی غبطه میبرد، میگویند به اهل مساجد که نماز میخوانند و ما نمیتوانیم، روزه میگیرند و ما قادر نیستیم و نیز از آن بزرگوار روایت شده که اجابت مؤذن کفار گناهانست و رفتن بسوی مساجد طاعت خدا و طاعت رسول او است و کسیکه اطاعت کند خدا و رسول را داخل میفرماید او را در بهشت با صدیقین و شهداء و در بهشت رفیق داود علیه السلام خواهد بود و برای او است مثل ثواب داود علیه السلام و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که نمازی

نیست برای همسایه مسجد مگر در مسجد، مگر آنکه برای او عذری باشد یا کسالتی داشته باشد. عرض شد همسایه مسجد چه کسی است؛ فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود و از خداوند متعال روایت شده که دوست ترین بقعه ها بسوی من مساجد است و دوست ترین اهل آن بسوی من آن کسی است که اول داخل شود و در آخر بیرون رود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که چون بنده داخل مسجد میشود بگوید اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ شیطان بگوید اوه پشت مرا شکست و بنویسد خدا برای او بگفتن این جمله عبادت یکسال و هرگاه خارج میشود همین کلام را بگوید خواهد نوشت خدا برای بهر موئی که در بدنش هست صد حسنه و بلند میفرماید برای او صد درجه.

تنبیه نوزدهم

(در تسمیه و حلق در خروج و ورود خانه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون از خانه بیرون میامدند میگفتند بسم الله خرجت وعلى الله توكلت لا حول ولا قوة الا بالله و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که موقع بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله دو ملکی که با او میباشند میگویند هدایت شدی پس اگر بگوید لا حول ولا قوة الا بالله آن دو ملک خواهند گفت نگاه داشته شدی و اگر بگوید توكلت على الله آن دو ملک بگویند کفایت کرده شدی، پس شیطان خواهد گفت که من چگونه میتوانم این بنده را گمراه کنم و و فریب دهم که هدایت کرده و نگاه داشته و کفایت کرده شده است و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون خواستید داخل حجره خود شوید بسم الله بگوئید چه آنکه در این هنگام شیطان فرار میکند و چون داخل خانه شدید بسم الله بگوئید زیرا که در این صورت برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه هنگام داخل شدن در خانه سوره مبارکه قل هو الله احد را بخواند، فقر از او برطرف میشود و از آنحضرت نیز روایت شده که بجناب ابی ذر علیه الرحمه میفرماید اگر میخواهی خیر خانه ات زیاد شود چون داخل خانه ات میشوی بر اهل خانه سلام کن و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون داخل خانه خود میشوید بر خانواده تان سلام کنید و اگر خانواده ندارید بگوئید السلام علينا من عند ربنا و موقع داخل شدن در خانه قل هو الله احد را بخوانید تا فقر از

شما برطرف شود و از کتاب لب اللباب نقل شده که روایت شده کسیکه هنگام ورود در خانه بسم الله بگوید شیطان خواهد گفت اینجا جای ماندن من نیست.

تنبیه بیستم

(در زکات و اهمیت آن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که زکوة قرار داده شده برای اختبار و امتحان اغنیاء و معونه و کمک فقراء اگر مردم زکوة مال خود را بدهند فقیر و محتاجی باقی نمی ماند بلکه بی نیاز میشود بانچه خدا برای او فرض فرموده بر اغنیاء و مردم بفقر مبتلا و محتاج نمیشوند و گرسنه و برهنه نمی مانند مگر بواسطه گناه اغنیاء و سزاوار است بر خدای تبارک و تعالی اینکه منع کند رحمت خود را از کسانی که منع میکنند حق خدا را که در مالشان قرار داده تا آنکه میفرماید دوست ترین مردم بسوی خدای تعالی سخی ترین ایشانست و سخی ترین مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد و بخل نوزد بر مؤمنین به آنچه خدا واجب فرموده برای ایشان در مالش و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خطبه الوداع روایت شده که ایها الناس زکوة مال خود را ادا کنید پس کسیکه زکوة ندهد نمازی برایش نیست و کسیکه نمازی برای او نباشد دینی برای او نیست و کسیکه دینی برای او نیست حجتی و جهادی برای او نباشد و نیز از آنحضرت روایت شده که اموال خود را نگاه دارید به زکوة دادن و مریضهای خود را مداوا کنید به دادن صدقه و درهای بلا را رد کنید به دعا و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که فرض و واجب نفرموده خدا تع بر این امت چیزی را که سخت تر باشد بر ایشان از زکوة و در این زکوة هلاک میشوند عموماً و از آنحضرت نیز روایت شده در قول خدای عزوجل اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعونی لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت یعنی الزکوة ملخص آیه شریفه هرگاه مرگ یکی از ایشان برسد بگوئید

پروردگارا مرا برگردان بسوی دنیا تا عمل صالح انجام دهم در آنچه جا گذاشته ام یعنی زکوة مال خود را بدهم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که نماز تمام نمیشود مگر به زکوة و قبول نمیشود صدقه از مال مغشوش و شبه ناک و نمازی نیست برای کسیکه زکوة ندهد و زکوتی نیست برای کسیکه دارای ورع نباشد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که وصیت میکنم قرزندان خود و اهل خود و جمیع مؤمنین و مؤمنات را، پرهیز از خدا پروردگارشان، پرهیز از خدا در باب زکوة چه آنکه زکوة خاموش میکند غضب پروردگارتان را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه منع کند قیراطی از زکوة را پس باید بمیرد اگر میخواهد یهودی یا نصرانی. در مجمع البحرين میفرماید قیراط در اکثر بلاد بیست یک دینار است و اهل شام بیست و چهار یک دینار میدانند و از رسول گرامی علیه و آله الصوة والسلام روایت شده که یا علی کافر شدند بخدای بزرگ از این امت ده طایفه از آنجمله مانع الزکوة، بعد میفرماید: یا علی هشت طایفه میباشند که قبول نمیفرماید خدا از ایشان نماز را از آنجمله مانع الزکوة، بعد فرمود یا علی کسیکه منع کند قیراطی از زکوة مالش را پس مؤمن نیست و نه مسلمان و لا کرامة و از آنحضرت نیز روایت شده که اعمال اهل بهشت و اهل آتش عرضه داشته شد بر من تا آنکه میفرماید یافتم اول کسی که داخل آتش میشود سه کس میباشند: اول امیر مسلط که به عدالت رفتار نکند. دوم صاحب مالی که زکوة مال خود را ندهد. سوم فقیر متکبر و نیز از آنحضرت صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه مالی داشته باشد و زکوة مالش را ندهد بشارت میدهند او را در هر روز هزار ملک به آتش. بدرستیکه خدا روزی فقرا را در اموال اغنیا قرار داده، پس اگر گرسنه یا برهنه بمانند بواسطه گناه اغنیا است و حق است بر خدا که آنها را برو در آتش جهنم بیافکند.

تنبيه بيست و يكم

(در تسميه و حلق در خروج و ورود خانه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه سه چيز است كه باعث رفع درجات ميشود و سه چيز است كه موجب كفاره گناهانست و سه چيز است كه هلاك كننده است و سه چيز نجات دهنده. اما آن سه كه رفع درجاتست فاش نمودن سلام و اطعام طعام و نماز در شب هنگاميكه مردم در خوابند و آن سه كه كفاره است تمام و كامل بجا آوردن وضوء است در هواى سرد و رفتن در شب و روز بسوى نماز جماعت و محافظت بر نمازها و آن سه كه هلاك كننده است بخلی كه اطاعت كرده شود و هوى و هوسى كه پيروي كرده شود و عجب نمودن شخص به خودش و آن سه كه نجات دهنده است خوف از خدا است در پنهانی و آشكارا و اقتصاد و ميانه روى در حال غنا و فقر و گفتن كلمه عدل و حق در حال رضا و سخط و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه آدم سخی بخدا تع و مردم و بهشت نزديك است و از آتش دور و آدم بخیل از خدا تع و مردم و بهشت دور و به آتش نزديك و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه بهشت جای سخاوتمندان است. قسم به آنكس كه جان من به دست او است كه داخل بهشت نمیشود بخیل و نه عاق والدین و نه بسیار منت گذارنده به آنچه عطا ميكند و از كتاب فقه الرضا عليه و على آبائه و ابائنا الصلوة والسلام نقل شده كه ميفرماید و روايت شده كه جوان سخی كه گناهكار باشد دوست تر است بسوى خدا تعالى از پير عابدیکه بخیل باشد و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه سخاوت درختی است از درختهای بهشت و از برای آن شاخه هائی است آویخته در دنیا، پس

کسیکه سخی باشد دست بشاخه ای از شاخه های آن زده، پس آن شاخه میکشاند او را بسوی بهشت و بخل درختی است در آتش و برای آن نیز شاخه هائی است آویخته در دنیا، پس کسیکه بخیل باشد دست انداخته بشاخه ای از آن شاخه ها و آن شاخه میکشاند او را بسوی آتش و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چون خداوند عالم جل و علا بهشت را خلق فرمود گفت پروردگارا مرا برای که خلق فرموده ای؛ فرمود: برای هر سخی باتقوائی. عرض کرد راضی شدم و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خوبان شما، سخاوتمندان شما میباشند و بدان شما بخیلان شما از حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خداوند عالم جل و علا روایت شده که هر بنده ای را که خلق کنم پس او را هدایت کنم بسوی ایمان و نیکو کنم خلق او را و مبتلا نکنم او را بیخل پس اینکه من اراده خیر دارم به او و نیز از آنحضرت روایت شده که من ادب کرده شده خدایم و علی علیه السلام ادب کرده شده من است، پروردگار من مرا امر فرموده به سخاوت و نیکوئی و نهی فرموده از بخل و جفا و هیچ چیز بسوی خدا مبعوض تر نیست از بخل و سوء خلق چه آنکه فاسد میکند عمل را همچنانکه فاسد میکند می کند گلِ غسل را و نیز از آن حضرت روایت شده که جمع نمیشود شح و بخل با ایمان در قلب بنده ای هرگز.

تنبيه بيست و دوم

(در بخل و بدتر بودن آن از ظلم)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام در تعريف سخاوت نقل شده که بيرون کنی از مال خود حقى را که خدا بر تو واجب فرموده و برسانى به اهلش و نیز از آنحضرت در همین مقام روايت شده که سخاوت آنستکه چون حرامى پيش بيايد برای شخص، دلش بار بدهد که از آن مال بگذرد و صرف نظر نمايد و هرگاه بمال حلال ظفر يافت، نفس او ميل داشته باشد به اینکه در طاعت خدا انفاق کند و از حضرت على عليه الصلوة والسلام روايت شده که از مردى شنيدند که ميگويد بخیل معذورتر است از ظالم، حضرت فرمود: دروغ گفتى چه آنکه ظالم گاهى هست که توبه ميکند و استغفار نموده و مال مردم را به صاحبانش رد ميکند ولى آدم بخیل هرگاه بخل ورزید زکوة نمیدهد، صدقه نمیدهد و صله رحم بجا نمى آورد و مهمانى نميکند و از انفاق در راه خدا و راههای خیر خوددارى مينمايد و حرام است بر بهشت اينکه داخل شود در آن شحيح و بخیلى و از حضرت ابى الحسن موسى بن جعفر عليهما الصلوة والسلام نقل شده که بخیل آنکس است که بخل بورزد به آنچه خدا بر او فرض فرموده و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده در تفسير قول خداى تعالى کذلک يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم اين مردى است که مال خود را بواسطه بخلی که دارد در راه خداى عزوجل صرف نميکند، چون مرد ورثه او آن مال را تصرف مينمايند بعد يا در طاعت خدا خرج ميکنند يا در معصيت خدا، اگر در طاعت خدا خرج کنند روز قيامت صاحب مال آن را در ميزان غير مييبند متأثر ميشود که زحمت را او کشيده استفاده را ديگران ميبرند و اگر آن مال در معصيت خرج

شود که او باعث شده و از آنحضرت علیه الصلوة والسلام نیز روایت شده که بخیل آنکس است که مال را از غیر راه حلال بدست بیاورد و در غیر راهش خرج و صرف کند و از آن حضرت علیه السلام نیز روایت شده که سخی آن کس نیست که پول خرج کن باشد در غیر راهش، بلکه سخی آنکسی است که زکوة مالش را بدهد و باقی حقوق واجبه را و بخیل آنکسی است که ادا نکند حق را که خدا در مالش قرار داده.

تنبيه بيست و سوم

(در صدقه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه نماز عمود دين و اسلام است و جهاد اعلاى عمل است و صدقه چيزى است عجيب، چيزى است عجيب، چيزى است عجيب و از آنحضرت عليه وآله الصلوة والسلام نيز نقل شده كه تواضع و فروتنى زياد نميكند بنده را مگر رفعت و بلندى، پس تواضع كنيد تا خدا شما را بلند كند و صدقه زياد نميكند در مال مگر كثرت را، پس صدقه بدهيد خدا شما را رحمت كند و عفو و گذشت زياد نميكند بنده را مگر عزت، پس داراى عفو شويد تا خدا شما را عزيز بگرداند و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه نيكو نميكند بنده صدقه را در دنيا مگر آنكه نيكو خواهد كرد خدا خليفه و عوض را در فرزندانش پس از او و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه سكه تصدق كند به صدقه اى براى او باشد بوزن هر درهمى مانند كوه احد از نعمتهاى بهشت و از جناب لقمان عليه السلام روايت شده كه بفرزند خود ميفرمايد هرگاه خطا و لغزشى از تو صادر شد پس براى جبران آن ص_____دقه ب_____ده. از جن_____اب قطب راوندى عليه الرحمة در كتاب لب اللباب نقل شده كه ميفرمايد روايت شده كه ملك الموت عليه السلام داخل شد بر حضرت سليمان عليه السلام و در نزد آنحضرت مردى بود، پس ملك الموت گفت: از عمر اين مرد پنج روز بيش باقى نمانده، پس آن مرد بگرده نانى تصدق كرد، پس آن سائل گفت: خدا عمرت را زياد كند پس خداوند عالم جل و علا پنجاه سال بر عمرش افزود و از حضرت على عليه الصلوة والسلام روايت شده كه سه نفر

خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمدند. یکی از آنها عرض نمود یا رسول الله من صدوقیه طلا دارم، اینک ده وقیه آن صدقه باشد. دیگری گفت یا رسول الله من صد دینار دارم، ده دینار آن صدقه باشد. سومی گفت یا رسول الله من ده دینار دارم، یک دینار آن صدقه باشد. پس حضرت به آنها فرمود: همه اتان در اجر، مساوی هستید برای خاطر اینکه هرکدام تان ده یک مال خود را صدقه دادید.

تنبيه بيست و چهارم

(در صدقه سر و علانیه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که صدقه در پنهانی خاموش میکند غضب پروردگار را، همچنانیکه آب خاموش میکند آتش را و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که صدقه پنهانی خاموش میکند گناه را مانند آب که خاموش میکند آتش را و دفع میکند هفتاد در از بلا را و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که صدقه مستحبی در پنهان هفتاد برابر آنست در آشکارا و صدقه واجب در آشکارا بیست و پنج برابر آنست در پنهان و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که مردی تمنی و آرزوی مرگ میکرد. حضرت به او فرمود: مرگ یک چیز است که چاره از آن نیست و سفری است دور و دراز، سزاوار است برای کسی که اراده این سفر دارد اینکه ده هدیه با خود بردارد تا آنکه میفرماید و هدیه مالک جهنم چهار چیز است گریه از خوف خدا و صدقه پنهانی و ترک معاصی و بر والدین و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که به جناب عمار علیه الرحمة میفرماید: یا عمار، صدقه، والله در سر افضل است از صدقه در علانیه و همچنین والله عبادت در سر بهتر است از آن در علانیه و از آنحضرت علیه الصلوة والسلام روایت شده که صدقه علانیه دفع میکند هفتاد نوع از بلا را و صدقه پنهانی خاموش میکند غضب پروردگار را و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که نیکی و صدقه در پنهانی برطرف میکند فقر را و زیاد میکند عمر را و دفع میکند هفتاد مردن بد را و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت

شده که آیا خبر ندهم شما را به پنج خصلت که آن پنج خصلت از برّ و نیکی است و برّ و نیکی دعوت میکند صاحبش را بسوی بهشت. راوی عرض میکند چرا؛ میفرماید: مخفی و پنهان داشتن مصیبت و صدقه که به دست راست بدهی و دست چپت نفهمد و بر والدین، چه آنکه بر والدین رضا و خشنودی خدا را در بر دارد و بسیار گفتن لا حول ولا قوّة الا بالله العلیّ العظیم که از گنجهای بهشت است و دوستی محمد و آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین.

تنبيه بيست و پنجم

(در احسان و آب دادن و غذا دادن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روایت شده که جناب عیسی علی نبینا وآله و عليه الصلوة والسلام گذارشان به کنار دریا افتاد پس یک قرص نان از قوت خود در آب انداختند بعضی از حواریین عرض کرد یا روح الله و کلمته چرا این کار را کردی این قرص از قوت شما بود؛ فرمود: این قرص را در میان آب انداختم برای مخلوقی از مخلوقات آن و ثواب آن نزد خدا عظیم و بزرگ است و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خداوند تبارک و تعالی دوست دارد خنک کردن جگر تشنه را، کسیکه جگر تشنه ای را آب بدهد از حیوان و غیر حیوان، خدا او را در سایه ای جای دهد در روزیکه سایه ای نباشد جز سایه او و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که داخل بهشت شدم پس دیدم در آن صاحب کلبی را که سیراب کرده بود او را و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که در بین اینکه رسول خدا صلی الله علیه وآله وضو میگرفتند گربه خانه، خود را نزدیک حضرت رساند. حضرت فهمیدند که تشنه است پس ظرفی را که از آن وضو میگرفتند نزد آن گربه گذاشتند تا آنکه آب آشامید بعد از زیادتى آن آب وضو گرفتند و از حضرت امام حسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که مشغول طعام خوردن بودند و کلبی جلو آنحضرت بود، یک لقمه خود میل میکردند و یک لقمه به آن کلب میدادند. عرض شد یابن رسول الله صلی الله علیه وآله آیا این کلب را از طعام شما دور نکنم؛ فرمود: بگذار او را، من از خدا حیا میکنم که جاننداری بصورت من نگاه کند و من طعام بخورم و به او ندهم.

تنبيه بيست و ششم

(در جواب دادن سائل و خلت ابراهيم عليه السلام و اینکه سائل رسول خدا است)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روایت شده که اگر عطا کننده بداند آنچه را که در عطا کردن هست، رد نمیکند احدی، احدی را و از حضرت صادق عليه السلام روایت شده که جبرئیل عليه السلام آمد نزد حضرت ابراهيم عليه الصلوة والسلام عرض نمود پروردگار تو مرا فرستاده بسوی بنده ای از بندگان که او را خلیل خود بگرداند. ابراهيم عليه السلام فرمود: آن بنده کدام بنده است که من تا زنده باشم در خدمت او باشم؛ جبرئیل عليه السلام گفت: آن بنده تو میباشی. فرمود: به چه جهت خدا میخواهد مرا خلیل و دوست خود قرار دهد؛ عرض کرد برای آنکه تو هیچ وقت از کسی چیزی سؤال نکردی و هیچ وقت نشد که کسی از تو چیزی سؤال کند و تو بگوئی نه و از حضرت علی عليه الصلوة والسلام روایت شده که مسکین فرستاده و رسول خدا است بسوی شما، پس کسیکه منع کند او را، پس منع کرده خدا را و کسیکه عطا کند او را پس عطا نموده خدا را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که سائل رسول پروردگار عالمیانست برای اینکه امتحان کرده شوید به آن پس کسیکه عطا کند او را، پس عطا نموده خدا را و کسیکه رد کند او را پس رد کرده خدا را و از آنحضرت صلی الله علیه و آله نیز روایت شده که قطع نکنید بر سائل سؤالش را بگذارید تا حرفش را تمام کند و از حال خود خبر دهد و از حضرت عیسی عليه السلام نقل شده کسیکه سائل را محروم کند، ملائکه تا هفت روز با خانه اش تماس نمیگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که میفرمود خدایا مرا زنده بدار مسکین و بمیران مسکین و محشور

فرما مرا در زمره مساکین، یکی از زوجات حضرت عرض نمود چرا اینجور میفرمائید؛ فرمود برای اینکه ایشان داخل بهشت میشوند قبل از اغنیاء به چهل سال مواظب باش که مسکین را نرنجانی و اگر چیزی سؤال نمود رد مکن او را ولو بنصف خرما باشد و دوست بدار او را و او را بخود نزدیک کن تا آنکه خدای تعالی تو را برحمت خود نزدیک گرداند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ وقت از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی سؤال نشد که بفرماید نه، اگر چیزی نزد حضرت بود که میدادند و اگر نبود میفرمود خواهی داد انشاء الله و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه زجر کند و برنجاند سائلی را ملائکه او را در قیامت زجر و ناراحت خواهند کرد.

تنبيه بيست و هفتم

(در اهميت دعای سائل و مسکين و يهودی)

بسم الله وله الحمد. از حضرت ابی الحسن عليه الصلوة والسلام روايت شده که حقير و کوچک نشمرید دعای احدی، را زیرا که دعای يهودی و نصرانی برای شما مستجاب میشود و اگر برای خود دعا کنند مستجاب نمیشود و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روايت شده که هیچ مردی نیست که به مسکين مستضعفی صدقه بدهد و آن مسکين در آن ساعت دعا کند مگر آنکه مستجاب میشود برای صدقه دهنده و از حضرت علی عليه الصلوة والسلام روايت شده که هرگاه چیزی بسائل دادید از او التماس دعا کنید چه آنکه مستجاب میشود درباره شما و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روايت شده که به خادم خود میفرمود چون خواستی بسائل چیزی بدهی اندکی خودداری کن تا دعا کند و نیز میفرماید دعای سائل فقير رد نمیشود و ایضا امر میفرمود به خادم خود که چون بسائل چیزی دادی امر کن بدعای خیر و از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام روايت شده که چون چیزی بفقرا میدهید تلقین و یاد بدهید به آنها دعا را چه آنکه دعای آنها درباره شما مستجاب میشود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روايت شده که سبک نشمرید دعای مساکين را برای مريضهای خود زیرا که مستجاب میشود دعای آنها درباره شما.

تنبيه بیست و هشتم

(در مذمت سؤال و تمجید جواب دادن به سؤال)

بسم الله وله الحمد. از جناب محمد بن مسلم علیهما الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که اگر سائل بداند آنچه را که در سؤال هست هیچکس از کسی سؤال نمیکند و اگر عطاکننده بداند آنچه را که در عطا کردن هست احدی، احدی را رد نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه در سؤال و گدائی را بروی خود باز کند، خدا هفتاد در از فقر بروی او میگذشاید و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که جمعی از انصار خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده سلام کردند، حضرت جواب سلام را دادند پس عرض کردند یا رسول الله (ص) ما برای حاجتی آمده ایم. فرمود: حاجت خود را بگوئید. عرض نمودند آن حاجت، حاجت بزرگی است. فرمود: بگوئید چیست آن حاجت؛ عرض کردند ضامن بشوی برای ما بر پروردگار خود بهشت را؛ پس حضرت سر مبارک را بزیر انداخته، در فکر فرو رفت، پس سر بلند نموده فرمود: ضامن میشوم بشرط آنکه چیزی از کسی سؤال نکنید و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که از برادرهای دینی خود حاجت نخواهید چه ممکن است که منع کنند پس دشمن ایشان شوید و به این جهت کافر شوید و از جناب سلمان رضی الله تعالی عنه روایت شده که وصیت فرمود مرا خلیل رسول خدا صلی الله علیه وآله به هفت چیز که هیچوقت ترک نمیکنم آنها را؛ اول آنکه نظرم بکسی باشد که پائین تر است از من یعنی در امور دنیا. دوم نظر نکنم بکسیکه بالاتر است از من. سوم اینکه فقرا را دوست ندارم و به آنها نزدیک بشوم. چهارم آنکه حرف حق را بگویم اگرچه تلخ است. پنجم

آنکه صله رحم بجا آورم، اگرچه آن رحم از من اعراض داشته باشد. ششم آنکه از مردم چیزی سؤال نکنم و وصیت فرمود مرا که بسیار بگویم لا حول ولا قوة الا بالله چه آنکه این ذکر شریف گنجی است از گنجهای بهشت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که مردی عرض نمود تعلیم بفرما بمن عملی را که حائلی بین آن عمل و بهشت پیدا نشود؛ حضرت فرمود: غضب نکن و از مردم چیزی سوال نکن و بپسند برای مردم آنچه برای خود میپسندی.

تنبیه بیست و نهم

(در احتیاج بمردم و بی نیازی و طمع تداستن در آنچه دارند)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که باید جمع شود در تو افتقار و احتیاج بسوی مردم و بی نیازی از ایشان؛ اما افتقار بسوی ایشان به اینکه هنگام ملاقات و تماس گرفتن با مردم خوشرو و خوش صحبت باشی و بی نیازی از ایشان به اینکه طمع در آنچه ایشان دارند نداشته باشی و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه یکی از شما بخواهد که آنچه از خدا سؤال میکند خدا عطا بفرماید به او، پس باید از تمام مردم مأیوس باشد و امید نداشته باشد مگر بخدا تع، پس هرگاه خدا بداند و ببیند این حالت را در قلبش، سؤال نکند از خدا چیزی را مگر آنکه عطا بفرماید به او و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که دیدم تمام خیر و خوبی را در قطع طمع از آنچه در دست مردمانست و از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام روایت شده که حاجت خواستن از مردم موجب سلب عزت و رفتن حیا است و یاس از آنچه در دست مردم است، عزتست برای مؤمن در دین و طمع فقریست حاضر و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه خصلت است که برای مؤمن فخر است و زینت، هم در دنیا و هم در عقبی یکی نماز در آخر شب و دیگر یأس از آنچه در دست مردم است و ولایت و دوستی امام از آل محمد و از حضرت علی علیه السلام روایت که یاس بهتر است از طلب بسوی مردم، چقدر قبیح است خضوع و خشوع در وقت حاجت و جفا در هنگام بی نیاز بودن و از حضرت زین العابدین علیه الصلوة والسلام روایت شده که گرامی ترین مردم بر مردمان آنکس است که خیرش بمردم برسد و از

ایشان بی نیاز باشد و بعد از این گرامیتر کسی است که چیزی بمردم نمیدهد و چیزی هم از کسی نمیخواهد، چه آنکه اهل دنیا عاشق مال دنیا میباشند، پس کسیکه مزاحم ایشان نباشد در آنچه معشوقشان هست بر آنها گرامیتر خواهد بود و کسیکه بعلاوه عدم مزاحمت مال دنیا را در دسترس ایشان قرار دهد در نزد ایشان گرامیتر و عزیزتر خواهد بود.

تنبیه سی ام

(در سخاوت و منت نگذاشتن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بهشت جایگاه سخاوتمندان است. قسم به آنکه جان من در دست او است که داخل نمیشود بهشت را بخیل و نه عاق والدین و نه کسیکه چون احسانی بکسی میکند، بسیار منت بر او میگذارد و نیز از آن حضرت روایت شده که داخل بهشت نمیشود عاق و نه مدمن خمر و نه منان یعنی بسیار منت گذار و نیز از آن حضرت صلوة الله و سلامه علیه و علی آله روایت شده که کسیکه احسان کند به مؤمنی، بعد اذیت کند به سخنی یا منت بگذارد بر او، خدا تع باطل میفرماید صدقه او را و از آن حضرت نیز روایت شده که خدا کراهت دارد برای من و برای اوصیای از فرزندان من و پیروان ایشان بعد از من شش خصلت را: یکی عبث و بازی را در بین نماز و دیگر منت گذاشتن بعد از صدقه و رفتن بمسجد در حال جنابت و نگاه کردن میان خانه مردم و خنده کردن در قبرستان و نیز از آن حضرت علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که کسیکه نیکی و احسانی به برادر دینی خود بکند، بعد منت بگذارد بر او، حبط میفرماید خدا عمل او را و ثبت میفرماید وزر و وبال آن را یعنی منتی که گذاشته و سعی او را پاداش نخواهد داد، بعد میفرماید که خدای عزوجل میفرماید حرام نموده ام بهشت را بر منان و بخیل و قتات یعنی نام، آگاه باشید کسی که صدقه بدهد برای او خواهد بود به وزن هر درهمی مثل کوه احد از نعمتهای بهشت و کسیکه صدقه کس دیگری را ببرد برای محتاجی، خواهد بود برای او مانند اجر صاحب صدقه بدون آنکه چیزی از اجر صاحبش کم شود.

تنبيه سى و يكم

(در صله دوستان ائمه عليهم السلام)

بسم الله وله الحمد. از حضرت ابی الحسن الاول عليه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه نمیتواند نسبت به ما صله بجا آورد، پس نسبت به فقرای شیعه ما صله بجا آورد و کسیکه نمیتواند قبور ما را زیارت کند، پس زیارت کند قبور برادران صالح ما را و از جمیل از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خوبان شما کسانی میباشند که دارای جود و سخاوت باشند و بدان شما، بخیلان شما، از ایمان خالص است برّ و نیکی به برادران و برآوردن حوائج ایشان چه آنکه نیکی کننده به برادران را خداوند رحمن دوست دارد و در آن رغم انف شیطان است و نجات از نیران و آتش و دخول در بهشت و از آنحضرت نیز روایت شده که کسیکه قادر نیست بر صله ما، پس صله کند دوستان صالح ما را تا نوشته شود برای او ثواب صله ما و کسی که قادر نیست بر زیارت ما، پس زیارت کند صالح از موالیان ما را که نوشته میشود برای او ثواب زیارت ما و از تفسیر علی بن ابراهیم علیهما الرحمة نقل شده که مردی اسم اغنیا را به میان آورده، مذمت آنها را کرد. حضرت فرمود ساکت باش زیرا که غنی و ثروتمند هرگاه صله رحم بجا بیاورد و به برادران خود نیکی کند، خدا اجر او را دو برابر میدهد چه آنکه خدا میفرماید و ما اموالکم و لا اولادکم بالتی تقرّبکم عندنا زلفی الا من امن و عمل صالحا فاولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا و هم فی الغرفات امنون یعنی و نیست اموال شما و نه اولاد شما که شما را نزدیک کند بما مگر کسیکه ایمان بیاورد و عمل صالح بجا آورد پس این جماعت بر ایشان از جزا دو برابر خواهد بود بواسطه اعمالشان و ایشان در غرفه ها خواهند بود در

حالتیکه ایمن باشند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ترک نکنید صله آل محمد را از اموال خود، غنی نسبت به غنائش و فقیر بحسب فقرش و کسیکه میخواهد خدا مهم ترین حوائج او را برآورد، پس باید صله کند آل محمد را و شیعه ایشان را.

تنبيه سى و دوم

(هر معروفی صدقه است و گوسفندی که در خانه ذبح شود)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده سائلی که حق خود را سؤال کند، خواهد بود برای او مانند اجر دهنده حق و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که صدقه ایست که خدا آن را دوست دارد و آن صدقه عبارتست از اصلاح بین مردم و مردم را نزدیک به یکدیگر کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه برود بسوی برادر خود که طلبش را بدهد، پس برای او باشد ثواب صدقه و کسیکه کمک کند صاحب دأبه را در بارکردن بارش، برای او باشد صدقه تا آنکه میفرماید هر معروف و احسانی صدقه است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که تصدق نمیدهند مردم به صدقه ای که بهتر باشد از کلام خوبی که بواسطه آن کلام اسیری آزاد شود یا خیری به برادرت برسد یا مکروهی و ظلمی از او دفع شود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که گوسفندی در حجره عایشه ذبح نمودند پس فقرای مدینه باخبر شدند و میآمدند نزد حضرت و درخواست گوشت میکردند حضرت بایشان میدادند چون شب شد باقی نمانده بود از آن مگر گردنش، پس از عایشه سؤال نمودند، گفت چیزی غیر از گردن آن باقی نمانده، حضرت فرمود بگو تمامش باقی باقی مانده غیر از گردنش.

تنبيه سى و سوم

(در اهميت روزه و فوائد آن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ مؤمنی نیست که ماه رمضان را روزه بدارد برای خدا مگر آنکه واجب میفرماید خدای تبارک و تعالی برای او هفت خصلت را؛ اول آنکه آب میشود گوشت حرام در جسدش، دوم آنکه نزدیک میشود برحمت خدای عزوجل، سوم آنکه کفاره میشود برای خطای پدرش آدم علیه السلام، چهارم آنکه آسان میفرماید خدا بر او سكرات مرگ را، پنجم آنکه امانست از گرسنگی و تشنگی روز قیامت، ششم آنکه عطا میفرماید او را خدا برائت و بیزاری از آتش، هفتم آنکه اطعام میفرماید خدا او را از طعام های طیب بهشت و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که اگر بدانید آنچه را که برای شما هست در ماه رمضان هرآینه زیاد میکردید برای خدا تعالی شکر را و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که برای خدا ملائکه ای هست که موکلند بر روزه داران که طلب مغفرت مینمایند برای ایشان در هر روز تا آخر ماه و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که ماه رمضان ماهی است که فرض فرموده خدا روزه آن را، پس کسیکه روزه بدارد آن را، با ایمان و خلوص خارج میشود از گناهان مانند روزیکه از مادر متولد شده و از حضرت علی علیه السلام نقل شده که خدا تمام اشیاء را گویا میگرداند به ثنای روزه داران ماه رمضان و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بهشت مشتاق است به چهار نفر: طعام دهنده به گرسنگان و حفظ کننده زبان و تلاوت کننده قرآن و روزه گیرنده ماه رمضان و از آنجناب صلی الله علیه وآله نیز نقل شده رمضان تا رمضان کفاره است برای آنچه در

بین واقع میشود و از آنجناب صلی الله علیه وآله نیز نقل شده کسیکه روزه بدارد ماه رمضان را و حفظ کند فرج و زبان خود را و باز بدارد اذیت خود را از مردم، پیامرزد خدا گناهان گذشته و آینده او را و آزاد کند او را از آتش و داخل کند او را در دارالقرار و نیز از آن حضرت صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه عطاءئی بکسی کند، از طیب نفس مبارک میشود هم برای او و هم برای کسیکه آن عطا را قبول کرده.

تنبیه سی و چهارم

(روزه فقط امساک از خوردن و آشامیدن نیست)

بسم الله وله الحمد. از حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چه میکند روزه دار بروزه اش، هرگاه نگاه ندارد زبان و گوش و چشم و سایر اعضا و جوارح خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بجناب جابر علیه الرحمه میفرماید یا جابر این ماه رمضان کسیکه روزه بدارد آن را و یک قدری از شب را به عبادت بسر ببرد و شکم و فرج و زبان خود را حفظ کند، خارج میشود از گناهانش مانند خارج شدن از ماه؛ جابر ره عرض میکند این حدیث چقدر خوبست. حضرت میفرماید: یا جابر چقدر سخت است این شرطها و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که زنی را شنیدند جاریه خود را سب میکند در حالتیکه روزه دار است، پس حضرت طعامی خواستند و و به آن زن فرمودند از این طعام بخور، گفت من روزه دارم. فرمود: چگونه روزه داری و حال آنکه جاریه خود را سب میکنی، روزه فقط امساک از طعام و شراب نیست و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون روزه میگیری پس باید گوش و چشمت نیز روزه دار باشد و همچنین از کار و گفتار قبیح و ترک مرأ و مجادله و اذیت خادم خود را و باید وقار و سنگینی روزه سایه برسرت بیفکند و قرار مده روزی که روزه هستی مانند روزیکه روزه نیستی و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه روزه بدارد ماه رمضان را در حال انصاف و سکوت و باز بدارد چشم و گوش و فرج و جوارح خود را از دروغ و حرام و غیبت تقرّباً الی الله نزدیک میکند خدا او را بخود تا آنکه دو زانوی او تماس بگیرد با زانوهای ابراهیم خلیل الرحمن و از حضرت

صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که روزه نیست از طعام و شراب تنها، بدستیکه مریم علیها السلام فرموده انی نذرت للرحمن صوما ای صمتا پس حفظ کنید زبانهای خود را و بپوشانید چشمهای خود را و نزاع نکنید و حسد نورزید چه آنکه حسد میخورد ایمان را همچنانیکه آتش میخورد هیزم را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چه بسا که قائم بعبادت بهره او از قیامش فقط بیدار خوابی است و چه بسا روزه داریکه بهره او از روزه فقط تشنگی است و از حضرت سجاد علیه الصلوة والسلام روایت شده که در دعای خود هنگام داخل شدن ماه رمضان عرض میکرد و اعانت و کمک بفرما ما را بر روزه این ماه به بازداشتن جوارح از معاصی تو و وادار بفرما ما را باعمالیکه موجب رضا و خوشنودی تو باشد تا آخر دعای شریف.

تنبيه سى و پنجم

(در روزه مستحبى ده روز يك روز)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که باصحاب خود میفرماید آیا خبر دهم شما را بچیزیکه اگر بجا بیاورید آنرا شیطان دورمیشود از شما مانند دوری مشرق از مغرب؛ عرض کرد چرا. فرمود: روزه سیاه میکند صورت او را و صدقه میشکند پشت او را و دوستی در راه خدا و معاونت بر عمل صالح قطع میکند دابر او را و مستأصل مینماید او را و استغفار قطع میکند رگ و تین او را و برای هر چیزی زکوتی است و زکوة بدن روزه است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای روزه دار دو خشنودی میباشد: یکی در نزد افطار و یکی نزد لقاء پروردگارش و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که روزه بگیرد تا صحت یابید و از آنحضرت نیز روایت شده که کسی که روزه بگیرد روزه مستحبی برای خدا دور میشود از آتش چهل خریف و از آنحضرت نیز روایت شده کسیکه روزه بدارد برای خدا دور میفرماید خدا از آتش او را به مسافت پنجاه سال که سواره ای با سرعت طی کند و از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده که روزه مستحبی قرار داده شده برای تکمیل روزه واجب و در هر ماهی سه روز که در هر ده روز یک روز باشد قرار داده شده برای اینکه خدای عزوجل میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها پس کسیکه در هر ده روز یک روز، روزه بگیرد کانه تمام سال را روزه گرفته و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه در هر ماه، سه روز روزه بگیرد خواهد بود مانند کسیکه تمام سال را روزه گرفته زیرا که خدای عزوجل میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها

و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مسنون یعنی مستحب پنجشنبه
اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه است.

تنبيه سى و ششم

(در قبول نشدن حج و صدقه از مال حرام)

بسم الله وله الحمد. از ائمه عليهم الصلوة والسلام روایت شده کسیکه به مال حرام حج بجا بیاورد، چون تبلیه بگوید ندا کرده میشود لا لبیک عبدی و لا سعدیک و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مردی از آن حضرت سؤال کرد راجع بمردی که از دستگاه سلطان مالی بدست آورده و از آنمال صدقه میدهد و صله رحم بجا میاورد یا حج میکند برای اینکه آمرزیده شود برای او آنچه بدست آورده و میگوید ان الحسنات يذهبن السيئات حضرت فرمود: گناه، گناه را کفاره نمیکند لکن حسنه خطيئه را کفاره میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که در آخرین خطبه خود فرمودند کسیکه مال حرامی را بدست بیاورد، خدا قبول نمیفرماید از او صدقه و نه عتق و نه عمره و نه حجی را و مینویسد خدا برای او بعد از اجزاء آن، وزر و وبال و آنچه از آن مالی باقی بماند بعد از مرگش زاد و توشه او خواهد بود بسوی آتش.

تنبيه سى و هفتم

(در شریک شدن پدر و مادر در حج و باقی اعمال صالحه)

بسم الله وله الحمد. از جناب معوية بن عمار عليهما الرحمة روایت شده که بحضرت صادق عليه الصلوة والسلام عرض میکنند آیا والدین خود را در حجم شریک کنم، میفرماید: بلی. عرض میکند برادران خود را در حج خود شریک کنم؛ میفرماید بلی چه آنکه خدای عزوجل قرار میدهد برای تو حجی و برای ایشان نیز حجی و از برای تو اجری برای صله رحم که نسبت بایشان کردی و در روایت دیگر میگوید عرض کردم بحضرت صادق عليه السلام که پدر و مادر و برادرانم حج بجا آورده اند، میخواهم که آنها را در حج خود شریک گردانم کانه دوست دارم که ایشان با من باشند. حضرت فرمود: آنها را با خود قرار بده زیرا که خدا قرار میدهد برای آنها حجی و برای تو حجی و از برای تو بعلاوه ثواب حج، اجری بواسطه صله رحم که نسبت بایشان بجا آورده ای و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روایت شده که اگر هزار نفر را در حج خود شریک کنی، خواهد بود برای هر کدام از آنها حجی بدون آنکه از ثواب تو چیزی کم شود و از اسحق بن عمار عليهما الرحمة روایت شده که بحضرت صادق عليه الصلوة والسلام عرض میکند فدایت شوم آیا مرد حج بجا بیاورد و قرار دهد آن را برای بعضی از اهلش و او در بلد دیگر است آیا جایز است این کار برای او؛ حضرت میفرماید: بلی. عرض میکند آیا از اجرش چیزی کم میشود؛ میفرماید برای خود او اجری است و برای صاحبش مثل آن و از برای او است اجر دیگری بواسطه صله رحم. مؤلف گوید باقی اعمال صالحه نیز همین حکم را دارند.

تنبیه سی و هشتم

(هر معروفی صدقه است و گوسفندی که در خانه ذبح شود)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که از مروت نیست آنکه شخص آنچه در سفر برایش پیش آمد نموده از خوب و بد برای مردم نقل کند و از آنحضرت نیز روایت شده که مروت، دو مروت است. یکی مروت در سفرو دیگر مروت در حضر. اما مروت در حضر پس تلاوت قرآن و حضور در مساجد و تماس گرفتن با اهل خیر و نظر در فقه و اما مروت در سفر، پس بذل و بخشش زاد و توشه و مزاح نمودن در غیر آنچه موجب سخط خدا میشود و کمی مخالفت با هم سفریها و چون از آنها جدا شدی حرفی بر علیه آنها نگوئی و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که شش چیز از مروتست. سه چیز در حضر و سه چیز در سفر. پس اما آن سه چیز که در حضر است تلاوت کتاب خدا و عمارت و آباد کردن مساجد خدا یعنی رفتن بسوی آنها و گرفتن برادران در راه خدا و اما آن سه چیز که در سفر است بذل زاد و توشه و حسن خلق و مزاح در غیر معاصی و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بجناب محمد بن الحنفیه میفرماید و بدان که مروت مرد مسلمان دو مروتست. یکی مروت در حضر و دیگری مروت در سفر. اما مروت در حضر پس قرائت قرآن و مجالست علما و نظر در فقه و محافظت برنمازها در جماعت و اما مروت در سفر، پس بذل زاد و قلت و کمی مخالفت با هم سفریها و بسیار یاد خدا کردن در هر بلندی و پستی و فرودآمدن و درحال قیام و قعود و از حضرت امام حسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که مروت عبارتست از بخل ورزیدن مرد نسبت به دینش و اصلاح کردن مالش و قیامش بحقوق یعنی ادای آن

و نیز از آن حضرت نقل شده که مروت با عفت بودن در دین است و نیکو اندازه گیری در امر معیشت و صبر بر ناملازمات و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که مروت ترک ظلم است با قدرت بر آن و مواسات با برادران در حال وسعت و اظهار نعمتهای خدا بدون تکبر و قناعت در حال دست تنگی و روایت شده که مردی بحضرت صادق علیه الصلوة والسلام عرض کرد یا بن رسول الله صلی الله علیه وآله مروت در چیست؛ فرمود: در اینکه نبیند یعنی خدا تو را در چیزیکه نهی فرموده تو را و مفقود نبیند تو را نزد چیزیکه امر نموده تو را به آن.

تنبيه سى و نهم

(در مدارا و مصاحبت نيك با همه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه بعضى از شيعيان بحضرت عرض ميكند وصيت بفرما ما را يابن رسول الله، پس حضرت ميفرمايد: وصيت ميكنم شما را بتقوى و عمل بطاعت او و دورى از معاصى و اداء امانت نسبت بكسى كه شما را امين قرار ميدهد و نيكو كردن مصاحبت نسبت بكسيكه با او همنشين هستيد و بوده باشيد دعوت كننده بحق و خير در حالتيكه خاموش باشيد؛ عرض كردند چگونه دعوت كنيم بحق و خير با خاموشى؛ فرمود: به اين كه عمل كنيد به آنچه شما را به آن امر ميكنيم از عمل بطاعت خدا و دست برداريد از معاصى و با مردم براستى و عدالت رفتار كنيد و امانت را ادا كنيد و امر كنيد بمعروف و نهى كنيد از منكر و مردم مطلع نشوند از شما مگر بخير، پس چون ببيند آنچه را كه شما بر آن هستيد خواهند فهميد فضيلت آنچه را كه نزد ما هست، پس سرعت ميكنند بسوى آن و از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده نسبت بمنافق بزبان اظهار دوستى كن و مودت و دوستى خود را خالص كن براى مؤمن و اگر يهودى با تو همنشين شد مجالست با او را نيكو كن و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام نقل شده كه حسن معاشرت با خلق خداى تعالى در غير معصيت از زيادى فضل خداى تعالى است نزد بنده اش و كسيكه در پنهانى خاضع باشد براى خداى تعالى، در علانيه معاشرتش نيكو خواهد بود. پس با خلق معاشرت كن براى خدا نه براى دنيا و طلب جاه و رياء و سمعه و ساقط مشو بسبب معاشرت از حدود شريعت از باب مماثلت و شهرت چه آنكه مردم بى نياز نميكنند از تو چيزى را و فوت

شود از تو آخرت بدون فائده، پس قرار ده آنکس را که از تو بزرگتر است بمنزله پدر و آنکه از تو کوچکتر است بمنزله فرزند و مانند خود را بمنزله برادر و با رفیق باشی در امر بمعروف یعنی در مقام امر بمعروف برفق ومدارا رفتار کن و شفیق و مهربان باش در مقام نهی از منکر و وامگذار خیرخواهی خلق را در هیچ حالی، خدای تعالی میفرماید و قولوا للناس حسنا و اعتنائی نیست به شأن کسیکه این مسلک و طریق حق را دارا هست اگر در او سه خصلت نباشد: ورعی که مانع شود او را از معاصی خدا و حلمی که مالک باشد بسبب آن غضب خود را و حسن مصاحبت با کسیکه مصاحبت میکند با او و از عمار بن مروان روایت شده که وصیت فرمود مرا حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام پس فرمود: وصیت میکنم تو را بتقوی وادای امانت و راستی گفتار و نیکو کردن مصاحبت با کسیکه مصاحبت میکنی با او ولا قوة الا بالله و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که سه خصلت است که هرکس این سه خصلت در او نباشد، هیچ عملی برای او تمام نمیشود یکی ورعیکه او را مانع شود از معاصی خدا و خلق خوشی که بواسطه آن مدارا کند با مردم و بردباری و حلمیکه رد نماید به آن جهل جاهل را یعنی اگر جاهلی نسبت به او کار یا گفتار ناراحت کننده ای انجام دهد حلم بورزد و چشم پوشی کند و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که خلطه و آمیزش کنید با مردم بجوریکه اگر با آن حال بمیرید برای شما گریه کنند و اگر از ایشان غایب شوید میل کنند بسوی شما و بیاد شما باشند.

تنبيه چهلّم

(در بشاشت در ملاقات و ایجاد برادری)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوٰۃ والسلام روایت شده که با روی گرفته مردم را ملاقات کردن موجب عداوت میشود و از حضرت باقر علیه الصلوٰۃ والسلام روایت شده که بزرگ بشمرید اصحاب خود را و بسنگینی تلقی کنید آنها را و هجوم نیاورد بعضی از شما بر بعضی و بیکدیگر ضرر نرسانید و نسبت بهم حسد نداشته باشید و از بخل پرهیزید و بندگان مخلص خدا باشید و از حضرت رضا علیه الصلوٰۃ والسلام روایت شده کسیکه استفاده کند برادری را برای خدا، بدست آورده خانه‌ای در بهشت و از حضرت صادق علیه الصلوٰۃ والسلام روایت شده که صدیق و دوست برای خود بسیار بگیرید که هم در دنیا بدردتان میخورند و هم در آخرت و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که اشرار مردم کسی است که مؤمنین را دشمن بدارد و مؤمنین نیز عذاب او را در دل دشمن بدانند. اشرار مردم کسانی اند که خبرکشی میکنند و بین دوستان تفرقه میاندازند و در صدد عیبجویی مردمند. این جماعت نظر نخواهد فرمود خدا بسوی ایشان الحدیث و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که خدا دشمن میدارد آن کس را که عبوس باشد در روی برادرانش و از آنحضرت نیز روایت شده که احداث نمیکند بنده برادری را در راه خدا مگر آنکه احداث میفرماید خدا برای او درجه ای در بهشت.

تنبيه چهل و يكم

(در در دوستی با نيکان و انتخاب دوست خوب)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که قرین اهل خیر باش تا از ایشان باشی و از اهل شر جدا باش تا از ایشان سوا باشی و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که خیر دنیا و آخرت جمع شده در پنهان نمودن سر و دوستی و رفاقت با اخیار و خوبان و جمع شده شر در فاش کردن سر و برادری با اشرار و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه امر او بر شما مشتبه باشد و دین و مذهب او را ندانید پس نظر کنید بسوی کسانی که با آنها خلطه و آمیزش دارد اگر آنها اهل دین خدایند پس بفمید که این شخص نیز اهل دین خدا است و اگر آنها اهل غیر دین خدایند بدانید که این آدم هم اهل غیر دین خدا است پس حظ و بهره برای او در دین خدا نیست و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بفرزندان خود میفرمود که با اهل دین و معرفت مجالست کنید و اگر نتوانستید پس تنهائی سالمتر و انیس بهتری است و اگر لابد شوید از مجالست با مردم، پس مجالست نمائید با کسانی که دارای مروّت میباشند چه آنکه ایشان در مجالس خود مواظب حرف زدن خود هستند و از جناب ابن عباس علیهما الرحمة روایت شده که به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض شد که کدامیک از همنشین ها بهترند، فرمود: آنکس که شما را بیاد خدا آورد دیدن او و بر علم شما بیافزاید. سخن گفتن او و شما را راغب و مایل کند نسبت به آخرت عمل او و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که صداقت و دوستی نمیشد مگر با یک حدودی، پس کسیکه این حدود در او باشد یا بعضی از آن حدود، پس او را لایق

صداقت و دوستی بدان و اگر هیچ یک از آن حدود در او نبود، پس او را لایق برای دوستی بدان: اول آنکه ظاهر و باطن او برای تو یکسان باشد، دوم آنکه زین تو را زین خود و شین تو را شین خود ببیند، سوم آنکه ثروت و ریاست حال او را نسبت بتو تغییر ندهد، چهارم آنکه منع نکند تو را از چیزی که قادر بر آن هست، پنجم که جامع این خصلتها است آنستکه تو را در نزد نکبتها تسلیم نکند یعنی به دادت برسد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که صدیق، صدیق نیست تا آنکه حفظ کند تو را در سه جا، یکی در نکبت و دیگر در وقت غایب بودن تو در وفات.

تنبيه چهل و دوم

(در قرائت و اقسام قاری)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه ختم کند قرآن را کانه نبوت بین دو پهلوی او درج شده و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که قاریان قرآن سه دسته اند: یک دسته کسانی هستند که قرائت قرآن میکنند برای آنکه از دستگاه ملوک استفاده ببرند و بر مردم برتری پیدا کنند، این دسته از اهل آتشند و یک دسته کسانی میباشد که قرآن میخوانند، حروف آن را حفظ میکنند و ضایع میکنند حدود آنرا یعنی به آن عمل نمیکند، این دسته نیز از اهل آتشند. دسته سوم کسانی میباشد که قرآن میخوانند و به محکم آن عمل میکنند و به متشابه آن ایمان می آورند و فرائض و واجبات آنرا بپا میدارند و حلال آنرا حلال میدانند و حرام آنرا نیز حرام میشمرند. این دسته را خدا از فتنه های گمراه کننده نجات میدهد و از اهل بهشتند و شفاعت میکنند درباره هرکس که بخواهند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه قرآن را یاد بگیرد پس به آن عمل نکند و حب دنیا و زینت آن را بر آن اختیار کند مستوجب سخط خدا گشته، در درجه با یهود و نصاری که کتاب خدا را پشت سر انداختند محشور خواهد شد و کسیکه قرائت کند قرآن را ریاء و سمعة و برای دنیا، ملاقات خواهد نمود خدا را در حالتیکه گوشت در صورت او نباشد و قرآن از پشت سر او را براند تا آنکه داخل کند او را در آتش و کسیکه قرآن بخواند و به آن عمل نکند، در روز قیامت کور محشور شود پس بگوید پروردگارا چرا مرا کور محشور نموده ای و حال آنکه من در دنیا بینا بودم. خدا بفرماید چون آیات ما آمد تو را، پس فراموش نمودی آن را، از این

جهت امروز فراموش کرده شدی پس امر شود به او بسوی آتش و کسبیکه قرآن بخواند خالصاً لوجه الله و بواسطه اینکه در دین عالم و فقیه شود خواهد بود برای او مانند جمیع آنچه به ملائکه و انبیاء و مرسلین داده شده و کسبیکه قرآن بخواند ریاء و سمعة و برای مجادله با سفها و مباهات با علما و طلب نماید به آن دنیا را خورد و نرم خواهد فرمود خدا در روز قیامت استخوانهای او را و در آتش اشد عذاباً از او نخواهد بود و هیچ نوعی از انواع عذابها نخواهد بود مگر آنکه به آن عذاب خواهد شد از شدت غضب خدا بر او و کسبیکه قرآن را یاد بگیرد و در علم متواضع باشد و به بندگان خدا یاد بدهد و نیتش خدا باشد در بهشت کسبیکه مقام و منزلت و ثوابش از او بزرگتر باشد نخواهد بود و در بهشت منزل و درجه رفیعه و نفیسه ای نخواهد بود مگر آنکه برای اینجور کس نصیب و بهره وافر خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان به قرآن نیاورده آنکس که حلال بشمرد حرامهای آن را و از آنحضرت نیز روایت شده که خدای عزوجل میفرماید ای حاملین قرآن دوستی خدا را بدست بیاورید بتوقیر و محترم شمردن کتاب او تا آنکه خدا شما را دوست تر بدارد و شما را محبوب خلق خود بگرداند و از آنحضرت نیز روایت شده که تعلیم بگیرید قرآن را و قرائت کنید آنرا و بدانید که یادگرفتن و خواندن قرآن برای بعضی ثواب و برای بعضی وزر و وبال است، پس پیروی کنید قرآن را و قرآن را پیرو خود نگردانید چه آنکه کسبیکه پیرو قرآن باشد قرآن او را خواهد برد به ریاض جنت و کسبیکه قرآن پیرو او باشد، قرآن او را بدوزخ افکند.

تنبیه چهل و سوم

(در تشویق به قرائت و درج نبوت)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که به علی علیه الصلوة والسلام میفرماید و بر تو باد به تلاوت قرآن بر هر حال و از جناب ابی ذر رحمه الله نقل شده که به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض میکند یا رسول الله صلی الله علیه وآله وصیت بفرما مرا؛ فرمود: وصیت میکنم تو را به تقوی، چه آنکه تقوی رأس تمام امر است. عرض میکند زیاد بفرما؛ فرمود: بر تو باد بتلاوت قرآن و بسیار ذکر خدا گفتن، زیرا که آن ذکر است برای تو در آسمان و نور است برای تو در زمین و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بر تو باد بقرآن چه آنکه خدا بهشت را بید قدرت خود خلق فرمود خشتی از طلا و خشتی از نقره ملاط آن را مشک و خاک آن را زعفران و سنگ ریزه آن را لؤلؤ و درجات آنرا بقدر آیات قرآن قرار داد. پس کسیکه قرائت کند قرآن را، در قیامت به او گفته شود قرائت کن و بالا رو و کسیکه از قراء قرآن داخل بهشت شود بجز انبیاء و صدیقین کسی درجه اش از او بلندتر نباشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه ثلث قرآن را قرائت کند، پس کانه ثلث نبوت به او داده شده و کسیکه دو ثلث آن را بخواند، گویا که دو ثلث نبوت به او داده شده و کسیکه تمام آنرا قرائت کند کانه تمام نبوت به او داده شده، بعد روز قیامت به او گفته شود قرائت کن و بهر آیه یک درجه بالا رو، پس بالا رود بهر آیه یک درجه تا میرسد به اندازه آنچه از قرآن همراه او هست و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چه چیز مانع میشود تاجر و کاسب را که در بازار مشغول کار و کسب

میباشد چون داخل منزل خود میشود پیش از خواب، یک سوره از قرآن بخواند تا نوشته شود برای او به هر آیه که قرائت کند ده حسنه و محو شود از او ده سیئه و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه قرائت کند قرآن را در نماز ایستاده مینویسد خدا برای او به هر حرفی صد حسنه و کسیکه قرائت کند در نماز نشسته مینویسد خدا برای او به هر حرفی پنجاه حسنه و کسیکه در غیر نماز بخواند به هر حرفی ده حسنه و از احمد بن فهد علیهما الرحمة نقل شده که در کتاب عدة الداعی میفرماید: فرمود یعنی امام علیه السلام از برای قاری قرآن به هر حرفی که در نماز ایستاده بخواند صد حسنه و نشسته پنجاه حسنه و با طهارت در غیر نماز بیست و پنج حسنه و بدون طهارت ده حسنه.

تنبيه چهل و چهارم

(در فوايد و برکات تلاوت قرآن در خانه و رفع درجات)

بسم الله وله الحمد. از حضرت امير صلوات الله و سلامه عليه نقل شده كه خانه اى كه در آن خانه قرآن تلاوت شود و ذكر خداى عزوجل در آن خانه گفته شود، برکت آن خانه زياد شود و ملائكه در آن خانه حاضر شوند و شياطين از آن خانه هجرت كنند و روشنى دهد براى اهل آسمان همانطوريكه ستارگان براى اهل زمين روشنى ميدهند و خانه اى كه نه قرآن خوانده شود و نه ذكر خداى عزوجل گفته شود برکت آن خانه كم شود و ملائكه هجرت كنند و شياطين حاضر شوند و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه نورانى كنيد خانه هاى خود را به تلاوت قرآن و و خانه هاى خود را قبرستان قرار ندهيد كما اينكه يهود و نصارى همين كار را ميكنند نماز خود را در كنائس و بيع ميخوانند و خانه هاى خود را معطل ميگذارند چه آنكه خانه ها هرگاه تلاوت قرآن در آن بسيار شود خير آن زياد ميشود و روشنائى ميدهد براى اهل آسمان همچنانيكه ستارگان آسمان روشنائى ميدهند براى اهل دنيا و از آنحضرت صلى الله عليه وآله روايت شده كه براى خانه هاى خود نصيب و بهره از قرآن قرار دهيد چه آنكه خانه هرگاه قرآن در آن تلاوت شود خير آن خانه بسيار شود و سكه آن خانه افزايش پيدا كنند و هرگاه قرآن خوانده نشود اهل آن خانه در مضيقه واقع ميشوند و خير آن خانه كم ميشود و سكه آن خانه رو به نقصان ميگذارند و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام در حديثى وارد شده كه به ابى هرون عليه الرحمة ميفرمايد كه خانه هرگاه كتاب خدا در آن تلاوت شود براى آن نوري باشد ساطع در آسمان و در بين خانه ها شناخته شود و از حضرت رسول صلى

الله علیه وآله روایت شده که شیاطین داخل نمیشوند در خانه ای که سوره بقره در آن خانه خوانده شود و خالی ترین خانه ها آن خانه ای میباشد که چیزی از کتاب خدا در آن نباشد و از حضرت صادق یا باقر علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که هرآینه بعجب میآورد مرا که در خانه ای قرآنی باشد که بواسطه آن خدای عزوجل شیاطین را طرد بفرماید.

تنبيه چهل و پنجم

(در بسم الله الرحمن الرحيم و فوائد گفتن آن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رضا عليه الصلوة والسلام روایت شده که بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم خدا نزدیکتر است از سیاهی چشم به سفیدی آن و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه میخواهد خدا او را از زبانیه های نوزده گانه نجات دهد پس باید قرائت کند بسم الله الرحمن الرحيم را، چه آنکه این کلمه طیبه نوزده حرفست، هر حرفی مقابل یکی از زبانیه ها و از آن حضرت (ص) نیز روایت شده کسیکه قرائت کند بسم الله الرحمن الرحيم را بنویسد خدا برای او به هر حرفی چهار هزار حسنه و محو کند از او چهار هزار سیئه و بلند گرداند برای او چهار هزار درجه و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هرگاه معلم بچه بگوید بگو بسم الله الرحمن الرحيم و بچه بگوید بسم الله الرحمن الرحيم مینویسد خدا برائتی یعنی از آتش برای آن بچه و برائتی برای پدر و مادرش و برائتی برای معلم و نیز از آن حضرت روایت شده که اگر قرائت کنی بسم الله را حفظ میکنند تو را ملائکه تا بهشت و این بسم الله شفا است از هر دردی و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که میفرماید و وحی فرمود خدا بسوی عیسی علیه السلام که بسیار بگو بسم الله و افتتاح کن امور خود را به آن و نیز میفرماید که جناب لقمان علیه السلام یک رقعہ ای را دید که در آن بسم الله بود پس برداشته آن را خورد پس خدای تعالی اکرام فرمود او را بحکمت.

تنبیه چهل و ششم

(در فوائد سجده و یک روایت شامل شش فایده)

بسم الله وله الحمد. از سعید بن یسار روایت شده که بحضرت صادق علیه السلام عرض میکند آیا در رکوع و سجود دعا بکنم؛ میفرماید: بلی دعا کن در سجده چه آنکه نزدیکترین حالات بنده بسوی خدا، همان حال سجده است. بخوان خدای عزوجل را برای دنیای خود و آخرت خود و از آن حضرت نیز روایت شده که بنده در حال سجده از همه حالات بخدا نزدیکتر است پس بخوان خدا را و از او درخواست روزی کن و از آن بزرگوار علیه الصلوة والسلام روایت شده که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده عرض کرد یا رسول الله ص گناهان من زیاد شده و عمل خیرم کم؛ پس حضرت فرمود: سجده بسیار بکن چه آنکه سجده میریزد گناهان را همچنانیکه باد میریزد برگ درختان را و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که کسی از آن حضرت سؤال نمود که بچه جهت خدای عزوجل ابراهیم علیه السلام را خلیل خود گردانید؛ حضرت فرمود: بجهت آنکه سجده بسیار میکرد بر زمین و نیز از آن حضرت روایت شده که جمعی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمده عرض کردند یا رسول الله (ص) ضامن شو برای ما بر پروردگار خود بهشت را، حضرت فرمود: بشرط آنکه اعانت کنید مرا بطول سجود و از حضرت علی

علیه الصلوة والسلام روایت شده که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسیده عرض کرد عملی بمن تعلیم بفرما تا که خدا مرا دوست بدارد، خلیق مرا دوست بدارند و مالم زیاد شود و بدنم صحیح و سالم باشد و عمرم طولانی شود و خدا مرا با شما

محشور فرماید؛ حضرت فرمود: این شش خصلت میباشد و محتاج است بشش خصلت. هرگاه خواسته باشی خدا تو را دوست بدارد، پس بترس از او و باتقوی باش و هرگاه میخواهی خلق تو را دوست بدارند پس احسان کن بایشان و طمع در آنچه نزد ایشانست نداشته باش و هرگاه میخواهی مالت زیاد شود، پس زکوة آن را بده و اگر میخواهی بدنت صحیح و سالم باشد پس صدقه بسیار بده و اگر خواسته باشی عمرت طولانی شود، پس صله رحم بجا بیاور و اگر میخواهی خدا تو را با من محشور بفرماید، پس طول بده سجده را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که به اسامه بن زید میفرماید: یا اسامه بر تو باد به راه و طریق حق تا آنکه میفرماید یا اسامه بر تو باد به سجود، چه آنکه بنده در حال سجده از تمام حالات بخدا نزدیکتر است و هیچ بنده نیست که برای خدا سجده کند مگر بنویسد خدا برای او بآن سجده یک حسنه و محو فرماید از او بآن یک سیئه و بلند فرماید برای او یک درجه و مباهات کند به آن بنده با ملائکه و نیز از آن حضرت روایت شده زمینی که بنده مؤمن بر آن سجده کند، نور آن زمین روشنی میدهد بسوی آسمان و از عبدالله بن هلال روایت شده که از تفرق و پراکنده شدن اموال و آنچه از ناراحتیها بما وارد شده بود به حضرت صادق علیه الصلوة والسلام شکایت نمودم. حضرت فرمود: بر تو باد به دعا در حال سجده، چه آنکه در حال سجده بنده از همه حالات بخدا نزدیکتر است. عرض میکند در نماز فریضه دعا بکنم؛ میفرماید: بلی، رسول خدا صلی الله علیه و آله همین کار را کرد.

تنبیه چهل و هفتم

(درقبولی دعاء بعد از فریضه و لزوم دعا در این موقع)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدا فرض و واجب فرموده نمازها را در دوست ترین وقتها پس بخواهید حاجتهای خود را بعد از ادای فریضه و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه ادا کند نماز واجبی را، پس برای او است بر اثر آن دعای مستجابی و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که کسیکه وضو بگیرد و نیکو کند وضوی خود را بعد دو رکعت نماز بخواند و رکوع و سجود آن را کامل بجا بیاورد، بعد بنشیند و ثنای خدا را بجا آورد یعنی خدا را بخوبی یاد کند و صلوات بفرستد بر رسول خدا صلی الله علیه وآله، بعد حاجت خود را بخواهد، پس طلب خیر نموده در جایش و کسیکه در جایش طلب خیر نماید، خائب و خاسر نشود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه ادا کند فریضه ای را، برای او باشد نزد خدا دعای مستجابی اگر بخواهد در دنیا و اگر بخواهد به تأخیر میاندازد برای آخرت و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که هرگاه بنده فارغ شود از نماز و از خدا چیزی نخواهد، خدا بملائکه بفرماید نگاه کنید بسوی بنده من که فریضه مرا بجا آورد و چیزی از من نخواست کأنه از من بی نیاز است بگیرید نماز او را و بزنید به صورتش و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده در تفسیر قول خدای عزوجل فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب، میفرماید مراد دعا است بعد از فریضه، پرهیز از اینکه ترک کنی آن را، چه آنکه فضیلت دعا بعد از نماز فریضه، مانند فضیلت فریضه است بر نافله؛ بعد

میفرماید که خدا میفرماید ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون
جهنم و آخرین پس بهترین عبادت دعا است.

تنبيه چهل و هشتم

(در اهمیت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که بجناب ابی هرون علیه السلام میفرماید: یا اباهرون، بدرستی که ما امر میکنیم بچه های خود را بتسبیح فاطمه علیها السلام، همانطور که ایشان را امر میکنیم بنماز. پس ملازم آن باش چه آنکه ملازم نمیشود آنرا بنده ای که شقی شود و از آن حضرت نیز روایت شده که تسبیح فاطمه علیها السلام در هر روز بعد از هر نمازی محبوبتر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز و از آن حضرت علیه السلام نیز روایت شده کسیکه تسبیح فاطمه علیها السلام را بعد از نماز واجب بگوید پیش از آنکه هیئت خود را تغییر دهد، واجب میفرماید خدا برای او بهشت را و نیز از آن حضرت علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه بگوید تسبیح فاطمه علیها الصلوة والسلام را پیش از تغییر هیئت، آمرزیده میشود برای او گناهایش.

تنبيه چهل و نهم

(در اهميت دعا و درخواست و يك روايت با چهار فائده)

بسم الله وله الحمد. از رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روايت شده كه دو نفر داخل بهشت میشوند كه عمل آنها نظير هم بوده. پس يكي از آن دو رفیقش را بالاتر از خود ميبیند عرض ميكند پروردگارا به چه سبب برفیقم مقام بلندتری عطا فرموده ای و حال آنكه عمل ما يكجور بوده؛ حق تعالی بفرمايد برای آنكه او سؤال نمود از من و تو سؤال نكردی، بعد حضرت ميفرمايد از خدا بخواهيد و حاجتهای بزرگ بخواهيد، چه آنكه حاجتها ولو بزرگ باشد نزد خدا چیزی نيست و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه دعا برميگرداند قضا و قدر را ولو كه مبرم و محكم شده باشد، پس بسيار دعا كنيد چه آنكه دعا مفتاح هر رحمت و رسيدن به هر حاجتی است و بدست نمايد آنچه نزد خدا است مگر به دعا، چه آنكه هيچ دری بسيار كوبيده نميشود مگر آنكه برای كوبنده باز ميشود و از آن حضرت عليه السلام نيز نقل شده كسی كه چهار چیز به او عطا شود از چهار چیز محروم نمیشود. كسیكه موفق به دعا شود، به استجاب ميرسد و كسیكه توفيق استغفار و درخواست مغفرت از درگاه حضرت احدیت يافت، از آمرزش محروم نمیشود و كسیكه شكر به او داده شد، از زيادتی نعمت محروم نخواهد شد و كسیكه صبر بر ناراحتیها نصیب او شد، از اجر و ثواب محروم نشود و روايت شده كه از حضرت باقر عليه السلام سؤال شد از بهترين عبادت، حضرت فرمود هيچ نيست كه افضل و بهتر باشد نزد خدا از اينكه سؤال كرده شود آنچه را كه نزدش هست يعنی هيچ عملی بالاتر نيست نزد خدا از چیز خواستن از ذات مقدس او و از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده كه خدای

تعالی یک چیز را برای خود دوست و برای خلقش دشمن دارد و آن چیز سؤاست. دشمن دارد سؤال از خلق را و دوست دارد برای خود اینکه سؤال کرده شود و چیزی نزد خدا محبوبتر نیست از اینکه سؤال کرده شود پس حیا نکند و خجالت نکشد یکی از شما از اینکه سؤال کند از خدا از فضلش ولو آنکه بند کفشش باشد و از آن حضرت صلی الله علیه و آله روایت شده که دعا سلاح مؤمن است و عمود دین و نور آسمانها و زمین و از آنجناب علیه و آله الصلوة والسلام نیز روایت شده که هیچ مسلمانی نیست که دعائی بکند که در آن دعا قطع رحم یا گناهی نباشد مگر آنکه یا همان حاجتی که خواسته به او عطا میفرماید یا ذخیره میکند برای آخرتش یا به اندازه آن حاجت یک شر و بدی را از او دفع و رفع میفرماید و از حضرت ابی ابراهیم علیه الصلوة والسلام روایت شده که دعا بر میگرداند آنچه را که مقدر شده و آنچه را که مقدر نشده یعنی آنچه را که بنا بوده مقدر شود، مقدر نمیشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه مسرور و خوشحال میکند او را که خدای تعالی دعای او را نزد شدائد و ناراحتیها مستجاب بفرماید، باید در حالتیکه راحت است بسیار دعا کند.

تنبيه پنجاه ام

(در الحاح در دعا و اینکه دعا ایمان عاریه را پایدار میکند)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که قسم بخدا که الحاح و اصرار نمیکند بنده مؤمنی بر خدا در حاجتی مگر آنکه حاجت او بر میآورد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای عزوجل کراهت دارد از الحاح بعضی از مردم بر بعضی در حاجت خواستن و دوست دارد آن را برای خود بدرستیکه خدای عزوجل دوست دارد که سؤال کرده شود و طلب کرده شود آنچه را که نزد او هست و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدا ایمان را نسبت ببعضی از مؤمنین جبلی قرار داده، پس مرتد میشوند و نسبت ببعضی عاریه قرار داده، پس هرگاه این مؤمن الحاح کند در دعا خواهد مرد با ایمان و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سؤال کن حاجت خود را و الحاح کن در طلب آن چه آنکه خدا دوست دارد الحاح الحاح کننده گان را از بندگان مؤمنین و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که خدای عزوجل دوست دارد سؤال کننده ای را که الحاح و اصرار بر آن داشته باشد.

تنبیه پنجاه و یکم

(در واسطه قرار دادن پیامبر و آل او علیهم السلام در دعا)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که میفرماید: بدستیکه کراحت دارد برای بنده که تزکیه یعنی تعریف خود کند و لکن من میگوییم که چون آدم علیه السلام مرتکب خطا شد توبه اش این بود که گفت: اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد لما غفرت لی فغفرها و اینکه نوح علیه السلام چون سوار کشتی شد و از غرق شدن ترسید گفت: اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد لما انجیتنی من الغرق فانجیه الله منه و ان ابراهیم لما القی فی النار قال اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد لما انجیتنی منها فجعلها الله علیه بردا و سلاما و ان موسی علیه السلام لما القی عصاه و اوجس فی نفسه خيفة قال اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد لما امنتنی فقال الله عزوجل لا تخف انک انت الاعلی و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه خواسته باشی از خدا حاجتی طلب کنی پس ابتدا کن اول به صلوات بر نبی صلی الله علیه وآله بعد حاجت خود را بخواه چه آنکه خدا کریم تر از آنستکه دو حاجت از او بخواهند یکی را برآورد و یکی را منع کند و برنیآورد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که پیوسته دعا محجوبست تا آنکه دعا کننده صلوات بفرستد بر محمد وآل محمد و از آن حضرت نیز روایت شده کسیکه برای او حاجتی بسوی خدا باشد پس باید ابتدا کند به صلوات بر محمد وآل محمد صلی الله علیه وآله بعد از خواستن حاجت نیز ختم کند به صلوات چه آنکه خدای عزوجل کریم تر از آنستکه اول و آخر را قبول بفرماید و وسط را رد نماید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که

صلوات بر من دعای شما را به اجابت میرساند و خوشنودی است برای پروردگارتان و زکوة است برای اعمالتان و از حضرت رضا علیه و علی آبائه و ابنائیه_ الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه شدتی و ناراحت کننده ای بشما توجه نمود، استعانت بجوئید بما بر خدا که خودش میفرماید و الله الاسماء الحسنی فادعوه بها حضرت صادق فرموده مائیم والله اسماء حسنی که خدا قبول نمیفرماید از احدی مگر به معرفت و شناختن ما، پس بخوانید خدا را به آن اسماء که ما باشیم و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که جناب جابر علیه الرحمة گفت به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض نمودم چه میفرمائید در مورد علی بن ابیطالب علیهما الصلوة والسلام فرمود علی نفس و جان من است. عرض کردم درباره حسن و حسین علیهما الصلوة والسلام چه میفرمائید فرمود: حسن و حسین روح من میباشند و فاطمه مادرشان دختر من است. بدحال میکند مرا آنچه او را بدحال کند و خوشحال مینماید مرا آنچه او را خوشحال کند. شاهد میگیرم خدا را که حرم با کسی که با ایشان حرب باشد و سلمم با هر کس که با ایشان سلم باشد. یا جابر هرگاه بخواهی خدا را بخوانی پس اجابت فرماید تو را، پس بخوان او را به اسماء ایشان چه آنکه اسماء ایشان دوست ترین اسماء است بسوی خدای عزوجل.

تنبیه پنجاه و دوم

(در فضیلت و اهمیت دعا برای برادران)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که دعای شخص برای برادر دینی خود در غیاب او جاری و ساری میسازد رزق و روزی را بسوی دعا کننده و دفع میکند مکروه را از او و از جناب حماد علیه الرحمة روایت شده که بحضرت صادق علیه الصلوة والسلام عرض میکند که من خود را بدعا برای برادران خود و کسانی که دارای ولایت میباشند مشغول میکنم، نظر شما درباره این کار چیست؟ حضرت میفرماید: خدای تبارک و تعالی مستجاب میفرماید دعای غایب را برای غائب و کسی که دعا کند برای مؤمنین و مؤمنات و برای اهل مودت ما، خدا بعدد هر مؤمنی از آدم علیه السلام تا روز قیامت برای او حسنه ای عطا میفرماید، بعد میفرماید بدرستی که خدای تبارک و تعالی فرض فرموده نمازها را در افضل ساعات، پس بر شما باد بدعا پس از نمازها. حماد میگوید حضرت دعا کرد برای من و برای حضار و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام نقل شده که ملائکه چون بشنوند که مؤمن در غیاب برادر مؤمنش برای او دعا میکند و او را بخیر یاد میکند، میگویند خوب برادری هستی برای برادرت که برای او دعا میکنی و او را بخوبی یاد میکنی بتحقیقکه عطا فرمود خدا دو برابر آنچه برای برادرت خواستی و ثنا گفت بر تو دو برابر آنچه تو ثناء گفتی برای برادر خود و تو فضیلت داری بر او و از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام نقل شده کسی که دعا کند برای برادران خود از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات، موکل میفرماید به او از هر مؤمنی ملکی را که دعا کند برای او و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت

شده کسیکه بگوید اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات مینویسد خدا برای او به هر مؤمنی که
خلق فرموده از زمان آدم علیه السلام تا روز قیامت حسنه ای و محو میفرماید از او سیئه
ای و بلند میفرماید برای او درجه ای.

تنبيه پنجاه و سوم

(در بعضی شرایط قبول شدن دعا و دو روایت مهم)

بسم الله وله الحمد. از جناب احمد بن فهد علیهما الرحمة نقل شده که در کتاب عدةالداعی میفرماید روایت شده که خداتعالی وحی فرمود بسوی عیسی علیه السلام که بظلم کنندگان بنی اسرائیل بگو که من مستجاب نمیکنم برای احدی از ایشان دعائی و حال آنکه برای احدی نزد ایشان مظلومه باشد و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل میفرماید که جناب موسی علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام عبورشان افتاد بمردی که در سجده بود پس از او گذشتند. باز چون به آن مکان عبورشان افتاد دیدند آن مرد در سجده است. فرمود اگر حاجت تو در دست من میبود هرآینه بر میاوردم حاجت را، پس خداتعالی وحی فرمود بسوی او که یا موسی اگر این آدم اینقدر سجده کند که گردش قطع شود قبول نمیکنم یا مستجاب نمیکنم برای او تا آنکه برگردد از آنچه کراحت دارم بسوی آنچه دوست دارم و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که دعاکننده بدون عمل مانند تیراندازی است که کمانش زه نداشته باشد و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که بسا میشود شخص از خدای تبارک و تعالی حاجتی از حاجتهای دنیویه سؤال میکند و بنا هست که حاجتش برآورده شود، هنوز برآورده نشده مرتکب گناهی میشود پس خدای تعالی به آن ملکی که موکل است به حاجت او میفرماید حاجتش را برمیآور و او را محروم کن از حاجتش چه آنکه متعرض سخط من شده و خود را از من محروم نموده و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی وحی فرمود بسوی حضرت عیسی بن مریم علیهما الصلوة والسلام که بگو به بنی اسرائیل

که داخل نشوید به خانه ای از خانه های من مگر با دلهای پاک و چشمهای خاشع و دستهای پاکیزه و بگو به آنها که من دعای احدی از شما را مستجاب نمیکنم در صورتیکه برای احدی از خلق من نزد او مظلومه ای باشد و از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوٰه والسلام روایت شده که در آخر یک خطبه ای میفرماید هفت مصیبت بزرگ هست پناه میبریم از آنها بخدا: عالمیکه قدمش بلغزد و عابدیکه از عبادت ملول شود و مؤمنیکه گمراه شود و امینی که خیانت کند و دارائیکه نادار شود و عزیزیکه ذلیل شود و فقیریکه علیل و بیمار شود. پس مردی برخاسته عرض نمود راست فرمودی یا امیرالمؤمنین توئی قبله هرگاه که ما خواسته باشیم گمراه شویم و نوریکه ما را روشن میکنی زمانیکه در ظلمت و تاریکی واقع شویم و لکن سؤال میکنیم از شما از قول خدای تعالی که میفرماید ادعونی استجب لکم پس چه شده که ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود؛ فرمود: برای اینکه دلهای شما خیانت نمود به هشت خصلت: اول آنکه خدا را شناختید و حق او را آن طور که واجب فرموده بر شما ادا نکردید پس معرفت شما فایده ای نبخشید. دوم آنکه ایمان آوردید به رسول او بعد مخالفت نمودید سنت او را و میرانید شریعت او را پس کجا رفت ایمان شما و سوم آنکه شما کتاب خدا را که نازل فرموده بر شما خواندید پس به آن عمل نکردید و گفتید شنیدیم و اطاعت نمودیم بعد مخالفت کردید و چهارم گفتید ما از آتش میترسیم و در هر وقتی بسوی آتش میروید بواسطه معاصی خود، پس خوفتان کجا شد. پنجم آنکه رغبت و میل دارید در بهشت ولی کارهایی میکنید که شما را از بهشت دور میکند پس چه شد رغبت و میل شما در بهشت و ششم آنکه نعمت مولی را میخورید و شکر نمیکنید بر آن. هفتم آنکه خدا شما را امر فرموده به عداوت و دشمنی شیطان و فرموده ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا پس به گفتار او را دشمن میدارید به مخالفت

خدا او را دوست میدارید و هشتم آنکه عیوب مردم را جلوی روی خود قرار میدهید و عیبهای خود را پشت سر میاندازید ملامت و سرزنش میکنید کسانی را که خود از آنها سزاوارترید به سرزنش، پس با وجود اینها چه دعائی میخواهد برای شما مستجاب شود و حال آنکه خود درها و راههای آن را بروی خود بسته اید پس پرهیزید خدا را و اصلاح کنید اعمال خود را و خالص کنید باطنهای خود را و امر کنید به معروف و نهی کنید از منکر تا آنکه خدا دعایتان را مستجاب فرماید.

تنبیه پنجاه و چهارم

(در ذکر و اینکه بنده در نماز است مادام که در ذکر است)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که مؤمن پیوسته در نماز است مادامیکه در ذکر خدا باشد ایستاده باشد یا نشسته یا دراز کشیده. بدرستیکه خدای تعالی میفرماید الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم الایة و از حضرت رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که نمیگذرد بر مؤمن ساعتی که در آن ساعت ذکر خدا نگوید مگر آنکه آن ساعت حسرت خواهد بود بر او و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که بعضی از اصحاب آن حضرت سؤال نمود که گرامیترین خلق بر خدا چه کسی میباشد؛ حضرت فرمود آنکس که بیشتر یاد خدا کند و عمل کننده تر باشد بطاعت خدا و از آن حضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که عرض میکند پروردگارا دوست دارم بدانم چه کسی از بندگان خود را دوست داری تا من هم او را دوست بدارم. حق تعالی فرمود هرگاه بنده ای را دیدی که بسیار یاد من میکند پس من او را اذن داده‌ام که یاد من کند و من او را دوست دارم و هرگاه بنده مرا دیدی که یاد من نمیکند پس من او را محبوب کرده‌ام و من دشمن دارم او را و از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم روایت شده که بجناب ابی ذر میفرماید بر تو باد به تلاوت قرآن و بسیاری ذکر خدا چه آنکه آن ذکر است برای تو در آسمان و نور است برای تو در زمین و از آنحضرت علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده کسیکه بسیار یاد خدا کند، خدا او را دوست میدارد و نیز از آنحضرت روایت شده کسیکه بسیار یاد خدا کند، دو برات برای او نوشته میشود یکی برات آزادی از آتش و دیگر از نفاق.

تنبيه پنجاه و ششم

(در اهمیت ذکر و قرائت در رفتار ائمه علیهم السلام)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که پدرم یعنی حضرت باقر علیه الصلوة والسلام بسیار ذکر خدا میگفت و ما را جمع میکرد پس امر میفرمود ما را به ذکر تا طلوع آفتاب و امر میکرد ما را به قرائت قرآن و هر کدام قرائت قرآن نمیتوانستند کرد امر میفرمود او را به ذکر. فرمود خانه ای که قرآن در آن خوانده شود یا ذکر خدای عزوجل، برکت آن خانه زیاد میشود و ملائکه در آن خانه حاضر میشوند و شیاطین هجرت میکنند و روشنائی میدهد برای اهل آسمان آنجوریکه کواکب دری روشنائی میدهند برای اهل زمین و خانه ای که در آن خانه قرآن خوانده نشود و خدا یاد کرده نشود برکت آن کم میشود و ملائکه از آن خانه هجرت میکنند و شیاطین حاضر میشوند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بدانید که بهترین و پاکیزه ترین و بهتر چیزیکه خورشید بر آن طلوع میکند و بهتر برای رفع درجات شما ذکر خدای سبحانه و تعالی میباشد. چه خود خبر داده و فرموده من همنشین کسی هستم که یاد من کند و از آن حضرت علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده کسیکه خدا را یاد کند در بازار هنگامیکه مردم غافل و مشغول کار و کسب خود هستند، بنویسد خدا برای او هزار حسنه و بیامزد برای او روز قیامت آمرزشی که به قلب بشر خطور نکرده باشد و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از شدیدترین چیزی که فرض فرموده خدا بر خلق خود بسیار یاد او نمودن بعد فرمود مقصودم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر نیست اگرچه آن هم ذکر است لکن یاد خدا در نزد حلال و حرام پس اگر طاعت بود

عمل کند به آن و اگر معصیت باشد ترک کند آن را و از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله مرویست کسیکه اطاعت کند خدا را پس به تحقیق که یاد نموده خدا را و اگرچه
نماز و روزه و تلاوت قرآن او کم باشد و کسیکه معصیت کند خدا را پس بتحقیقکه
فراموش نموده خدا را اگرچه نماز و روزه او بسیار باشد و همچنین تلاوت قرآنش.

تنبيه پنجاه و هفتم

(در تعظيم و اهميت حمد و استغفار و حوقله)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه انعام نميفرمايد خدا بر بنده به نعمتي هر چند كه آن نعمت زياد و بزرگ باشد پس حمد كند خدا را بر آن نعمت مگر آنكه حمد او مر خدا را افضل و اعظم و سنگين تر باشد از آن نعمت و نيز از آن حضرت عليه السلام روايت شده كه خورنده شاكِر براى او است اجر روزه دارى كه براى خدا روزه گرفته باشد و كسيكه در عافيت باشد و شكر كند مثل كسى است كه مبتلا باشد و صبر كند و از آن حضرت عليه السلام نيز روايت شده كه انعام نميفرمايد خدا بر بنده به نعمتي پس بشناسد آن نعمت را به قلبش و بلند حمد كند خدا را پس فارغ شود از حمد حتى آنكه امر شود براى او بزياده و از آن حضرت عليه السلام نيز روايت شده كه شكر هر نعمتي و هر چند بزرگ باشد اين است كه حمد كند خدا را عزوجل و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كسيكه نعمتها پي در پي به او روى بياورد پس بايد بگويد الحمد لله رب العالمين و كسيكه فقر او را بتنگ آورد پس بايد بسيار بگويد لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم چرا كه اين كلمه گنجي است از گنجهاى بهشت و در آنست شفا از هفتاد و دو درد كه پست ترين آنها غم و اندوه است و نيز از آن بزرگوار صلى الله عليه وآله روايت شده كسيكه نعمتها پي در پي توجه كند به او پس بايد بسيار حمد كند و كسيكه بسيار شود هم و غم او پس بايد بسيار استغفار و طلب آمرزش كند و كسيكه فقر او را بى تاب كند پس بايد بسيار بگويد لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه شكر نعمتها دورى از محرماتست و تمام

شکر گفتن الحمد لله رب العالمین است و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که اگر خدا تمام دنیا را ببنده ای از بندگان خود بدهد پس آن بنده بگوید الحمد لله هرآینه حمدش از آنچه داده شده افضل است و از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که اول کسی که دعوت میشود بسوی بهشت روز قیامت کسانی هستند که خدا را حمد میکنند در راحتی و ناراحتی و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که کسیکه بگوید الحمد لله کما هو اهله مشغول میکند نویسندگان آسمان را، راوی عرض میکند چگونه مشغول میکند کتاب آسمان را میفرماید میگویند خدایا ما غیب را نمیدانیم یعنی ثواب این کلمه را نمیدانیم پس خدا میفرماید شما این کلمه را همانجور که بنده من گفت بنویسید ثواب آن بر من است.

تنبيه پنجاه و هشتم

(در اهميت استغفار و اينكه داروى گناه و مضيقه و هم است)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه هرگاه بنده بسيار استغفار كند نامه عملش بالا رود در حاليكه متلاً و درخشنده باشد. از ورام بن ابى فراس عليه الرحمة نقل شده كه در كتاب خود ميگويد قال عليه السلام يعنى فرمود بسيار استغفار كنيد چه آنكه خدا استغفار را بشما ياد نداده مگر آنكه ميخواهد بپامرزد شما را و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه بهترين دعاها استغفار است و نيز از آنحضرت روايت شده كسيكه بسيار استغفار كند قرار ميدهد خدا براى او از هر همى، فرجى و از هر مضيقه و تنگى راه بيرون شدى و روزى ميدهد او را از جائي كه گمان ندارد و نيز از آنحضرت نقل شده كه براى هر دردى دوائى است و دواى گناهان استغفار است و نيز از آنحضرت صلى الله عليه وآله روايت شده كه هيچ دعائى بهتر از استغفار نيست و نيز از آنحضرت روايت شده كه بسيار استغفار و طلب آمرزش كنيد در خانه هاى خود و در مجالس و بازارها و راه هاتان و بر سر سفره ها و هر جا كه هستيد چه آنكه شما نيميدانيد كه آمرزش كى بر شما نازل ميشود.

تنبيه پنجاه و نهم

(در تسبیحات اربعه و غرس درخت و ساختن قصر)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ملکی آنرا بالا ببرد پس به هیچ جماعتی از ملائکه نگذراند آن را مگر آنکه طلب آمرزش کنند برای گوینده آن تا برساند آن را بسوی پروردگار عالمیان و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه بگوید سبحان الله غرس فرماید خدا به آن درختی در بهشت و کسیکه بگوید الحمد لله غرس میفرماید خدا به آن درختی در بهشت و کسیکه بگوید لا اله الا الله غرس بفرماید خدا برای او به آن درختی در بهشت و کسیکه بگوید الله اکبر خدا درختی در بهشت برای او بنشاند. پس مردی از قریش عرض نمود یا رسول الله بنابراین ما در بهشت درخت بسیار داریم. حضرت فرمود: بلی لکن پرهیزید از آنکه آتشی بفرستید که آن درختها را بسوزاند خدای عزوجل میفرماید یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تبطلوا اعمالکم و از حضرت باقر علیه الصلوٰة والسلام روایت شده کسیکه بگوید سبحان الله بدون تعجب خلق فرماید خدا از این کلمه پرنده ای را که یک زبان و دو بال داشته باشد. پس آن ملک از جانب گوینده این کلمه تسبیح کند خدا را در میان تسبیح کنندگان تا قیام قیامت و مثل سبحان الله است الحمد لله و الله اکبر و لا اله الا الله و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که سیر داده شدم بسوی آسمان، داخل بهشت شدم زمینهای مسطح و همواری را و ملائکه ای را دیدم که مشغول ساختن عمارت بودند یک خشت از طلا و یک خشت از نقره و گاهی از کار دست میکشیدند. گفتم چرا کار نمیکنید گفتند تا نفقه برسد؛ گفتم نفقه

شما چیست؛ گفتند قول مؤمن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر هر وقت مشغول باشد ما هم مشغول میشویم و هرگاه دست بردارد ما هم دست برمیذاریم و از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بسیار کنید تهلیل و تکبیر را یعنی گفتن لا اله الا الله و الله اكبر را چه آنکه عملی از تهلیل و تکبیر محبوبتر نیست بسوی خدا عزوجل.

تنبیه شصتم

(در تعظیم کلمه لا اله الا الله)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که سید قول و گفتار لا اله الا الله است و بهترین عبادت، استغفار و نیز از آنجناب (ص) نقل شده که هیچ عملی بهتر از گفتن لا اله الا الله نیست و هیچ دعائی بهتر از استغفار، پس این آیه را تلاوت کرد فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که سید کلام اولین و آخرین لا اله الا الله است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ مؤمنی نیست که بگوید لا اله الا الله مگر آنکه محو میشود آنچه در نامه عملش هست از سیئات تا منتهی شود بسوی مثل آن از حسنات و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه بدون تعجب بگوید لا اله الا الله خلق فرماید خدا از آن پرنده ای را که بالای سر گوینده این کلمه در حرکت باشد تا روز قیامت و مشغول ذکر باشد برای او و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که اعرابی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسید عرض نمود یا رسول الله (ص) آیا برای بهشت ثمن و بهایی هست فرمود: بلی؛ عرض کرد بهای آن چیست؛ فرمود: لا اله الا الله که بگوید آن را بنده از روی اخلاص، عرض کرد اخلاص آن چیست؛ فرمود: عمل به آنچه مبعوث شده ام به آن در حق او و دوستی اهل بیت من عرض کرد پدر و مادرم فدای تو باد حب اهل بیت از حق آنست؛ فرمود: حب اهل بیت هرآینه بزرگتر حق آنست و از جناب ابن عباس رحمه الله نقل شده که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وآله که میفرمود نمیشنود خدا کلمه را که دوست تر باشد بسوی او و بزرگتر نزد او از لا

اله الا الله و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده کسیکه شهادت دهد به اینکه نیست خدائی جز خدا و شهادت ندهد به اینکه محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است، مینویسد خدا برای او ده حسنه پس اگر شهادت دهد به اینکه محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است مینویسد خدا برای او هزار حسنه، خلاصه این روایت این است که کسیکه بگوید لا اله الا الله ده حسنه برای او نوشته میشود و اگر محمد رسول الله هم گفت هزار حسنه برای او نوشته میشود.

تنبيه شصت و یکم

(در ذکر لا حول و لا قوة الا بالله)

بسم الله وله الحمد. از جناب ابی ذر رحمه الله روایت شده که خلیل من رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا وصیت فرمود به پنج خصلت؛ مرا بطاعت ولات یعنی والیان و اینکه صله رحم بجا آورم و اگرچه از من پشت بگردانند و اینکه حق را بگویم اگرچه تلخ است و اینکه با مساکین مجالست کنم و اینکه لا حول و لا قوة الا بالله بسیار بگویم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده و از هفتاد در از فقر نگاه داشته شود و از جناب قطب راوندی ره نقل شده که در کتاب لب اللباب میفرماید که درخبر وارد شده که جناب ابراهیم علیه السلام در شب معراج به پیمبر ما گفت امر کن امت خود را که در بهشت درخت بسیار غرس کنند حضرت فرمود: چیست آن، گفت: لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هرگاه بنده بگوید لا حول و لا قوة الا بالله پس بتحقیقکه امر خود را بخدا واگذار نموده و حق است بر خدا که کفایت کند او را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه به تنگ آورد او را فقر، پس باید بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله تا فقر او برطرف شود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه هزار مرتبه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله خدای تعالی حج را نصیب او فرماید اگر اجل او نزدیک باشد خدا اجل او را به تأخیر اندازد تا حج را نصیب او فرماید و از ابن عباس روایت شده که دیدم رسول خدا را که میفرمود لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

عرض کردم یا نبی الله چیست ثواب آن؛ فرمود: تسبیح حاملان عرش، پس کسیکه بگوید
آن را یک مرتبه پیامرزد خدا برای او گناهان صد سال را و بنویسد برای او به هر حرفی
صد حسنه و بلند فرماید برای او صد درجه پس اگر از یکمرتبه زیادتیر بگوید پس برای او
باشد به هر حرفی گنجی و نوری بر پل صراط. از حسین بن علوان کلبی روایت شده که
از حضرت _____ رت _____
علیه السلام از تفسیر لا حول ولا قوة الا بالله سؤال نمودم؛ فرمود: حائل نمیشود بین ما و
بین معاصی مگر خدا و قوت نمیدهد ما را بر ادای طاعت و فرائض مگر خدا.

تنبيه شخصت و دوم

(در اهميت صلوات)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه یکمرتبه از روی اخلاص و علاقمندی بر پیغمبر صلوات بفرستد، خدای تعالی صد حاجت او را برمیآورد سی در دنیا و هفتاد در آخرت و از خود آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه در هر روز و هر شب بواسطه دوستی و اشتیاقی که بمن دارد سه مرتبه صلوات بفرستد حق است بر خدای عزوجل اینکه گناه آن روز و شب را برای او بپامزد و از آنحضرت نیز روایت شده که بسیار بر من صلوات بفرستید چه صلوات بر من نور است در قبر و نور است بر صراط و نور است در بهشت و نیز میفرماید کسیکه یک مرتبه بر من صلوات بفرستد باز میکند خدا بر او دری از عافیت و نیز میفرماید کسیکه یک مرتبه بر من صلوات بفرستد باقی نیماند بر او از گناهانش ذره و نیز میفرماید احدی نیست که بر من یکمرتبه صلوات بفرستد بجوریکه دو ملک حافظش بشنوند مگر آنکه تا سه روز گناه بر او ننویسند و نیز میفرماید کسیکه یکمرتبه بر من صلوات بفرستد خلق خواهد فرمود خدای تعالی در قیامت بر سر او نوری را و بر یمین و یسار او نوری را و بر بالا و زیر او نوری را و در تمام اعضای او نوری را و نیز میفرماید کسیکه صلوات بفرستد بر من و آل من، صلوات خواهند فرستاد بر او ملائکه و کسیکه ملائکه بر او صلوات بفرستند، خدا بر او صلوات میفرستد و کسیکه خدا بر او صلوات بفرستد باقی نیماند در آسمانها و زمین ملکی مگر آنکه بر او صلوات میفرستد و از حضرت باقر یا صادق علیهما

الصلوة والسلام نقل شده که هیچ عمل در میزان سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.

تنبيه شصت و سوم

(در زیاد صلوات فرستادن بخصوص در روز جمعه)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بسیار صلوات بفرستید بر من در هر جمعه. پس هرکس از شما که بیشتر صلوات بفرستد بر من از، حیث مقام و منزلت نزدیکتر خواهد بود بمن و کسیکه روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد، خواهد آمد روز قیامت در حالتیکه صورتش نورانی باشد و کسیکه در روز جمعه هزار مرتبه بر من صلوات بفرستد نخواهد مرد تا آنکه جایگاه خود را در بهشت ببیند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که روز جمعه سید روزها است، مضاعف میفرماید خدا در آن حسنات را و محو میفرماید در آن سیئات را و برمیآورد حاجتهای بزرگ را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه روز جمعه را درک کند پس باید مشغول هیچ کاری به غیر عبادت نشود چه آنکه در این روز مغفرت و رحمت شامل بندگان میشود و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که حسنه و سیئه در روز جمعه مضاعف میشود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که به عمر بن یزید میفرماید بدرستیکه از سنت است اینکه در هر جمعه هزار مرتبه صلوات بفرستی بر محمد و اهل بیت آن حضرت و در باقی روزها صد مرتبه و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که عبادت کرده نشده خدا به چیزی در روز جمعه که دوست تر باشد بسوی او از صلوات بر محمد و آل او.

تنبيه شصت و چهارم

(در کسانی که نباید با آنها مجالست و دوستی داشت)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که به فرزند خود حضرت باقر میفرماید: یابنی، نگاه کن پنج نفر را پس مصاحبت نکن با ایشان و با آنها حرف مزین و در طریق و راهی با آنها رفیق مشو. عرض میکند پدرجان من اینها کیانند؛ میفرماید پرهیز از مصاحبت دروغگو و کسیکه از دروغ باکی ندارد چه آنکه او مانند سراب است، دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور میگرداند و از مصاحبت فاسق دوری کن چه آنکه او تو را بلقمه بلکه کمتر از آن میفروشد و از مصاحبت بخیل دور باش چه آنکه آدم بخیل اگر احتیاج به کمک مالی پیدا کنی تو را مخدول و محروم میکند و از مصاحبت احمق نیز دور باش چه آنکه بسا باشد که خواسته باشد بتو نفعی برساند ضرر برساند و ایضا از مصاحبت قاطع رحم اجتناب کن زیرا که من قاطع رحم را در سه جای قرآن ملعون یافته‌ام و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که هرکس از مصاحبت احمق اجتناب نکند، ممکن است اخلاق ناپسند او را بخود بگیرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که عافیت ده جزء است نه جزء آن در صمت و خاموشی است و جزء دیگر در ترک مجالست سفیهان و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که از مجالست پادشاهان و فرزندان دنیا یعنی دنیاپرستان اجتناب کنید چه آنکه بمجالست با آنها دین از دستتان میرود و ایجاد نفاق در شما میکند و این درد بدی است که شفائی در آن نیست و بعلاوه موجب قساوت قلب میشود و خشوع و خضوع را سلب میکند و بر شما باد بکسانیکه در مرتبه شما هستند و اوساط مردم پس در

نزد ایشان خواهید یافت معدنهای جواهر را و بآنچه در دست اینء دنیا هست چشم نداشته باشید پس کسیکه چشمش بآنچه ایشان در دست دارند باشد حزن و اندوهش به درازا خواهد کشید و غیظش شفا نخواهد یافت و آنچه از نعمت در دست دارد بنظرش حقیر آمده شکرش مر خدا را قلیل و اندک خواهد شد و نگاه کن به آنکس که از تو پائین تر است تا آنکه بر نعمتهای خدا شاکر باشی و بر اثر شکر نعمت زیاد شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده چهار چیز است که دل را میمیراند یکی گناه بالای گناه و دیگر بسیار سخن گفتن با زنان، سوم سر بسر گذاشتن با احمق و کم عقل که حرف شخص را تحویل نمیگیرد، چهارم مجالست با مردگان، عرض کردند مردگان کیانند یا رسول الله؛ فرمود: غنی و ثروتمند خوشگذران و نیز از آنحضرت صلی الله علیه و آله نقل شده که که میفرمود کسیکه ایمان بخدا و روز جزا دارد نباید با کافر مواخات و برادری کند و نباید با فاجر خلطه و آمیزش داشته باشد و کسیکه با کافر برادری و با فاجر خلطه و آمیزش داشته باشد، کافر و فاجر خواهد بود و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که سزاوار نیست برای شخص مسلمان که با فاجر برادر شود چه آنکه فاجر زینت میدهد فعل خود را برای او و دوست دارد که شخص را مثل خود کند و شخص را اعانت و یاری نمیکند نه بر امر دنیا و نه بر امر آخرت و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که سزاوار است برای مسلمان که اجتناب کند از برادری با سه نفر؛ یکی آدم احمق و کم عقل چه آنکه راه خیر پیش پای شخص نمیگذارد و امید اینکه ضرر و بدی را از شخص دفع و رفع کند نیست اگرچه خود را بزحمت بیاندازد و بسا میشود که میخواهد نفع برساند ضرر میرساند پس مرگ او بهتر است از زنده بودن و سکوت او بهتر است از حرف زدنش و دوری او از شخص بهتر است از نزدیک بودنش و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام

روایت شده که بمردی میفرماید یا فلان با اغنیاء و ثروتمندان مجالست نکن، چه آنکه بنده میبیند که برای خدا بر او نعمتی است چون با اغنیاء مجالست کند خیال میکند که برای خدا بر او نعمتی نیست.

تنبيه شخصت و پنجم

(در بعضی کسانی که باید از آنها دوری کرد)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که خیری نیست برای تو در صحبت کردن کسی که نبیند برای تو مثل آنچه برای خود میبیند و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که قطع کردن از جاهل معادلت با وصل نمودن با عاقل و نیز میفرماید بپرهیزید از کسی که دلهای شما را دشمن میدارد او. از داود رقی علیه الرحمة روایت شده که حضرت صادق علیه الصلوة والسلام به من فرمود نگاه کن بکسیکه منفعت دینی برای تو ندارد، پس اعتنا به او نکن و رغبت و میل به مصاحبت او نداشته باش چه آنکه آشنائی با غیر خدا در معرض اضمحلال است و عاقبتی وخیم و خطرناک دارد و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که قطع کن از آنکس که وصل او تو را از یاد خدا بفراموشی میاندازد و الفت با او تو را از طاعت خدا باز میدارد چه آنکه اینجور آدم از اولیاء شیطان و اعوان یعنی یاوران او است و وادار نکند تو را دیدن ایشان بر سهل انگاری در نزد حق چه آنکه در آن خراتی است عظیم نعوذ بالله.

تنبيه شخصت و ششم

(در خوشرفتاری با تمام مردم)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بمردی اعرابی که درخواست وصیت کرده بود فرمود قریب به این: دوستی کن یا اظهار دوستی کن بسوی مردم تا تو را دوست بدارند و از حضرت امام حسن علیه الصلوٰة والسلام روایت شده نزدیک آنکس است که مودت و دوستی او را نزدیک کند اگرچه نسبتش بتو دور باشد و دور آن کس است که دور کند او را مودت و اگرچه نسبتش بتو نزدیک باشد و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام نقل شده که نیکو رفتار کردن با مردم ثلث عقل است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که سه چیز است که مودت شخص را نسبت ببرادر مسلمانش صاف میکند: یکی اینکه با صورت بشاش و باز او را ملاقات کند، دیگر آنکه چون بخواهد نزدیک او بنشیند جا را برای او وسعت دهد. سوم آنکه او را بنامی که دوست تر دارد بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که اظهار مودت و دوستی نسبت به مردم نصف عقل است و از آنحضرت صلی الله علیه وآله نیز روایت شده که رأس عقل بعد از دین اظهار محبت و دوستی است نسبت بمردم و خوبی نمودن بهر بر و فاجری و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که با مردم خوب رفتار کنید ولکن آنها را بر گردن خود سوار نکنید و جمع کنید با آن طاعت پروردگار خود را و از کتاب فقه الرضا علیه السلام نقل شده که نیکو کن معاشرت خود را نسبت به صغیر و کبیر و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده کسی که

دست خود را از مردم نگاه دارد، یکدست نگاه داشته لکن در عوض مردم دستهای زیادی
از او نگاه میدارند.

تنبيه شصت و هفتم

(در افشای سلام و اهمیت آن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که خدای عزوجل دوست دارد افشاء سلام را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرکس چهار خصلت داشته باشد، چهار خانه در بهشت خواهد داشت: یکی آنکه اتفاق کند در راه خدا و از فقر نترسد، دیگر آنکه با مردم بانصاف رفتار کند، سوم آنکه سلام را فاش و شایع کند، چهارم آنکه ترک کند مجادله و مرء را اگرچه حق با او باشد و نیز از آنحضرت روایت شده کسیکه بگوید سلام علیکم ده حسنه دارد و کسیکه بگوید سلام علیکم و رحمة الله بیست حسنه دارد و کسیکه بگوید سلام علیکم و رحمة الله و برکاته سی حسنه. از کتاب علل مسنداً از وهب یمانی روایت شده که خدای تعالی بجناب آدم علیه السلام فرمود برو بسوی این جماعت از ملائکه، پس بگو السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، پس سلام کرد بر ایشان، پس گفتند وعلیک السلام و رحمة الله و برکاته. پس چون برگشت بسوی پروردگار خود عزوجل حق تعالی فرمود این سلام تحیت تو و تحیت ذریه تو است بعد از تو در میان خودشان تا روز قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و اله روایت شده که اولای مردم بخدا و رسول خدا تبارک و تعالی آنکس میباید که ابتدا کند به سلام و از حضرت رسول صلی الله علیه و اله روایت شده که بین سلام کننده و جواب دهنده صد حسنه است، نودونه برای سلام کننده و یک برای جواب دهنده و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که در انجیل است هرگاه دعا کم شود بلا نازل میشود و چون سلام بین مؤمنین کم شود، ظاهر شود عداوت و بغضاء در قلوبشان و از

حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هرگاه بنده مؤمن ببرادر خود بگوید السلام علیک نوشته شود برای او ده حسنه و چون بگوید السلام علیک و رحمه الله نوشته شود برای او بیست حسنه و چون بگوید السلام علیک و رحمه الله و برکاته نوشته شود برای او سی حسنه و همچنین جواب دهنده و از آنجناب صلی الله علیه وآله نیز روایت شده قسم به آنکس که جان من بید قدرت او است که داخل بهشت نمیشود تا آنکه ایمان بیاورید و ایمان نیاورید تا آنکه با یکدیگر دوستی کنید آیا دلالت نکنم شما را بر چیزیکه هرگاه بجا بیاورید آنها را با یکدیگر دوستی کرده اید سلام را بین خود فاش و ظاهر کنید و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که سلام فاش و شایع نمیشود بین قومی مگر آنکه ایمن شوند از عذاب، پس اگر این کار را بکنید داخل خواهید شد بهشت را.

تنبيه شصت و هشتم

(در تغافل و چشم پوشی)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که اشرف خصال شخص کریم غفلت تو است از آنچه میدانی یعنی اگر فهمیدی که کسی بر علیه تو کاری کرده یا حرفی زده تغافل بورزی و اعتنا نکنی و نیز از آنحضرت علیه السلام نقل شده که اشرف افعال کریم غفلت اوست از آنچه میداند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که جمعی خدمت آن حضرت بودند و حضرت برای آنها حدیث میفرمود یک نفر از آنها اسم مردی را برد و بدگوئی از وی نمود. حضرت فرمود: تو را بپرادرت چه کار، و ابگذار او را مگر آدم بی عیب و نقص پیدا میشود و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که مردم را تفتیش نکن که بی صدیق و دوست میمانی و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که قدر و منزلت خود را بزرگ کنی به تغافل و چشم پوشی و نیز از آن حضرت روایت شده که توقع انصاف از مردم، از انصاف نیست. یعنی کسیکه توقع داشته باشد که با او به انصاف رفتار کنند بی انصافی کرده.

تنبيه شصت و نهم

(در توقیر پیرمرد مسلمان)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بفرزند خود امام حسن علیه السلام میفرماید: بر صغیر از اهل بیت خود رحم و کبیرشان را توقیر کن یعنی برای آنها احترام قائل شو و از انس بن مالک روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت فرمود مرا به پنج خصلت از آنجمله آنکه بزرگان را توقیر و احترام کن که در قیامت از رفقای من خواهی بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که میفرماید برکت با بزرگان شما است و نیز میفرماید که پیر در میان اهل خود مانند پیغمبر است در میان امت خود و نیز میفرماید که بزرگ بشمرید پیران خود را چه آنکه بزرگ شمردن ایشان از اجلال و جلیل شمردن خدا است و کسیکه بزرگ نشمرد پیران را پس از ما نیست و نیز میفرماید کسیکه برای ریش سفیدان بزرگی قائل شود، برای ریش سفید بودنش خدا او را ایمن میگرداند از فزع روز قیامت و نیز میفرماید هرگاه خدا اراده بفرماید به اهل بیتی خیر را، فقیه میگرداند ایشان را در دین و روزی میفرماید ایشان را رفق و مدارا در امر معیشت شان و میانه روی در شأنشان و صغیران خانواده تعظیم میکنند از کبیرشان و اگر اراده بفرماید غیر آن را، ایشان را بخودشان وامیگذارد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که از جلیل شمردن خدای عزوجل، جلیل شمردن مؤمن ریش سفید است و کسیکه گرامی بدارد مؤمنی را، پس به گرامی داشتن خدا ابتدا نموده و کسیکه استخفاف کند و سبک بشمرد مؤمنی را خدا خواهد فرستاد بسوی او پیش از مرگش کسی را که استخفاف کند به او و نیز میفرماید سه نفرند که جاهل بحق ایشان

نمیباشد مگر منافق معروف النفاق، یکی کسی که محاسن خود را در اسلام سفید کرده باشد و دیگر حامل قرآن و سوم امام و پیشوای عادل.

تنبیه شصت و نهم (مکرر)

(در اکرام کریم هر قومی)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که گرامی بدارید کریم هر قومی را و اگرچه مخالف شما باشند و از ابی القاسم کوفی علیه الرحمة در کتاب اخلاق نقل شده که بحضرت باقر علیه الصلوة والسلام گفته شد که از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت میکنند که اشرف شما در جاهلیت، اشرف شما است در اسلام. فرمود راست میگویند لکن آنجور که خیال کرده اند نیست بلکه معنی آنست که آنکس که در جاهلیت سخی تر و خوش خلق تر باشد و مراعات همسایه بهتر کرده باشد و اذیت و آزار خود را نسبت بمردم بیشتر نگاه داشته باشد، این جماعتند که اسلام زیاد نمیکند برای ایشان مگر خیر را و از جریر بن عبدالله روایت شده که چون پیغمبر مبعوث شد آدمم خدمتش برای آنکه بیعت کنم با آنحضرت، فرمود: یا جریر برای چه آمده ای، عرض کردم برای آنکه بدست شما مسلمان شوم. پس حضرت کسائی را برای من انداختند که بر او بنشینم، بعد به اصحاب توجه فرموده گفت: چون کریم قومی آمد شما را، پس گرامی بدارید او را و از آن حضرت صلی الله علیه وآله نیز روایت شده که هرگاه آمد شما را کریم قومی، پس گرامی بدارید او را، گفته شد یا رسول الله که شما را ادب آموخت، فرمود: پروردگار من و از حجال روایت شده که از جمیل بن دراج سؤال نمود که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده که هرگاه شریف قومی بر شما وارد شد، گرامی بدارید او را، گفت: بلی سؤال کرد شریف کیست. جمیل گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال

کردم از شریف، فرمود: شریف آنکس است که برای او مالی باشد، گفتم حسیب چیست؛
فرمود: آنکس که افعال نیکو بجا بیاورد. گفتم کرم چیست؛ فرمود: تقوی.

تنبیه هفتادم

(در اینکه مجالس به امانت است)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که مجالس به امانت است، یعنی کاریکه در آن مجلس انجام داده میشود یا حرفی که گفته میشود مگر سه مجلس: یکی آن مجلسی که خونی بناحق ریخته شود، دیگر مجلسی که عمل نامشروع با زنی انجام داده شود، سوم مجلسی که مال کسی بناحق گرفته شود و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که مجالس به امانت است و جایز نیست برای احدی اینکه خبر بدهد به سخنی که در مجلسی گفته شده و گوینده آن اذن نمیدهد به نقل آن و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که یا اباذر، مجالس به امانت است و فاش کردن سر برادرت خیانت است پس اجتناب کن از آن.

تنبیه هفتاد و یکم

(در نهی از تناجی در حضور ثالث)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه سه نفر مؤمن در یک جائی باشند پس دو نفرشان با هم تناجی نکنند یعنی آهسته با هم حرف نزنند بجوریکه رفیقشان نشنود چه آنکه آن رفیق اذیت و اندوهناک میشود با خود میگوید اینها چه میگویند که نمیخواهند من بشنوم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هرگاه سه نفر بودند، دو نفرتان آهسته با هم صحبت نکنید چه آنکه این کار دیگری را مغموم میکند و از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه سه نفر در خانه باشند، پس دو نفرشان با هم تناجی نکنند زیرا که آن دیگری غمناک میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه حرف میان حرف برادر مسلمانانش بیاورد، پس کانه صورتش را خراشیده و از هند بن هاله نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سخن کسی را قطع نمیفرمود مگر سخن بیجا را که به نهی یا برخواستنی قطع میفرمود.

تنبیه هفتاد و دوم

(در نشستن رو بقبله)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله بیشتر جلوسشان رو بقبله بود و از شیخ بهائی علیه الرحمة در کتاب مفتاح الفلاح از ائمه علیهم السلام روایت شده که بهترین نشستنها، نشستن رو به قبله است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که برای هر چیزی شرفی است و اشرف مجالس، آن مجلسی است که رو به قبله باشد و از آنحضرت روایت شده کسیکه یک ساعت رو بقبله بنشیند خواهد بود برای او اجر حجاج و عمار یعنی حج و عمره بجا آورندگان.

تنبیه هفتاد و سوم

(در نهی از شوخی زیاد و قهقهه)

بسم الله وله الحمد. از ابراهیم بن عباس روایت شده که حضرت رضا را ندیدم که بسخن خود کسی را بناحق ناراحت کند تا آنکه میگوید و ندیدم آنحضرت را که در خنده اش قهقهه کند، بلکه خنده اش تبسم بود و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که تبسم مؤمن در روی مؤمن، حسنه است و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که قهقهه از شیطانست و از آنحضرت علیه السلام نیز روایت شده که چه بسیار کسانی که خنده بیهوده و بیجا بسیار کنند که گریه آنها در قیامت بسیار باشد و چه بسیار اشخاصی که گریه آنها بر گناهشان بسیار باشد و خنده آنها در قیامت و سرورشان در بهشت بسیار و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که سه چیز است که ممقوت و مبعوض است نزد خدا، یکی خواب در شب بدون بیداری قدری از آن و دیگر خنده بی جهت، سوم خوردن بالای سیری و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که بسیار خنده کردن دل را میمیراند و نیز میفرماید کثرت ضحک، دین را آب میکند همچنانیکه آب نمک را آب میکند و نیز میفرماید چون کسی را دوست بداری پس با او مزاح و شوخی مکن و مجادله نکن با او و نیز میفرماید کثرت ضحک و خنده، آبرو را میبرد و نیز میفرماید مزاح و شوخی، سب و فحش کوچک است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که بسیار مزاح نمودن آبرو را میبرد و کثرت ضحک ایمان را محو و نابود میکند و بسیار دروغ گفتن بهاء و وقار شخص را از بین میبرد و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که جناب داود بفرزندش جناب سلیمان علی نبینا و آله و علیهما الصلوة والسلام

فرمود: یا بنی، از بسیار خندیدن پرهیز، چه آنکه بسیار خندیدن شخص را در روز قیامت فقیر و نادار میکند.

تنبيه هفتاد و چهارم

(در خودداری از آزار همسایه و تحمل اذیت او)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که حسن جوار این نیست که اذیت خود را از همسایه ات نگاه داری، بلکه حسن جوار آنستکه اذیت همسایه ات را تحمل کنی. از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در دعوات نقل شده که مردی آمد خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله، عرض کرد فلان همسایه من، مرا اذیت میکند، حضرت فرمود: صبر کن و اذیت خود را از همسایه ات باز دار. طولی نکشید که دوباره آمده گفت همسایه من مرد. حضرت فرمود: روزگار برای موعظه کافی است و مرگ برای جدائی انداختن و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ملعونست، ملعونست آنکس که همسایه خود را اذیت نماید و از محاسن نقل شده که بحضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض شد که فلان زن روزها روزه میگیرد و شبها به عبادت قیام میکند، اما همسایه خود را بزبان اذیت میکند، حضرت فرمود: خیری در آن زن نیست و او از اهل آتش است، گفته شد فلان زن نماز واجب خود را میخواند و ماه رمضان روزه میگیرد و همسایه خود را اذیت و آزار نمیکند حضرت فرمود: آن زن از اهل بهشت است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که داخل بهشت نمیشود کسیکه همسایه او از شرش در امان نباشد و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه اذیت کند همسایه خود را، پس بر او است لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم و نیز میفرماید خوب رفتار نمودن با همسایه روزی را زیاد میکند و خانه ها را آباد و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مردی از انصار خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسیده،

عرض نمود که من خانه از بنی فلان خریده ام و نزدیکترین همسایه گانم کسی است که امید خیر از او ندارم و از شرش در امان نیستم. حضرت امر فرمود علی علیه السلام و سلمان و ابی ذر را که در مسجد ندا کنند بصدای بلند که ایمان ندارند آنکس که همسایه اش از شرش در امان نباشد. پس سه مرتبه ندا کردند پس حضرت بدست اشاره نموده، فهماندند که از هر طرفی تا چهل خانه همسایه اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که نوشته ای به فاطمه زهرا علیها الصلوٰة والسلام داده، فرمود: یاد بگیر آنچه را که در آن هست و در آن نوشته این جملات بود: کسیکه ایمان بخدا و روز جزا دارد، پس اذیت نکند همسایه خود را و کسیکه ایمان دارد بخدا و روز آخر پس باید گرامی بدارد میهمان را و کسیکه ایمان آورده بخدا و روز آخر، پس باید سخن نیکو گوید یا ساکت باشد.

تنبيه هفتاد و پنجم

(در اهميت حسن خُلق)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده که چهار خصلت است که در هر کس باشد ايماننش کامل و اگر از فرق سر تا قدمش گناه باشد ناقص نمیکند او را و آن چهار خصلت عبارتست از صدق و ادای امانت و حیا و حسن خلق و از رسول خدا صلی الله عليه وآله روايت شده که جبرئیل عليه السلام از طرف پروردگار عالمیان بر من نازل شده، گفت یا محمد بر تو باد بحسن خلق، چه آنکه در آنست خیر دنیا و آخرت و آگاه باشید شبیه ترین شما بمن، خوش خلق ترین شما است و نیز از آنحضرت صلی الله عليه وآله روايت شده که بر شما باد بحسن خلق چه آنکه حسن خلق لا محاله در بهشت خواهد بود و از بدخلقی بپرهیزید، چه آنکه سوء خلق در آتش است لامحاله و نیز از آنحضرت صلی الله عليه وآله روايت شده که بیشتر چیزیکه امت مرا جهنمی میکند دو میان خالی است که شکم و فرج باشد و بیشتر چیزیکه امت من بواسطه آن به بهشت میروند تقوی و حسن خلق است و از حضرت علی عليه الصلوة والسلام روايت شده که برسول خدا صلی الله عليه وآله گفته شد یا رسول الله (ص) بهترین حالاتی که بمرد عطا میشود چیست؛ فرمود: خُلق نیکو، بدرستیکه نزدیکترین شما بمن و واجب ترین شما بر من از جهت شفاعت، راستگوترین شما است و آنکس که امین تر و خوش خلق تر و نزدیک تر بمردم باشد و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده که خدای عزوجل دین را برای شما اسلام اختیار نموده، پس نیکو کنید صحبت با آن را بسخاوت و حسن خُلق و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روايت شده که کمال دین مسلمان بترک

سخن بی فائده و کمی مجادله و صبر بر ناراحتیها و حُسن خُلق است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که ملاقات نمیکند خدا را بنده ای بمثل طول صمت و حُسن خُلق و نیز از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده که نزدیک ترین شما بمن از حیث جایگاه آن کس است که خُلقش نیکوتر باشد و با خانواده اش بهتر رفتار کند و نیز میفرماید که نیکوترین مردم از حیث ایمان آنکس است که خوش خلق تر و لطفش باهلش بیشتر باشد و من الطف مردم میباشم باهل خود و از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد از حد حسن خلق و معنای آن، خلاصه جواب حسن خلق آنست که شخص با کسانی که معاشرت دارد طوری رفتار کند که از گفتار و کردارش کسی ناراحت نشود و با برادرانش با روی گشاده ملاقات نماید.

تنبيه هفتاد و ششم

(در اهميت صدق و راستی)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روایت شده که کسیکه زبانش راستگو باشد، عملش پاکیزه میشود و کسیکه نیتش نیکو باشد، روزیش زیاد میشود و کسیکه با خانواده اش به نیکویی رفتار کند عمرش طولانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که به علی علیه الصلوة والسلام میفرماید وصیت میکنم تو را یا علی درباره نفس خودت بچند خصلت، خدایا یاری کن او را. خصلت اول صدق و راستگویی، بطوریکه ابداً دروغ از دهانت بیرون نیاید و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود مگر بصدق حدیث و ادای امانت بسوی آدم خوب و آدم بد و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که در خطبه ای طولانی میفرماید: ایها الناس آگاه باشید، پس راست بگوئید چه آنکه خدا با راستگویانست و از دروغ برکنار باشید، زیرا که دروغ از ایمان برکنار است، آگاه باشید که راستگو بر نجات و کرامت است، آگاه باشید که دروغگو نزدیک به پستی و هلاک است و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که چهار خصلت است که در هر کس باشد، اسلام آن شخص کامل است و گناهانش محو و نابود میشود و ملاقات میکند خدا را در حالتیکه خدا از او راضی باشد. اول آنکه آنچه برای مردم بر خود قرار دهد وفا کند به آن برای خدا. دوم آنکه با مردم راست بگوید. سوم آنکه حیا کند از هر چیزیکه نزد خدا و مردم قبیح و زشت باشد. چهارم آنکه با خانواده خود بخوش خلقی رفتار کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که به عبدالله بن مسعود

میفرماید یا بن مسعود بر تو باد به بصدق و راست گوئی و البته خارج نشود از دهانت دروغی ابداً و نیز از آنحضرت روایت شده که مردی خدمتش آمده، عرض کرد یا رسول الله، عمل اهل بهشت چیست؛ فرمود: صدق و راستگوئی.

تنبیه هفتاد و هفتم

(در لزوم وفای به عهد و تعهد قول)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رضا علیه و علی آبائه و ابنائیه الصلوٰة والسلام روایت شده که ما اهل بیتی هستیم که آنچه وعده میدهیم بر خودمان، دین میبینیم همچنانیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله میکرد و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده جهت اینکه جناب اسماعیل علیه السلام صادق الوعد نامیده شد آنستکه وعده داد مردی را در یک مکانی، پس تا یکسال منتظر او بود چون آن مرد آمد، جناب اسماعیل به او فرمود که من از همان وقت در انتظار تو هستم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه ایمان بخدا و روز جزا آورده، پس باید چون وعده بدهد وفا کند بوعده خود و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که وعده مؤمن ببرادرش بمنزله نذریست که کفاره ای برای او نیست، پس کسیکه خلف وعده کند، کاتّه با خدا خلف وعده نموده و خود را در معرض مقت و سخط خدا درآورده و این قول خدای تعالی است یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عندالله ان تقولون ما لا تفعلون و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بمردی وعده داد که نزد سنگی باشد تا آن مرد بیاید، پس گرمی آفتاب شدت نمود، اصحاب عرض کردند بروید به سایه، حضرت فرمود: من اینجا به آن مرد وعده داده ام و من همین جا هستم تا بیاید و اگر نیاید، حشر من از همین جا خواهد بود کنایه از اینکه من همین جا هستم تا آنکه یا آن مرد بیاید یا همین جا از دنیا بروم.

تنبيه هفتاد و هشتم

(در توأم بودن حیا و ایمان و تعریف حیا و یک روایت خوب)

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که حیا و ایمان بیک ریسمان بسته شده اند. پس چون یکی از آن دو برود، آن دیگری نیز پشت سر او میرود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که بجناب ابی ذر علیه الرحمة میفرماید آیا دوست داری که داخل بهشت شوی، عرض کرد بلی پدرم فدایت شود. میفرماید آرزو را کوتاه کن و مرگ را جلو چشمت قرار ده و از خدا حیا و شرم داشته باش حق حیا و شرم. عرض میکند تمام ما از خدا حیا و شرم داریم. میفرماید حیا آن نیست ولکن حیاء از خدا آنستکه مقابر و کهنه شدن در آن را فراموش نکنی و جوف را و آنچه در آنست و سر را و آنچه در بر دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که دیدند کسی را که غسل میکرد در جائی که مردم او را میدیدند. پس فرمود: ایها الناس، بدرستیکه خدا دوست دارد که بندگان با حیا باشند، پس هرکدام خواسته باشید غسل کنید، در جائی غسل کنید که کسی شما را نبیند چه آنکه حیا زینت اسلام است و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که بجناب هشام علیه الرحمة میفرماید: یا هشام خدا رحمت کناد آنکس را که از خدا حیا کند حق حیا؛ پس حفظ کند سر و آنچه را که مشتمل است و شکم و آنچه در آن جای میدهد و یاد کند مرگ را و کهنه شدن بدن را و بداند که مکاره اطراف بهشت را فرا گرفته و شهوات اطراف آتش را و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حیا از ایمانست و ایمان در بهشت و نیز از آنحضرت نقل شده که چهار خصلت است که در هرکس باشد خدای تعالی گناهان او را

مبدل میفرماید بحسنات ولو از فرق سر تا بقدم باشد راستگوئی و حیاء و حسن خلق و شکر.

تنبيه هفتاد و نهم

(در اهمیت طلب علم)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که پنج چیز است که اگر کسی سوار بر شتری شود و بقدری برای بدست آوردن آن راه بپیماید که شترش لاغر شود و گوشت خود را از دست بدهد هنوز هم کم است. اول آنکه به غیر خدا امید نداشته باشد. دوم ترسد مگر از گنااهش. سوم جاهل حیا نکند از تعلم. چهارم آنکه عالم اگر چیزی از او سؤال شود که نمیداند، حیا نکند از اینکه بگوید خدا داناتر است، پنجم صبر که نسبت به ایمان بمنزله سر است نسبت بجسد و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که تملق از اخلاق مؤمن نیست و همچنین حسد مگر در طلب علم و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که به محمد بن نعمان رحمه الله میفرماید طلب نکن علم را برای سه چیز؛ ریاء و مباهات و مجادله و وامگذار آنرا برای خاطرسه چیز، برای میل و رغبت به جهل و نادانی و برای زهد در علم و برای خاطر احیاء از مردم.

تنبيه هشتادم

(در اهمیت عفو و گذشت)

بسم الله وله الحمد. از ابی حمزه ثمالی رحمه الله از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که چون روز قیامت شود، خدای تبارک و تعالی خلق اولین و آخرین را در سرزمین واحد جمع فرماید آنگاه منادی ندا کند کجایند اهل فضل، پس جمعی برخیزند پس ملائکه بایشان بگویند فضل شما چه بوده، در جواب بگویند ما وصل میکردیم با کسیکه از ما قطع میکرد و عطا میکردیم بکسیکه ما را محروم میکرد و عفو میکردیم از کسیکه بر ما ظلم میکرد. پس بایشان گفته شود راست گفتید داخل بهشت شوید و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که سه خصلت است که از اخلاق کریمه دنیا و آخرتست اول آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کرده، دوم آنکه وصل کنی با کسیکه با تو قطع نموده، سوم آنکه چون کسی از روی جهالت و نادانی تو را ناراحت کرد، حلم بورزی و از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه خصلت است که خداوند زیاد میفرماید بواسطه آن برای شخص مسلمان مگر عزت را، اول گذشت از کسیکه ظلم کند بر او، دوم عطا کردن بکسیکه محروم نموده او را، سوم وصل نمودن با کسیکه قطع کرده از او و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که به جناب محمد بن حنفیه

علیه الرحمة میفرماید: نبوده باشد برادر تو بر قطع از تو اقوی از تو بر وصل با او و نه بر بدی نسبت به تو قادرتر از تو بر احسان بسوی او و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بمردی میفرماید وصیت میکنم تو را به پرهیز از خدا و عفو از مردم و نیز

در حدیثی از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده که به ابی بکر میفرماید یا ابابکر، هیچ بنده ای نیست که ظلمی بر او بشود پس او عفو کند مگر آنکه خدا او را یاری کند و بنده ای نیست که در سوالی را بروی خود باز کند برای زیاد کردن مال مگر آنکه خدا او را فقیرتر کند و بنده ای نیست که در عطا و بخششی را بروی خود باز کند مگر آنکه خدا زیاد میکند مال او را.

تنبيه هشتاد و يكم

(در اهميت كظم غيظ و فروبردن خشم با قدرت بر اعمال)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كسيكه غيظ و غضب خود را فرو برده و با قدرت اعمال نكند، آن را پر خواهد فرمود خدا قلب او را در قيامت از رضا و خوشنودى و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كسيكه فرو برد غيظ خود را وحلم بورزد با اينكه ميتواند اعمال كند آن را، عطا ميفرمايد خدا به او اجر و پاداش شهيدى را و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه سه خصلت است كه در هر كس باشد خدا از حورالعين به او تزويج ميفرمايد هر طور كه بخواهد فروبردن غيظ و صبر بر شمشيرها براى خدا و مردى كه مال حرامى براى او پيش بيايد و آن را ترك نموده دخالت در آن نكند براى خدا و نيز از آنحضرت عليه السلام روايت شده كه هيچ بنده نيست كه غيظ خود را فرو برد مگر آنكه خدا عزت او را در دنيا و آخرت زياد ميفرمايد و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله نقل شده كه از دوست ترين راهها بسوى خداى تعالى دو جرعه است: يكي جرعه غيظى كه رد كند آنرا به حلم و بردبارى و ديگر جرعه حزن و اندوهى كه رد كند آن را بصبر و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه سه نفر ميباشند كه مرافقت انبياء عليهم السلام نصيب آنها خواهد شد يكي مرديكه قاتل ولى او به او داده شود كه او بكشد پس عفو كند از او و ديگر مردى كه امانتى نزد او باشد كه اگر بخواهد ميتواند خيانت كند پس رد كند آن را بصاحبش، سوم مردى كه فرو برد خشم خود را از برادر دينيش براى خدا و از جناب سلمان رضى الله عنه روايت شده كسيكه خشم خود را فرو برد، سالم ميماند و كسيكه خشم خود را اعمال كند،

نادم شود و از رسول گرامی صلی الله علیه و اله روایت شده کسیکه خشم خود را فرو برد و حال آنکه میتواند آن را اعمال کند، خدای تعالی در روز قیامت او را بخواند بر رؤس خلائق و مخیر گرداند او را که اختیار کند از حورالعین آنچه را بخواهد و نیز از آنحضرت روایت شده که در شب معراج غرفه هائی را دیدند در اعلاء درجات بهشت؛ پس سؤال کردند که این غرفه ها مال کیست؛ گفته شد مال کسانی هست که کظم غیظ کنند و مال کسانی میباشد که از مردم عفو کنند و مال کسانی است که محسن و نیکوکار باشند.

تنبيه هشتاد و دوم

(در اهميت خاموشی و لزوم زندانی کردن زبان)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت شده که زبان خود را نگاه دار، چه آنکه نگاه داشتن زبان صدقه ای است تصدق میکنی آنرا بر نفس خود. پس فرمود نمیشناسد بنده حقیقت ایمان را تا آنکه مخزون و محبوس کند زبان خود را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که پیوسته بنده نیکوکار نوشته شود مادامیکه ساکت باشد پس چون سخن گوید نیکوکار نوشته شود یا بدکار و از آنحضرت علیه السلام نیز روایت شده که عبادت کرده نشده است خدا بچیزی که مانند خاموشی و رفتن بسوی خانه خدا باشد و از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت شده که بجناب ابی ذر رحمه الله میفرماید یا اباذر همنشین صالح بهتر است از تنهایی و تنهایی بهتر است از همنشین بد و سخن خیر گفتن بهتر است از سکوت و سکوت بهتر است از سخن شر؛ یا اباذر، ترک کن سخن زیادی را و کفایت میکند تو را از سخن آنچه به آن احتیاج داری. یا اباذر کفایت میکند در دروغگو بودن شخص آنکه هرچه بشنود نقل کند. یا اباذر هیچ چیز سزاوارتر بطول سجن و زندانی بودن از زبان نیست و از حضرت رضا علیه و علی آبائه و ابنائه الصلوة والسلام روایت شده که صمت و خاموشی دری است از درهای حکمت و بدستیکه صمت جلب میکند محبت و دوستی را و دلیل است بر هر خیری و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بفرزند خود حسین علیه السلام میفرماید: یابنی، عافیت ده جزء است نه جزء آن در خاموشی است مگر بذکر خدا و جزء دیگرش در ترک مجالست سفیهان و از حضرت کاظم از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت شده که

هرگاه مؤمن را دیدید خاموش، پس به او نزدیک شوید که او القاء میکند حکمت را و مؤمن کلامش قلیل و عملش کثیر و منافق کلامش کثیر و عملش قلیل است و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که سه خصلت است که نجات دهنده است شخص را؛ یکی آنکه زبان خود را نگاه داری، دیگر آنکه بر گناهت گریه کنی، سوم آنکه خانه ات وسعت داشته باشد برای کتبی از اینکه از تنهایی حوصله ات سر نیاید و نیز از آنحضرت روایت شده سکوت مانند طلا است و کلام مثل نقره و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه نفرند که نمیرسند مگر به خیر: یکی صاحب خاموشی، دیگر ترک کننده شر، سوم کسانی که بسیار یاد میکنند خدای عزوجل را و از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت شده که آیا خبر ندهم شما را به دو امری که زحمت آن کم و اجر آن عظیم و بزرگست و ملاقات نمیشود خدا بمثل آن یکی طول صمت و دیگر حسن خلق.

تنبيه هشتاد و سوم

(در لزوم نگهداری زبان و مکالمه اعضا و جوارح با زبان)

بسم الله وله الحمد. از جناب ابی ذر رحمه الله نقل شده که میفرمود ای خواهان علم و دانش، بدرستی که این زبان کلید هر خیر و کلید هر شری است و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که زبان فرزند آدم هر روز مشرف میشود بر جوارحش. پس میگوید چگونه صبح نمودید در جواب میگویند بخیر و خوبی اگر واگذاری ما را یعنی کاری نکنی که ما را به شر مبتلا کنی خدا را در نظر داشته باش درباره ما چه آنکه ما ثواب داده میشویم بواسطه تو و عقاب کرده میشویم بواسطه تو و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که مردی حضور مبارکش رسیده عرض نمود یا رسول الله (ص) مرا وصیتی بفرما، پس فرمود زبان خود را حفظ کن. دو مرتبه عرض کرد یا رسول الله (ص) وصیت بفرما مرا، فرمود زبان خود را حفظ کن. مرتبه سوم عرض کرد یا رسول الله (ص) وصیت بفرما مرا، فرمود حفظ کن زبان خود را وای بر تو آیا مردم به رو در آتش افکنده میشوند بجز نتیجه و ثمره زبانهایشان و از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که بفرزند خود جناب محمد بن حنفیه میفرماید خلق نفرموده خدای عزوجل چیزی نیکوتر از کلام و نه قبیح تر از کلام، به کلام صورتها سفید میشود و بکلام صورتها سیاه میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بر زبان هر گوینده ای رقیب و نگهبانی موکل است. پس بنده باید از خدا بپرهیزد و باید نظر کند و مواظب باشد که چه میگوید.

تنبيه هشتاد و چهارم

(در لزوم کم حرف زدن و مواظب حرف خود بودن)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که راحت انسان در حبس زبانست و نیز میفرماید سلامتی انسان در حفظ زبانست و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب قصص الانبياء عليهم الصلوة والسلام نقل شده که چون فرزندان و فرزندان فرزندان حضرت آدم علیه السلام زیاد شدند در نزد آنجناب سخن میگفتند و حرف میزدند و او ساکت بود. گفتند ای پدر چرا شما تکلم نمیکنید و حرف نمیزنید؛ فرمود بدرستی که چون خدای جل جلاله مرا از جوار خود خارج نمود با من عهد کرد و فرمود کم حرف بزن تا بجوار من یعنی بهشت برگردی و از شیخ ورام بن ابی فراس علیه الرحمة در کتاب تنبيه الخاطر نقل شده که بجناب لقمان علیه السلام گفتند آیا شما غلام آل فلان نبودی؛ فرمود چرا؛ گفته شد پس چه شد به این مقام و مرتبه که ما میبینیم رسیده ای، فرمود صدق حدیث یعنی راستی در گفتار و ادای امانت و ترک آنچه فائده ندارد و پوشیدن چشم از آنچه نگاه کردن به آن ممنوعست و بازداشتن زبان و عفت من در طعمه ام یعنی اکتفا به طعام حلال پس کسیکه در این خصلتها از من ناقص تر باشد، پس او از من پائین تر است و کسیکه کاملتر باشد از من، بالاتر خواهد بود و کسیکه در این خصال مانند من باشد، پس مثل من خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که مستقیم نمیشود ایمان بنده تا آنکه مستقیم شود قلب او و مستقیم نمیشود قلب او تا آنکه مستقیم شود زبان او و از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده که سخنگویان سه دسته اند. یکدسته کسانی میباشند که از سخن خود استفاده میکنند و

نفع میبرند و آنها کسانی هستند که ذکر خدا میگویند و دسته دیگر آنهایی میباشند که سالم میباشند و آنها کسانی هستند که ساکتند و دسته سوم در هلاکت‌اند و ایشان جماعتی هستند که فرو میروند در سخنان باطل، بدرستی که خدا حرام فرموده بهشت را بر هر فحش گوی سفیه کم حیا که باک ندارد از آنچه بگوید یا به او بگویند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بسیار سخن نگوئید به غیر ذکر خدا چه آنکه بسیار سخن گفتن بغیر از ذکر خدا، دل را قسی میکند و دورترین مردم از خدا قسی القلب است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که شخص عالم و دانشمند حرف زیادی نمیزند و از جناب لقمان علیه السلام روایت شده که میفرمود که بسیار در غیر ذکر خدا سخن مگوئید، زیرا کسانی که در غیر ذکر خدا سخن میگویند قلبهایشان قسی میباشد و خود نمیدانند و از جناب محمد بن علی بن حسین علیهم الرحمة نقل شده که حضرت امیر علیه السلام بمردی گذشتند که حرفهای زیادی و بی فائده میگفت، پس توقف نموده فرمود یا هذا تو املا میکنی بر دو ملکی که حافظ اعمال تو میباشند نامه عملی را بسوی پروردگار خود، پس سخن با فائده بگو و سخن بی فائده را وابگذار.

تنبيه هشتاد و پنجم

(در مدارا با خلق)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که جبرئیل علیه السلام خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسیده عرض نمود یا محمد، پروردگار سلام میرساند و میفرماید با خلق من مدارا کن و خود حضرت میفرماید امر کرده مرا پروردگار من به مدارا کردن با مردم، همچنانیکه امر فرموده مرا به تبلیغ رسالت و از حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام روایت شده که در تفسیر قول خدای تبارک و تعالی و قولوا للناس حسنا حضرت صادق علیه الصلوة والسلام فرموده که خدا میفرماید که با تمام مردم خوب حرف بزنید چه مؤمن آنها و چه مخالف آنها. اما مؤمنون پس با صورت باز با آنها تماس بگیرید و اما مخالفون پس بمدارا با آنها تکلم کنید برای جلب نمودن آنها بسوی ایمان، پس اگر باین مقصود نرسید لااقل خودش و برادرانش از شر آنها محفوظ بمانند و از حضرت رضا علیه وعلی آبائه و ابنائه الصلوة والسلام نقل شده که مؤمن، مؤمن نمیشود تا آنکه در او سه خصلت باشد سنتی از پروردگارش و سنتی از پیام آورش و سنتی از ولیش. اما سنتی که از پروردگارش باید در او باشد پس کتمان و پنهان داشتن سر است و اما سنت از پیام آورش پس مدارا نمودن با مردم است و اما سنت از ولیش پس صبر است بر ناملایمات و ناراحتیها و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که کمال ادب و مروت در هفت خصلت است. عقل و حلم و صبر و مدارا و خاموشی و حسن خلق و مدارای با خلق و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که عاقل ترین مردم آنکس است که مدارا کننده تر باشد و نیز از آنحضرت نقل شده که

پروردگار من مرا امر فرموده بمدارا نمودن با مردم همچنانیکه امر فرموده به ادای فرائض و واجبات و نیز از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده که سه خصلت میباشد که در هرکس نباشد هیچ عملی از اعمال او تمام نمیشود یکی ورعی که او را حاجز و مانع شود از معاصی خدا و دیگر خلقی که مدارا کند بواسطه آن با مردم، سوم حلمیکه رد کند بواسطه آن جهل جاهل را یعنی اگر کسی از روی نادانی او را ناراحت کرد اعتنا نکند و از حضرت علی بن ابی طالب علیهما الصلوة والسلام روایت شده که در مقام وصیت خود بفرزندش جناب محمد بن حنفیه میفرماید احسان کن بتمام مردم کما اینکه دوست داری مردم بتو احسان کنند و بپسند برای آنها آنچه را برای خود میپسندی و نیکو کن خلق خود را با مردم بطوریکه چون از ایشلان غائب شوی، بیاد تو بیافتند و هرگاه بمیری گریه کنند بر تو و بگویند انا لله وانا الیه راجعون و مباش از کسانیکه گفته شود نزد مرگش الحمد لله رب العالمین و بدان که رأس عقل بعد از ایمان بخدای عزوجل مدارا نمودن با مردم است و خیری نیست در آن کس که معاشرتش با مردم خوب نباشد الخ.

تنبيه هشتاد و ششم

(در مذمت دروغ و اینکه دروغ از پستی است)

بسم الله وله الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که دروغ نمیگوید دروغگو مگر بواسطه پستی و خواری نفسش و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که از اعظم خطاها زبان دروغگو است و نیز از آن بزرگوار نقل شده که سه خصلت است که از علامات منافق است یکی آنکه چون سخن گوید، دروغ گوید، دیگر آنکه چون امین قرار داده شود خیانت کند، سوم آنکه وعده دهد خلف وعده کند و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که از دروغ پرهیز کنید چه آنکه دروغ راهنمایی میکند دروغگو را بسوی فجور و فجور راهنمایی میکند شخص را بسوی آتش و نیز از آنجناب صلی الله علیه وآله روایت شده که مروت دروغگو از همه کمتر است و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ بدی بدتر از دروغ نیست و از آنحضرت نیز روایت شده که از دروغ اجتناب کنید اگر چه نجات خود را در آن ببینید چه آنکه هلاکت شما در آنست. از ارشاد القلوب دیلمی علیه الرحمة از عبدالله بن عمر نقل شده که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسیده عرض نمود عمل اهل آتش چیست؛ فرمود: دروغ، چه آنکه بنده هرگاه دروغ بگوید فاجر میشود و چون فاجر شد کافر میشود و چون کافر شود داخل آتش میشود. از جناب قطب راوندی رحمه الله در کتاب دعوات نقل شده که مردی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض نمود آیا مؤمن دروغ میگوید، فرمود: نه، خدای تعالی میفرماید انما یفتري الکذب الذین لا يؤمنون و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای عزوجل از برای شر، قفلهایی قرار داده و

کلیدهای آن قفل ها را شراب قرار داده و دروغ از شراب بدتر است و از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام در خطبه طولانی نقل شده که آگاه باشید پس راست بگوئید چه آنکه خدا با راستگویانست و از دروغ دور باشید چه آنکه دروغ از ایمان دور است، بیدار باشید که راستگو بر نجات و کرامت است آگاه باشید که دروغگو نزدیک به هلاکت است.

تنبيه هشتاد و هفتم

(در مذمت دروغ بستن بر پاكان عليهم السلام)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام نقل شده که بمردی از اهل شام میفرماید ای برادر شامی، حدیث ما را بشنو و دروغ بر ما مگو زیرا کسیکه بر ما دروغ بگوید بر رسول خدا دروغ گفته و کسیکه بر رسول خدا دروغ بگوید بر خدا دروغ گفته و کسیکه بر خدا دروغ بگوید خدای عزوجل او را عذاب فرماید و از حضرت باقر عليه السلام روایت شده که به ابی نعمان میفرماید یا ابا نعمان دروغ بر ما مگو که استقامت در دین از تو سلب میشود و طالب مباحث که رأس باشی که ذنب یعنی دم خواهی شد و مردم را مخور بواسطه ما یعنی در تبلیغ دین نظر به جهات مادی نداشته باش که فقیر خواهی شد چه آنکه تو بازداشت خواهی شد لامحاله و مورد سؤال واقع خواهی شد پس اگر راست بگوئی ما تو را تصدیق خواهیم کرد و اگر دروغ بگوئی تو را تکذیب خواهیم نمود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که کسیکه بگوید بر من آنچه را که من نگفته باشم، جایگاه او آتش خواهد بود و از ابی خدیجه از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روایت شده که دروغ برخدا (تع) و رسول (ص) و اوصیاء (ع) از گناهان کبیره است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که پرهیز کنید از حدیث کردن از من، مگر آنچه را که بدانید پس کسیکه عمداً دروغ بگوید بر من، پس جایگاه او آتش خواهد بود.

تنبيه هشتاد و هشتم

(در قبول عذر و تراشیدن عذر برای برادرت)

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی ابن ابیطالب علیهما الصلوٰة والسلام نقل شده که هرگاه کسی شما را بواسطه یک کاری یا یک گفتاری ناراحت کرد، بعد معذرت خواهی نمود، عذرش را قبول کنید تا از برادری او بهره ببرید و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که یک روزی فرزندان خود را احضار نموده فرمود ای فرزندان من شما را وصیت میکنم بوصیتی که اگر آن وصیت را حفظ کنید ضایع نخواهید شد و آن وصیت آنستکه اگر کسی در گوش راست شما سخن ناراحت کننده گفت پس در گوش چپ تان عذر خواهی نموده و گفت من همچہ حرفی نگفتم عذرش را قبول کنید و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که اگر از برادرت سخن ناراحت کننده برایت نقل شد و چهل نفر شهادت دادند که آن حرف را شنیده اند و خودش گفت که من چنین حرفی نگفته ام، از او قبول کن و از آن حضرت علیه الصلوٰة والسلام نیز روایت شده که هرگاه از مؤمنی حاجتی خواستی، خود عذرهای برای او مهیا کن و اگر برای برنیآوردن حاجت عذری آورد، عذرش را قبول کن اگرچه گمان کنی که عذرش بیجا است و از آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه نیز نقل شده که طلب کنید برای برادرهای خود عذر را در خطاها و لغزشهای ایشان و اگر عذری برای آنها نیافتید معتقد شوید که عذری هست نهایت شما برخورد نمیکنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که آیا خبر ندهم شما را به شریرهای شما، عرض نمود چرا یا رسول الله (ص)، فرمود: شرار شما کسانی میباشد که از لغزش مردم نمیگذرند و عذر مردم را نمیپذیرند و از خطا

و لغزش مردم عفو نمیکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه عذر معذرت خواه را چه راستگو باشد و چه دروغگو قبول نکند و نپذیرد بشفاعت من نخواهد رسید و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بفرزند خود میفرماید اگر مردی در طرف راست حرف ناجوری بتو بگوید بعد بیاید بطرف چپ و معذرت بخواهد , پس قبول کن عذر او را.

تنبیه هشتاد و نهم

(در ترک مرء و مجادله و خصومت)

بسم الله وله الحمد. از محمد بن نعمان علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که فرمود ای پسر نعمان پرهیز از مرء چه آنکه مرء عمل تو را حبط میکند و پرهیز از جدال چه آنکه جدال هلاک میکند تو را و پرهیز از کثرت خصومات چه آنکه بسیاری خصومت دور میکند تو را از خدا. مؤلف گوید که مرء و جدال و خصومت از حیث معنی نزدیک به یکدیگرند و ملخص معنای هر سه، با مردم بگو نگو کردندست و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مرء در دیست ردی و پست و نیست در انسان خصلتی بدتر از آن و این مرء خلق ابلیس است و مجادله نمیکند در هر حالی مگر آنکسیکه جاهل بخود و بغیر خود باشد و مجادله کننده از حقایق دین محروم است و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده کسیکه مبالغه کند در خصومت، گناهکار میشود و کسیکه کوتاه بیاید مظلوم واقع میشود و کسیکه مخاصمه کند نمیتواند تقوای خود را حفظ کند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه ترک کند مرء و مجادله را و حال آنکه حق با او باشد، بنا کرده شود برای او خانه ای در اعلاى بهشت و کسی که ترک کند آن را در حالتیکه حق با او نباشد، بنا کرده شود برای او خانه ای در پائین بهشت و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه بناحق مخاصمه و مجادله کند با کسی و حال آنکه بداند بر باطل است، پیوسته در سخط خدا است تا آنکه دست بردارد از آن و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که افضل مردمان از حیث ایمان آنکس است که اخلاقش نیکوتر باشد و

گرامیترین مردم باتقوی ترین ایشانست و بزرگترین مردم از جهت قدر و منزلت، آن کسی است که ترک کند کار و گفتاری را که نه برای آخرتش فائده داشته باشد و نه برای دنیایش و با ورع ترین مردمان آن کسی است که ترک کند مرء و مجادله را و اگرچه محق باشد و از حضرت صادق از حضرت امیر علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که از مرء و خصومت پرهیزید چه آنکه این دو، دلها را نسبت ببرادران مریض میکند و موجب نفاق میشود و نیز از حضرت صادق از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که سه خصلت است که در هرکس باشد و خدا را با آن سه خصلت ملاقات کند، داخل بهشت خواهد شد از هر دری که بخواهد. اول آنکه خلش نیکو باشد و دیگر آنکه از خدا بترسد در خلوت و آشکارا، سوم آنکه ترک کند مرء را اگرچه محق باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که من ضامنم خانه ای را در اعلاى بهشت و خانه ای در وسط بهشت و خانه ای در ریاض بهشت برای کسیکه ترک کند مرء را هرچند که محق باشد و برای کسیکه ترک کند دروغ را، اگرچه بشوخی باشد و برای کسیکه خلش نیکو باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده کسیکه هم و غم او زیاد باشد بدنش بیمار شود و کسیکه خلش بد باشد خودش را عذاب میکند و کسیکه با مردم مجادله و بگو نگو کند، مروتش ساقط شود، بعد فرمود پیوسته جبرئیل علیه السلام مرا نهی میکند از سر بسر مردم گذاشتن، همچنانیکه نهی کرده است از شرب خمر و عبادت بتان و از آن حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نیز روایت شده که عهد نکرده بسوی من جبرئیل در چیزی، آنچه را که عهد کرده بسوی من در عداوت و دشمنی با مردم و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که به عبدالله بن جندب علیهما الرحمة در مقام وصیت و سفارش میفرماید فظ غلیظ مباح که مردم از تماس گرفتن با تو کراهت داشته

باشند و خودت را ذلیل و خوار مگیر که کسانی که تو را میشناسند بدیده حقارت بسوی تو نگاه کنند و با بزرگتر از خود مخاصمه و مجادله مکن و کوچکت از خود را مسخره نکن الخ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که در حدیثی میفرماید آیا خبر ندهم شما را به بدترین مردمان، عرض کردند چرا یا رسول الله؛ فرمود: کسی که او مردم را دشمن بدارد و مردم او را و نیز از آنحضرت روایت شده که جبرئیل نزد من آمد در ساعتی که در آن ساعت نیامد نزد من تا آنکه میفرماید گفت یعنی جبرئیل علیه السلام که پروردگارت نهی میفرماید تو را از عبادت بتان و شرب خمرها و مخاصمه و مجادله با مردمان و نیز از آن بزرگوار صلی الله علیه و آله روایت شده که اول چیزی که عهد فرمود بسوی من پروردگار و نهی فرمود مرا از آن بعد از عبادت بتان و شرب خمر، ملاحات و مخاصمه و مجادله با مردمان.

تنبيه نودم

(در رضا به قضا و فرمان الهی)

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که عجب دارم برای مرد مسلمان که قضاء نمیفرماید خدای عزوجل برای او قضایی مگر آنکه خیر است برای او اگر بدن او را با مقراضها مقراض کنند خیر خواهد بود برای او و اگر هم مالک شرق و غرب عالم بشود خیر است برای او و نیز از آنحضرت روایت شده که داناترین مردم بخدا راضی ترین ایشانست بقضای خدای عزوجل و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند که مؤمن از کجا بفهمد که مؤمن است فرمود: به تسلیم برای خدا و رضا به آنچه وارد میشود بر او از سرور و سخط و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر گاه پیشامدی برایشان میشد نمیفرمودند اگر جور دیگر میبود بهتر بود و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خداوند عالم وحی فرمود بسوی حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه الصلوٰة والسلام یا موسی بن عمران بدرستیکه خلق نکرده ام من خلقی را که محبوبتر باشد بسوی من از بنده ی مؤمنم و اینکه من مبتلا میکنم او را بناملایمی و خیر او در آنست و بر میگردانم از او چیز را که خواهان آنست و خیر او در اینست و من داناتریم بآنچه صلاح بنده من در آنست پس بایستی صبر کند بر بالای من و باید شکر کند نعمتهای مرا و باید راضی باشد بقضای من تا آنکه بنویسم او را در زمره صدیقین هرگاه عمل کند برضای من و اطاعت کند امر مرا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده برای بالای عظیم و بزرگ، جزای عظیم و بزرگ خواهد بود پس هرگاه خدا بنده ای را دوست بدارد مبتلا میسازد او را به بالای بزرگ پس

کسیکه راضی بود برای او باشد نزد خدا رضا و خوشنودی و کسیکه بسخط آید برای او باشد نزد خدا سخط و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که صبر و راضی بودن از خدا رأس طاعت خداست و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که کسیکه راضی باشد بقضای خدا، قضا بر او جاری میشود بواسطه راضی بودن او اجر داده خواهد شد و کسیکه بر قضای خدا سخطناک باشد قضا بر او نیز جاری شود و اجرای برای او نباشد.

تنبيه نود و یکم

(در مذمت آرزوی مرگ کردن)

از حضرت امیر علیه السلام روایت شده که در نامه ای که به حرث همدانی نوشته بودند مرقوم فرموده بودند و تمنی و آرزو مکن مرگ را مگر به شرطی وثیق. مؤلف گوید شاید مراد از شرط وثیق، اطمینان باشد به اینکه مرگ بر نفع او تمام خواهد شد و از توریه نقل شده که ای پسر آدم اشتباهی به مرگ نداشته باش تا آنکه توبه کنی و توبه نخواهی کرد تا آنکه بمیری و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده که دیدند مردی تمنا و آرزوی مرگ میکند فرمودند آیا بین تو و خدا قرابت و خویشاوندی است که از تو حمایت بفرماید عرض کرد نه فرمودند آیا حسناتی داری که بر سیئات زیادتی کند عرض کرد نه فرمودند پس در این صورت تمنی و آرزو میکنی هلاکت ابدی خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که یکی از شما تمنی مرگ نکند وقتی که ناملایمی متوجه او میشود بلکه بگوید خدایا مرا زنده بدار مادامیکه خیر من در آنست و مرا بمیران هنگامیکه موت برای من بهتر باشد و از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که روز جمعه چون از مسجد جامع برمینگشتند در حالتیکه عرق کرده و غبار آلود بودند دستهای مبارک را بلند کرده عرض کردند بار خدایا اگر فرج من از آنچه در آن هستم بموتست الساعه مرگ مرا برسان و پیوسته حضرت مغموم و غمناک بودند تا از دنیا رحلت فرمودند.

تنبیه نود و دوم

(در اهمیت صبر بر مصائب)

از حضرت زین العابدین و سید الساجدین علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون خداوند عالم اولین و آخرین را در قیامت جمع بفرماید منادی ندا کند کجایند صبرکنندگان بیایند و بحساب داخل بهشت شوند و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که اگر صبر کردی بر ناملایمات قضا و قدر بر تو جاری میشود و تو بواسطه صبرت مأجور خواهی شد و اگر جزع و فزع نمایی باز هم قضا و قدر بر تو جاری گردد و تو گناه کار خواهی شد و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که به ابی عبیده حذاء می میفرماید یا زیاد بدرستی که خدا تعهد میفرماید بنده مؤمن خود را ببلا همچنانکه تعهد میکند شخص غائب اهل خود را به هدیه و منع و حفظ میکند او را از دنیا آنطوریکه طبیب پرهیز میدهد مریض را و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده کسیکه صبر کند بر مصیبتی خدا بر عزتش میافزاید و داخل میفرماید او را با محمد و اهل بیت آنحضرت علیه وعلیهم الصلوة والسلام در بهشت و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده کسیکه صاف و روبراه بود دنیای او پس او را در دینش متهم بساز کنایه از اینکه در دینش یک خللی هست که دنیا با او مساعد است و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون با ناملایمی دچار شدی چاره آن در دو چیز است یکی اینکه اگر میتوانی آنرا از خود دور کنی و دیگر آنکه اگر نمیتوانی صبر کن و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که هرگز مؤمن نخواهید بود تا آنکه بلا را نعمت و خوشی را مصیبت بشمارید زیرا که صبر بر بلا افضل است از غفلت در

نزد خوشی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که گذشتند بر جماعتی از انصار که در خانه ای جمع بودند پس حضرت بر ایشان سلام نموده توقف کردند پس فرمودند چگونه اید شما عرض کردند ما مؤمنیم یا رسول الله (ص) فرمودند آیا برهانی دارید بر گفتار خود عرض کردند بلی فرمود بیاورید برهان خود را عرض نمودند ما خدا را شکر میکنیم در خوشی و صبر میکنیم بر ناخوشی و خوشنودیم به قضاء الهی؛ فرمود شما در این صورت همان مؤمنین میباشید و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده آن مصیبتی را که عطاء کرده شوی بر آن صبر را و بر آن مصیبت ثواب ببری، مصیبت فرض مکن. مصیبت آن مصیبتی است که بواسطه صبر نکردن از ثواب و اجر محروم بماند و نیز از آنحضرت روایت شده که خداوند عالم انعام میفرماید بر قومی پس شکر نمیکنند بر آن؛ پس آن نعمت و بال میشود بر ایشان و مبتلی میسازد قومی را بمصائب پس صبر میکنند پس آن مصائب نعمت میشود برای ایشان و از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده که هیچ جرعه ای نزد خدا محبوب تر از دو جرعه نیست یکی جرعه غیظی که فرو میرد آن را مؤمن و دیگر جرعه مصیبتی که فرو ببرد آنرا مؤمن به صبر.

تنبيه نود و سوم

(در لزوم و اهميت ستر عيوب اموات و احياء)

از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كسيكه غسل دهد ميّتي را و اگر در بدن او عيب و نقصي باشد بپوشاند و كتمان كند از گناهان بيرون آيد مانند روزيكه از مادر متولد شده و نيز از آنحضرت روايت شده كه كسيكه غسل دهد ميّتي را و اداء كند در او امانت را خدا او را بپامرزد؛ عرض شد چگونه اداء نمايد در او امانت را فرمود خبر ندهد بآنچه در او ببيند يعنى از عيب و نقص و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده در خطبه طولاني كسيكه غسل دهد ميّتي را پس اداء كند در او امانت را خواهد بود براى او بهر موئى از بدن آن ميّت آزاد كردن بنده اى و بلند شود براى او صد درجه گفته شد چگونه اداء كند در او امانت را فرمود بپوشاند عورت او را و عيبي اگر در او باشد مستور بدارد و اگر مستور ندارد و فاش كند اجرش از بين خواهد رفت و عيب و نقصى كه در او هست كشف و ظاهر گردد در دنيا و آخرت و از كتاب فقه الرضا عليه السلام نقل شده كه بر تو باد به اداء امانت زيرا كه از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كسيكه غسل دهد ميّتي را كه مؤمن باشد پس اداء كند در او امانت را آمرزيده شود براى او گفتند چطور اداء كند امانت را فرمود خبر ندهد به آنچه ببيند. مؤلف گويد از اين اخبار و آثار استفاده شد كه خبر دادن به آنچه در بدن ميّت باشد از پيسى و خوره و امثال آن از عيوب و نقايص شديداً ممنوع است و در صورتيكه نسبت به ميّت مؤمن مطلب از اين قرار باشد نسبت به مؤمن حى از چه قرار خواهد بود و ايشا از همين اخبار استفاده شد

ممدوح و مطلوب بودن کتمان و ستر عیوب و نقایص اگر در بدن میت باشد و نسبت به
احیاء نیز مطلوب و ممدوح است.

تنبيه نود و چهارم

(در لزوم سرعت در حضور در تشييع جنازه و كندى در وليمه عروسى)

از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده كه چون شما را به عروسيها دعوت كنند كُندى كنيد در رفتن زيرا كه رفتن به عروسى خانه ها شما را توجه ميدهد بدنيا و چون دعوت شديد براى تشييع جنازه سرعت و شتاب كنيد در رفتن چه آنكه تشييع جنازه شما را به ياد آخرت مياندازد و از حضرت على عليه الصلوٰة والسلام روايت شده كه سؤال شدند از مردى كه او را هم به تشييع جنازه دعوت کرده اند هم به وليمه اى آيا کداميك را اجابت كند حضرت فرمود: تشييع جنازه را براى خاطر اينكه حضور جنازه شخص را بيد مرگ مياندازد و حضور وليمه شخص را غافل ميكند از مرگ و از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده كه هرگاه به تشييع جنازه دعوت شديد پس سرعت كنيد در آن چه آنكه جنازه آخرت را به ياد شخص ميآورد و روايت شده كه از حضرت رسول صلی الله عليه وآله سؤال كردند كه مردى را هم به وليمه دعوت کرده اند و هم به تشييع جنازه کداميك افضل است كه اجابت كند آنرا فرمود: جنازه را اجابت كند و وليمه را واگذارد و چه آنكه وليمه شخص را بدنيا متوجه ميسازد و نيز از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده كه چون بعروسيها دعوت شويد كندى كنيد در رفتن بسوى آن و هرگاه بسوى جنازه دعوت شديد سرعت كنيد در رفتن بسوى آن زيرا عروسيها شخص را به ياد دنيا مياندازد و جنازه به ياد آخرت. مؤلف گويد بنا بر اين رفتن به هر مجلس و مكاني كه شخص را بيد مرگ و آخرت بياندازد ممدوح است و رفتن به مكاني كه شخص را از ياد مرگ و آخرت باز بدارد و بدنيا متوجه سازد مذموم.

تنبيه نود و پنجم

(در اهميت صدق نيّت و اينکه خودش ثواب دارد)

از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده که بنده مؤمن فقير ميگويد پروردگارا روزی فرما مرا تا بجا بياورم فلان و فلان عمل خير را پس هرگاه خدا بداند صدق نيّت او را بنويسد برای او اجر و ثواب آنچه را که مینوشت برای او اگر عمل میکرد بدرستیکه خدا واسع و کریم است و نیز از آن حضرت عليه السلام روايت شده کسیکه زبان راستگو داشته باشد عملش زکی و پاکیزه خواهد بود و کسیکه نيّتش خوب باشد خدا زياد بفرمايد در روزی او و کسیکه نیکو باشد رفتارش با اهلش زياد فرمايد خدا عمرش را و نیز از آنحضرت عليه السلام روايت شده کسیکه قصد کند حسنه ای را پس بجا نياورد آنرا نوشته ميشود برای او یک حسنه و اگر بجا آورد نوشته ميشود برای او ده حسنه و مضاعف ميفرمايد خدا برای هر که بخواهد تا هفتصد حسنه و کسیکه قصد کند گناهی را لکن بجا نياورد آن را نوشته نشود براو تا وقتیکه بجا آورد پس اگر بجا نياورد یک حسنه برايش نوشته شود پس اگر بجا آورد تا نه ساعت مهلت داده شود پس اگر تائب و نادم شد فبها والآ یک گناه بر او نوشته شود و از حضرت علی عليه الصلوة والسلام روايت شده که خداوند عالم بکرم و فضل خود داخل ميسازد بنده را در بهشت بواسطه صدق نيّت و حسن سريره و باطنش و از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده که مینويسد خدا برای مؤمن در بيمارش از عمل صالح آنچه را که در صحتش مینوشت و مینويسد برای کافر در مرضش از عمل بد آنچه را که در حال صحتش مینوشت و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده که اهل آتش در آتش مغلّند برای آنکه نيّتشان در دنيا اين

بود که اگر همیشه در دنیا باشند معصیت کنند خدا را و اهل بهشت در بهشت مغلّد
میباشند برای آنکه نیتشان این بود که اگر همیشه در دنیا باشند اطاعت کنند خدا را پس
بواسطه نیت است که اهل جهنم در جهنم و اهل بهشت در بهشت مغلّد خواهند بود.

تنبيه نود و ششم

(در اینکه عبادت کنندگان سه دسته اند)

از حضرت سجاد علیه الصلوة والسلام روایت شده که من کراهت دارم از اینکه خدا را عبادت کنم برای اغراض نفسانی و برای ثواب او پس بوده باشم مانند بنده ای که بواسطه طمع عمل میکند برای آقايش که طمع اگر نمیبود عمل نمیکرد و ایضا کراهت دارم که از خوف عذابش عبادت کنم او را پس بوده باشم مثل بنده بد که اگر ترس نداشته باشد از مولایش عملی انجام نمیدهد. گفته شد پس برای چه عبادت میکنی خدا را؛ فرمود: برای اینکه او را اهل عبادت و پرستش میدانم بواسطه نعمتهائی که بمن ارزانی داشته و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده عبادت کنندگان سه دسته اند یک دسته کسانی هستند که از ترس عبادت میکنند خدا را اینجور عبادت، عبادت عبید و بندگانست و دسته دیگر جماعتی میباشند که بطمع ثواب عبادت میکنند و اینطور عبادت، عبادت اجیرانست و دسته سوم قومی میباشند که بواسطه دوستی خدا عبادت میکنند و این نحو عبادت، عبادت آزادگانست و این جور عبادت افضل است از جورهای دیگر و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مردم سه وجه عبادت میکنند خدای عزوجل را؛ یک طبقه از مردم عبادت میکنند خدا را بواسطه رغبت در ثواب و این نحو عبادت، عبادت حریصان است طبقه دیگر عبادت میکنند خدا را بواسطه ترس از آتش و این عبادت، عبادت بندگان میباشد؛ ولکن من عبادت میکنم خدا را به جهت دوست داشتنم مرخدای عزوجل را و این عبادت، عبادت کریمانست و کسیکه دوست بدارد خدا را، خدا هم او را دوست خواهد داشت و کسیکه خدای تعالی او را دوست بدارد، از جمله آمین خواهد بود و

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که قومی عبادت میکنند خدا را بواسطه رغبت در ثواب، این جور عبادت، عبادت تجارست و جمع دیگر عبادت میکنند خدا را از ترس، این طور عبادت، عبادت عبید است و دسته ای عبادت مینمایند به جهت شکر خدا؛ این نحو عبادت، عبادت احرار و آزاد مردان است.

تنبيه نود و هفتم

(در اهمیت اخلاص در عبادت)

از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خلاصی در اخلاص است و نیز از آن بزرگوار علیه السلام روایت شده خوشا بحال کسیکه خالص کند عبادت را برای خدا و مشغول نکند قلب خود را به آنچه میبیند چشمهایش و فراموش نکند ذکر خدا را بواسطه آنچه میشنود گوشهایش و غمناک نباشد بواسطه آنچه داده شده به دیگری و از خداوند عالم جل و علا روایت شده که اخلاص سّری است از اسرار من که بودیعه میگذارم آنرا در قلب کسیکه دوست میدارم او را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که برای هر حقّی، حقیقتی است و به حقیقت اخلاص نمیرسد بنده تا آنکه دوست نداشته باشد مدح مردم را بر هیچ عمل صالحی که بجا میآورد. از عبدالله بن سنان روایت شده که خدمت حضرت صادق نشسته بودیم که مردی گفت: آیا میترسی که من منافق باشم؛ حضرت فرمود که هرگاه چه شب و چه روز وقتی که در خانه خلوت خود هستی آیا نماز نمیخوانی؛ عرض کرد چرا؛ فرمود: برای که نماز میخوانی؛ گفت: برای خدا؛ فرمود: پس چگونه منافق میباشی و حال آنکه برای خدای عزوجل نماز میخوانی نه برای کس دیگری.

تنبيه نود و هشتم

(در تنبيه شديد درباره رياء و خسارتهای آن)

از امام عليه السلام روايت شده که در اسراييل عابدي بود که عبادتش بعجب درآورده بود حضرت داوود علی نبينا وآله و عليه الصلوة والسلام را؛ پس وحی فرمود خدا بسوی او که بعجب نياورد تو را چیزی از امر او زیرا که او ریاکار است. از کتاب عقاب الاعمال نقل شده که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله سؤال کردند که فردای قیامت نجات در چیست؛ فرمود: در اینکه با خدا خدعه نکنید که خدا هم با شما خدعه خواهد فرمود زیرا کسیکه با خدا خدعه نماید خدا هم با او خدعه نموده ایمان را از او میگیرد و چنین کسی اگر شعور داشته باشد با خودش خدعه نموده عرض کردند خدعه با خدا چگونه است فرمود: باینکه عمل نماید بآنچه خدا امر فرموده و اراده کند بعمل خود غیر خدا را پس بپرهیزد از خدا در رياء چه آنکه رياء شرک به خداست. بدرستیکه ریاکار خوانده خواهد شد در روز قیامت به چهار اسم یا فاجر یا کافر یا غادر یا خاسر عملت حبط شد و اجرت باطل گردید پس امروز خلاصی برای تو نخواهد بود اجرت را از آنکس بگیر که عملت را برای او میکردی و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روايت شده که ملک عمل بنده را بالا میبرد در حالتیکه مبهتج است به آن پس حسنات او را چون بالا میبرد خدای عزوجل میفرماید قرار دهید این اعمال را در سجین چه آنکه مرا اراده نکرده به آن و نیز از آن حضرت عليه وآله الصلوة والسلام روايت شده که امر میشود مردانی را بسوی آتش ببرند تا آنکه میفرماید پس خازن جهنم بایشان بگوید ای بدبختان حال شما چه بوده که یعنی اهل جهنم شدید؛ در جواب خواهند گفت که اعمال ما برای غیر خدا بوده پس بما

گفته شد که پاداش اعمال خود را از کسی بگیرید که برای او عمل نمودید و نیز از آنحضرت (ص) روایت شده که چون بهشت خلق شد گفت من حرام میباشم بر هر بخیل ریا کاری و نیز از آن بزرگوار (ص) روایت شده که آتش و اهل آن داد و فریاد میکنند از ریاء کاران پس به حضرت گفته شد چگونه صدای آتش بلند میشود؛ فرمود از حرارت آن آتشی که ریاء کاران بآن عذاب میشوند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که در اعمال خود نظر نداشته باش به کسیکه نه زنده میکند و نه میمیراند و نه کاری از دست او نسبت به تو برمیآید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی قبول نمیفرماید دعای شخص ریاء کار را و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که خدای تعالی قبول نمیفرماید عملی را که در او مثقال ذره ای از ریاء باشد و از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده که سزاوار است برای شخص عاقل که هر گاه عملی میخواهد انجام دهد حیا کند از اینکه در عمل خود غیر خدا را شریک قرار دهد در صورتیکه نعمتهایی که در دست دارد فقط مال خداست.

تنبيه نود و نهم

(در نشانه های ریاکار)

از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای ریاکار سه علامت و نشانه است. اول آنکه در مرئی و منظر مردم عمل را از روی نشاط و شوق بجا میآورد؛ دوم آنکه در تنهایی از روی کسالت عمل را انجام میدهد؛ سوم آنکه دوست دارد در تمام امورش مردم او را مدح کنند و از جناب لقمان علیه السلام روایت شده که برای ریاکار سه نشانه است. اول آنکه در تنهایی عمل را با کسالت انجام میدهد؛ دوم آنکه در حضور مردم با نشاط بعمل میآورد؛ سوم آنکه هر کاریکه میکند نظر بمدح مردم دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که کسیکه نماز خود را پیش مردم خوب بجا میآورد و در خلوت بد، این جور آدمی استهانت بخدا نموده. از جناب زرارة علیه الرحمة روایت شده که از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام سؤال نمود که شخص عمل خیری بجا میآورد پس کسی میبیند عمل او را پس بواسطه دیدن او خوشحال میشود؛ حضرت فرمود باکی نیست اگر عمل را برای دیدن او انجام نداده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نزدیک بهمین روایت شده.

تنبيه صدم

(در اینکه نگاهداری عمل سخت تر از بجا آوردن آنست)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه عمل خوبی پنهانی انجام دهد، پنهانی نوشته شود؛ چون پیش مردم اظهار کرد محو میشود و عمل آشکارا نوشته میشود و چون دو مرتبه اظهار کرد محو میشود و عمل ریایی نوشته میشود. از زید بن اسلم روایت شده که در بنی اسرائیل عابدی بود که یکوقتی به حقتعالی عرض نمود پروردگارا حال من نزد تو چگونه است؛ آیا خیر است تا بر عبادتم بیفزایم یا بد است تا قبل از مرگ علاج کار خود کنم؛ پس به او فهمانده شد که برای تو نزد خدا خیری نیست؛ عرض کرد پروردگارا پس عبادتهای من کجا رفت؛ گفته شد به او که چون عمل خیری برای من بجا میاوردی به مردم خبر میدادی پس نیست برای تو از آن عبادت مگر آنچه راضی شدی به آن برای خود. کنایه از اینکه جهت خبر دادن تو این بود که مورد توجه مردم واقع شوی اجر تو همان است که برای خود پسندیدی و از جمیل بن دراج روایت شده که از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام سؤال کرد از قول خدای عزوجل فلاتزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی یعنی پس تزکیه نکنید خود را خدا داناتر است بکسیکه متقی و پرهیزگار است؛ حضرت فرمود: گفتن آنست که دیشب نماز خواندم دیروز روزه گرفتم و امثال آن؛ پس حضرت فرمود: قومی بودند که چون صبح میکردند میگفتند دیشب نماز خواندیم و دیروز روزه گرفتیم پس حضرت علی علیه الصلوة والسلام میفرمود ولکن من شب را هم میخوابم، روز را هم میخوابم و اگر بین شب و روز وقتی دیگر پیدا میکردم هر آینه در آن وقت هم میخوابیدم و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که نگاه

داشتن عمل دشوارتر است از بجا آوردن آن گفته شد نگاه داشتن عمل یعنی چه فرمود: شخص صله بجا میآورد یا در راه خدا اتفاق میکند برای خدای لا شریک له آن عمل سرّاً نوشته میشود بعد آن عمل را پیش مردم آشکار میکند پس محو میشود و عمل آشکارا نوشته میشود و دوباره اظهار میکند پس نوشته میشود ریاء. مؤلف گوید که اگر شخص پیش کسی که اظهار میکند امید داشته باشد که او هم یاد گرفته آن عمل را بجا خواهد آورد. اظهار نمودن عیبی ندارد که الدال علی الخیر کفاعله و دیگر آنکه اگر کسی از عمل خیری که شخص بجا آورده سؤال کند برای پنهان داشتن آن عمل نگوید نه که دروغ خواهد بود و دروغ ممنوع است و این هر دو مطلب از فرمایش حضرت باقر علیه الصلوٰة والسلام نیز استفاده میشود.

تنبيه صد و یکم

(در مذمت شهرت به عبادت و تمجید عبادت مخفی)

از حضرت ابی الحسن علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که دعای بنده در پنهانی یک دعا معادلت با هفتاد دعای آشکاری و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که بزرگی ثواب دعا و تسبیح بنده را بین خود و خدا نمیداند مگر خدای تبارک و تعالی و نیز از آن بزرگوار علیه السلام روایت شده که چون روز قیامت شود رضوان خازن بهشت جمعی را ببیند که داخل بهشت شده اند بدون آنکه بر او بگذرند به آنها بگوید شما چه کسانی هستید و از کجا داخل بهشت شده اید در جواب بگویند دست از ما بردار ما جمعی میباشیم که خدا را پنهانی عبادت کرده ایم خدا هم ما را پنهانی داخل بهشت نمود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که افضل عبادات، پنهان ترین آنست از حیث اجر و ثواب و نیز از آنحضرت روایت شده که کفایت میکند بمرد از حیث بلا اینکه بانگشت اشاره شود بسوی او در دین یا دنیا یعنی معروف شود در دین با دنیا و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خداوند عالم دو شهرت را دشمن دارد، شهرت لباس و شهرت نماز و از آن حضرت نیز روایت شده که شهرت خیر آن و شر آن در آتش است و از حضرت رضا علیه الصلوٰة والسلام روایت شده کسیکه مشهور کند خود را به عبادت پس متهم کنید او را بر دینش چه آنکه خدای عزوجل کراهت دارد شهرت عبادت و شهرت لباس را و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اشتها بر عبادت ریه است یعنی شخص را بشک میاندازد.

تنبيه صد و دوم

(در اهميت و عظمت عبادت و عمل)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روايت شده که بهترین مردم آنکس میباشد که عاشق عبادت و با آن دست بگردن باشد و دوست بدارد آنرا به دل و مباشرت نماید با آن بجسد و خود را فارغ سازد برای آن و باک نداشته باشد بر آنچه صبح میکند از دنیا بر سختی یا آسانی کنایه از آنکه دنیا بی علاقه باشد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روايت شده که خدای تبارک و تعالی میفرماید یا عبادی الصدیقین متنعّم شوید در دنیا بعبادت من، پس بدرستیکه شما متنعّم خواهید شد بآن در آخرت و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روايت شده به جناب کمیل قریب بدین میفرماید یا کمیل هیچ وقت دست تو بکلی خالی نیست از نعمتهای خدای عزوجل پس تو هم هیچ وقت دست برمدار از تحمید و تمجید و تسبیح و تقدیس و شکر و ذکر ذات مقدس او بر هر حال که باشی و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روايت شده که بمردی میفرماید عمل کن مانند کسیکه گمان دارد که فردا خواهد مرد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روايت شده که جبرئیل علیه السلام بمن گفت یا محمد دوست بدار آنچه را که میخواهی که آخرش از او جدا خواهی شد و زندگانی کن هر قدر که میخواهی که آخرش خواهی مرد و عمل کن هر چه میخواهی که ملاقات خواهی نمود با او و از حضرت صادق علیه السلام روايت شده که از مردمان پست و بی سر و پا دور شو پس این است و غیر این نیست که شیعه علی علیه الصلوة والسلام آنکسی است که شکم و فرج خود را نگاه دارد و جدّ و جهد او در عبادت شدید باشد و عمل نماید برای خالق خود و امیدوار باشد بشوایب خدا و بترسد از

عقاب او پس چون چنین کسانی را دیدی اینانند شیعه جعفر و از حضرت صادق از آباء بزرگوارش در معنای قول خدای عزوجل ولا تنس نصیبک من الدنیا میفرماید فراموش نکن صحت و قوت و فراغ و جوانی و نشاط خود را که طلب کنی بآن آخرت را و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که بخیثمه میفرماید که بشیعه ما برسان که بآنچه نزد خدا هست نمیتوان رسید مگر بعمل و برسان بشیعه ما که بزرگترین مردم از حیث حسرت در روز قیامت آنکس است که وصف کند عدل را و خود بغیر آن عمل کند و برسان بشیعه ما که ایشان هر گاه بپا بدارند آنچه را که امر بآن شده اند بدرستی که ایشان اند فائزون در روز قیامت.

تنبيه صد و سوم

(در لزوم و اهميت مداومت بر عمل اگر چه اندک باشد)

از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوٰۃ والسلام روایت شده که من دوست دارم که وارد شوم بر پروردگار خود و عمل من مساوی باشد و ایضا روایت شده که میفرمود بدرستیکه من دوست دارم که مداومت کنم برعمل و اگر چه اندک باشد و از حضرت باقرعلیه الصلوٰۃ والسلام روایت شده که چیزی نیست که محبوب تر باشد بسوی خدای عزوجل از عملی که مداومت کرده شود برآن اگر چه کم باشد و از آن حضرت نیز نقل شده که من دوست دارم که مداومت کنم بر عمل هرگاه عادت دادم خود را به آن و اگر از شب فوت شود از من روز قضای آنرا بجا آورم و بدرستیکه دوست ترین اعمال بسوی خدا عملی است که مداومت کرده شود برآن زیرا که اعمال در هر روز پنجشنبه عرضه داشته میشوند و سر هر ماه و اعمال سال در نیمه شعبان عرضه میشود پس اگر عادت دادی خود را برعملی یکسال مداومت کن بر او و در وصیت حضرت علی علیه الصلوٰۃ والسلام است در عبادت خود میانه روی اختیار کن و بر تو باد بعمل دائم که طاقت آنرا داشته باشی و از آنحضرت علیه السلام روایت شده که مداومت کنید مداومت کنید زیرا که خدا برای عمل مؤمنین غایتی و نهایتی قرار نداده غیر از مرگ و از حضرت صادق علیه الصلوٰۃ والسلام روایت شده که افضل اعمال آن عملی است که بنده مداومت کند بر آن و اگر چه قلیل و اندک باشد.

تنبيه صد و چهارم

(در تشويق به عبادت و خارج نشدن از حد تقصير)

از حضرت امير عليه السلام روايت شده كه از براى خداى تعالى بندگانى ميباشند دل شكسته از خشيت او و آن خشيت آنها را از سخن باز داشته است و حال آنكه ايشان فصحا و عقلا هستند؛ ميفرستند بسوى خدا اعمال پاكيزه را و بسيار نميشمرند براى خدا عمل بسيار را و نمى پسندند از خودشان براى خدا عمل قليل خود را و خود را بد ميدانند و حال آنكه مردمان خوب و زيركى ميباشند و از حضرت رسول صلى الله عليه و آله روايت شده كه عبادت كرده نميشود خداى عزوجل بچيزى كه افضل باشد از عقل و مؤمن عاقل نميشود تا آنكه ده خصلت در او جمع شود اول آنكه مردم از او انتظار خوبى داشته باشند؛ دوم آنكه از گزند او در امان باشند؛ سوم آنكه بسيار بشمرد خير كم را از غير خود؛ چهارم آنكه كم بشمرد خير بسيار را از خودش الى آخر و از قطب راوندى عليه الرحمة در كتاب لب لباب نقل شده كه اعرابى از حضرت على عليه الصلوة والسلام از درجات محبين پرسيد. حضرت فرمود: ادنى درجات ايشان كسيست كه كوچك بشمرد طاعت خود را و بزرگ بداند گناه خود را و از حضرت موسى بن الجعفر عليهما الصلوة والسلام نقل شده كه ببعضى از فرزندان خود فرمود: اى پسر ك من بر تو باد به جدّ و جهد در عبادت خدا و البته خود را از حد تقصير در عبادت خداى عزوجل بيرون مدان چونكه خدا عبادت كرده نميشود حق عبادت، از فضل بن يونس از حضرت ابى الحسن عليه الصلوة والسلام روايت شده كه بسيار كن از اينكه بگويى اللهم لا تجعلنى من المعارين ولا تخرجنى من التقصير عرض كرد اما معارون پس معنى آنرا فهميدم اينكه مرد عاريه داده

میشود باو دین بعد خارج میشود از آن معنای لا تخرجنی من التقصیر چیست فرمود هر عملیکه اراده کنی به آن خدای عزوجل را پس بوده باش مقصر پیش خودت زیرا که مردم در اعمالشان بین خود و خدا مقصراند مگر کسیکه خدای عزوجل او را حفظ کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خداوند متعال روایت شده که اتکال و اعتماد نکنند کسانی که عمل میکنند برای من برعملهای خود که برای ثواب من بجا میاورند چه آنکه اگر جدّ و جهد کنند و خود را در تمام عمرشان بتعب بیاندازند در عبادت من باز هم مقصرند و به کینه عبادت نمیرسند در آنچه طلب میکنند از کرامت من و نعمتهای بهشت من و درجات عالیّه در جوار من و لکن برحمت من وثوق داشته باشند و بفضل من امیدوار باشند و بسوی حسن ظن بمن مطمئن باشند الحدیث.

تنبيه صد و چهارم

(مكرر)

(در خطر عجب بنفس و بيان منجيات و مهلكات)

از حضرت رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که حضرت موسی علیه السلام به ابلیس فرمود خبر ده مرا به آن گناهی که هرگاه فرزند آدم مرتکب آن گناه بشود تو بر او مسلط خواهی شد گفت هرگاه به نفس خود عجب کند یعنی خودش در نظرش جلوه داشته باشد و عمل خیر خود را بسیار بشمارد و گنااهش در نظرش حقیر و کوچک بیاید و نیز از آن حضرت روایت شده که خدای عزوجل به جناب داود علیه السلام فرمود یا داود بشارت ده گناهکاران را و بترسان صدیقین را عرض نمود چگونه گناهکاران را بشارت ده و صدیقین را بترسانم فرمود یا داود بشارت ده گناهکاران را که من توبه را قبول میکنم و از گناه عفو مینمایم و صدیقین را بترسان که به اعمال خود عجب نکنند زیرا که هیچ بنده ای نیست که نصب کنم او را برای حساب مگر آنکه هلاک میشود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که عالمی نزد عابدی آمده فرمود نمازت چگونه است، عابد گفت از مثل من سؤال میشود از نمازش و حال آنکه من مدت ها می باشد که خدا را عبادت میکنم عالم فرمود گریهات چطور است عابد گفت بقدری گریه میکنم که اشک چشمم جاری میشود پس عالم باو فرمود اگر خنده میکردی و خائف میبودی بهتر بود از اینکه گریه کنی و بخود ببالی و بنازی چه آنکه مُدَلِّ هیچ عملی از او بالا نمی رود و از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام روایت شده که دو نفر داخل مسجد شدند یکی عابد و دیگری فاسق؛ موقع بیرون آمدن از مسجد، فاسق، صدیق بود و عابد، فاسق و جهتش این بود که عابد چون داخل مسجد شد مدل بعبادتش بود و ناز

میکرد عبادت خود و فکرش همین بود ولی مرد فاسق وارد مسجد شد در حالتیکه نادم بود از گناهش و از خدای عزوجل درخواست مغفرت و آمرزش مینمود از گناهانش و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که اگر گناه برای مؤمن بهتر از عجب نمیبود، هر آینه او را بخود و انمیگذاشت که مرتکب گناهی شود و از آنحضرت نیز روایت شده که سه چیز است که نجات دهنده است خوف از خدا در پنهانی و آشکارا و عدالت در حال رضا و غضب و میانه روی در حال غنی و فقر و سه چیز است که هلاک کننده است هوایی که شخص از او متابعت کند و بخلی که از او اطاعت کرده شود و عجب کردن بنفس خود و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که گناهیکه تو را ناراحت کند بهتر است نزد خدا از حسنه ای که تو را بعجب مبتلا کند و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه چیز نجات دهنده است و سه چیز هلاک کننده اما آن سه چیز نجات دهنده تقوی و پرهیزکاری است در نهان و آشکارا و گفتن حق در حال غضب و رضا و دادن حق از نفس خود و اما آن سه چیز هلاک کننده است شُح و بخلی که اطاعت کرده شود و هوایی که متابعت کرده شود و عجب شخص بنفس خود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه عجب کند بنفس خود هلاک میشود و کسیکه عجب نماید برآی خود هلاک میشود و بدرستیکه عیسی بن مریم علیهما الصلوة والسلام میفرماید مریضها را مداوا نمودم پس شفا دادم آنها را به اذن خدا اکمه و ابرص را خوب کردم به اذن خدا و مردگان را معالجه کردم پس زنده نمودم آنها را به اذن خدا و احمق را هر چند معالجه نمودم نتوانستم او را اصلاح کنم عرض شد یا روح الله احمق کیست؟ فرمود احمق آنکس است که معجب برآی و نفس خود باشد تمام فضل را برای خود ببیند نه بر خود و تمام حق را برای خود واجب بداند و هیچ حقی را بر خود لازم نداند

این است آن احمقی که علاج او بهیچ نحو ممکن نیست و از حضرت عیسی علی نبینا و آله
علیه الصلوة والسلام روایت شده که فرمود یا معشرالحواریین چه بسیار چراغی که باد آنرا
خاموش میکند و چه بسیار عابدی که عجب او را فاسد میکند و از حضرت صادق
علیه الصلوة والسلام روایت شده عَجَب کل عجب از آنکسی است که بعمل خود عَجَب
میکند و حال آنکه نمیداند عاقبت امر خود را یعنی بخیر خواهد بود یا خدای نخواستہ بشر.

تنبيه صد و پنجم

(در وصف مؤمن از سرور نزد حسنه و ناراحتی از گناه)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که حق تعالی بجناب عیسی علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام میفرماید یا عیسی فرحناک و خوشحال شو بحسنة زیرا که حسنة برای من رضا است و گریه کن بر گناه چه آنکه گناه برای من سَخَط است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که کسیکه مسرور کند او را حسنة اش و بد حال کند او را سیئات و گناهانش پس این شخص مؤمن است حقا و از حضرت رسول یا حضرت علی علیهما السلام روایت شده کسیکه خوشحال کند او را حسنة اش و بد حال نماید سیئه اش پس او مؤمن است و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله سؤال شد از اخیار و خوبان بندگان پس حضرت فرمود آن کسانی میباشند که چون حسنة ای بجا آورند فرحناک شوند و چون گناهی مرتکب شوند از خدای تعالی طلب مغفرت و درخواست آمرزش کنند و هرگاه عطا کرده شوند شکر کنند و هرگاه مبتلا شوند صبر کنند و چون غضب کنند بگذرند و عفو کنند از آنکسی که غضب کرده اند بر او.

تنبیه صد و ششم

(در لزوم مدارا در عبادت مستحبی)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که من در جوانی جدّ و جهد میکردم در عبادت پس پدرم بمن فرمود یا بُنّی عبادت خود را کمتر کن چه آنکه خدای عزوجل هرگاه بنده ای را دوست بدارد بعبادت کم هم از او راضی میشود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تعالی هرگاه دوست بدارد بنده ای را پس آن بنده عمل کمی بجا آورد خدا به آن عمل اندک جزای بسیار میدهد و بزرگ نماید برخدا که برای عمل قلیل جزای کثیر مرحمت فرماید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که این دین متین است پس برفق و مدارا در آن فرو روید و مکروه مگردانید عبادت خدا را بسوی بندگانش یعنی بندگان خدا را باندازه ای وادار بعبادت خدا نکنید که ناگوارشان باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که یا علی بدرستیکه این دین متین است در او فرو رو برفق و مدارا و عبادت پروردگار خود را مبعوض مگردان بسوی نفست تا آنکه میفرماید پس عمل کن عمل کسیکه امید دارد که در پیری خواهد مرد و بر حذر باش مانند کسیکه میترسد از اینکه فردا بمیرد و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که نامه ای نوشتند بجناب حرث همدانی و در آن نامه توصیه نموده بودند باینکه در عبادت با نفس خود خدعه کن و با نفس خود در مقام عبادت مدارا کن و نفس خود را مقهور و مجبور مکن بر عبادت بلکه هر وقت برای نفس خود نشاط و میلی دیدی بر عبادت در آن هنگام اقدام بر عبادت بنما مگر آنچه نوشته شده بر تو از فریضه و واجب که چاره ای نیست از بجا آوردن آن و نیز از آن حضرت روایت شده که

بجناب کَمیل علیه الرحمة میفرماید یا کَمیل در هیچ فرض و واجبی رخصتی نیست و در هیچ نافله ای شدتی نیست.

تنبيه صد و هفتم

(در لزوم تعجيل در کار نيك و تأخير از کار بد)

از حضرت امام حسن عليه الصلوة والسلام روايت شده که برای دنيای خود عمل کن مثل اینکه همیشه زنده خواهی بود و برای آخرت کانه فردا خواهی مرد و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده که هرگاه همت کردی بکار خير به تأخير ميانداز آن را چه آنکه خدای تبارک و تعالی بسا ميشود که مطلع شود بر بنده خود و او بر چیزی از طاعتش باشد پس بفرماید قسم بعزت و جلال خودم که عذاب نخواهم کرد او را بعد از اين طاعت هرگز و چون همت گماشتی بر معصيتی پس بجا نياور آنرا زیرا که خدای تبارک و تعالی بسا هست که مطلع ميشود بر بنده در حالتيکه او در معصيت خدا است پس ميفرماید قسم بعزت و جلال خودم که هرگز نخواهم آمرزيد تو را و از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده که هرگاه قصد کار خيري نمودی پس مبادرت کن درانجام دادن آن زیرا نمیدانی چه حادث خواهد شد کنایه از اینکه شاید مانعی پیدا شود و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده بگشائید روز خود را بخیر و املاء کنید بر ملائکه حفظه در اول روز خير و در آخر آن خير تا آنکه آمرزیده شود برای شما آنچه در بين واقع ميشود از خطا و لغزش انشاءالله و از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده که خدا از عمل خير دوست دارد آنچه را که زود انجام داده شود و از آنحضرت روايت شده کسیکه بخواهد عمل خيري انجام دهد پس بايد عجله کند در بجا آوردن و به تأخير نياندازد آن را چه آنکه بسا هست که بنده عمل خيري بجا ميآورد پس خدای تبارک و تعالی ميفرماید بتحقيق که آمرزيدم برای تو و نخواهم نوشت بر تو چیزی هرگز و کسیکه

قصد گناهی کند پس بجا نیاورد آن را زیرا که بسا میشود که بنده گناه میکند پس میبیند پروردگار او را در آن گناه پس میفرماید قسم بعزت و جلال خودم که بعد از این گناه هرگز نخواهم آمرزید تو را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هر گاه قصد کند یکی از شما عمل خیری یا صله ای را پس بدرستیکه از طرف راست و چپ او دو شیطانست پس مبادرت کند در انجام دادن آن که آن دو شیطان باز ندارند او را از آن عمل و صله و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هر گاه کسی قصد کند چیزی از خیر را پس تعجیل کند در انجام آن زیرا هر عمل خیری که در آن تأخیر باشد از برای شیطان در آن نظره‌ای است.

تنبيه صد و هشتم

(درمهم بودن کار نیک برای خدا و روایت مخفی بودن چهار چیز)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که قلیل و اندک مشمار آنچه را که تقرب جسته میشود به آن بسوی خدای عزوجل ولو بنصف خرمائی باشد و از محمد بن مارد روایت شده که بحضرت صادق علیه الصلوة والسلام عرض میکند برای ما روایت شده که شما فرموده‌اید هرگاه معرفت پیدا کردی هر کار که میخواهی بکن، حضرت فرمود: بلی گفته‌ام، عرض میکند اگرچه زنا کند یا دزدی کند یا شراب بیاشامد، حضرت فرمود: اَنَا لله و اَنَا اليه راجعون، والله انصاف نداده‌اند ما را یعنی کسانی که گفتار ما را اینجور معنی میکنند چگونه ممکن است خودمان عمل کنیم بدستورهای خداوند عالم و از آنها عمل برداشته شود. مقصود من این بود که چون دارای معرفت شدی پس بجا بیاور آنچه میخواهی از خیر کم یا زیاد که از تو قبول خواهد شد و از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده که صدقه ده و اگرچه آنچه میدهی اندک باشد چه آنکه هر عمل خیری که برای خدا باشد و از روی صدق نیت باشد، عظیم و بزرگ است ولو کم باشد زیرا که خدای تعالی میفرماید پس کسیکه عمل کند مثقال ذره خیر را میبیند آنرا و همچنین که کسی که عمل کند مثقال ذره شر میبیند آنرا و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که از کسالت و تنبلی یعنی در عبادت و انجام دادن کارهای خیر پرهیز کنید، چه آنکه پروردگار شما رحیم است شکر میکند عمل قلیل را بدرستیکه شخص دو رکعت نماز مستحب خالصاً لوجه الله بجا می‌آورد پس خدا بواسطه همان دو رکعت نماز او را داخل بهشت میکند یا یک درهم تصدق میدهد برای خدا پس خدا او را بجهت همان یک درهم ببهشت میبرد یا یک روز، روزه میگیرد روزه مستحب برای خدا، خداوند عالم

بسبب همان یک روز روزه او را وارد بهشت میکند. و از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز مخفی و پنهان قرار داده؛ اول رضا و خشنودی خود را در طاعتش پس البته کوچک شمار چیزی از طاعتش را پس چه بسا که همان طاعت موافق میشود با رضای او و تو نمیدانی و پنهان گردانیده سخط خود را در معصیتش پس چیزی از معصیت را اندک مگیر که بسا میشود همان معصیت موافق میافتد با سخط او و تو نمیدانی و مخفی نموده اجابت خود را در دعاها پس حقیر مدان چیزی از دعاء را که ممکن است همان دعاء با اجابت مقرون شود و دوست خود را در میان بندگان خود مخفی قرار داده پس هیچ بنده‌ای از بندگان خدا را بچشم حقارت منگر که بسا میشود که همان بنده ولی خداست و تو نمیدانی.

تنبيه صد و نهم

(در خوبی با طهارت بودن)

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که وضو بعد از وضو ده حسنه است پس وضو بگیرد ولو وضو داشته باشید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه تازه کند وضو را تازه میفرماید خدا برای او آمرزش را و از حضرت رسول و علی علیهما الصلوة والسلام روایت شده که تازه میکردند وضو برای هر نمازی برای درک فضیلت و از جناب سماعه رحمه الله روایت شده که خدمت ابی الحسن علیه السلام بودم که نماز ظهر و عصر را خواندند و بودم نزد آنحضرت تا اینکه مغرب شد حضرت آب وضو خواستند و برای نماز وضو گرفتند پس بمن فرمودند تو هم وضو بگیر عرض کردم من وضو دارم فرمود اگر چه وضو داشته باشی چه آنکه کسیکه وضو بگیرد برای مغرب آن وضو كفاره خواهد بود برای گناهان روزش مگر گناهان کبیره و کسیکه برای صبح وضو بگیرد آن وضو كفاره است برای شب اش سوای کبائر و از کتاب فقیه نقل شده در حدیث دیگر وارد شده که وضو بعد از وضو نور است بالای نور و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه تازه کند وضو را بدون آنکه حدیثی از او صادر شده باشد خدا نیز تجدید میفرماید توبه او را بدون اینکه استغفار کند.

تنبيه صد و دهم

(در اهميت وضو گرفتن قبل از خواب)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه با وضو بخوابد فراش او برایش مسجد و نومش نماز خواهد بود تا به صبح و کسیکه بی وضو بخوابد فراشش قبر و خودش مانند مردار خواهد بود تا به صبح و نیز از آن حضرت روایت شده کسیکه با وضو بخوابد اگر در آن شب مرگ او را دریابد شهید مرده است و نیز از آن حضرت روایت شده کسیکه بیتوته کند با وضو پس گویا شب را احیاء داشته و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه وضو بگیرد و وارد رخت خوابش شود فراشش مانند مسجدش خواهد بود و از انس بن مالک روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود یا انس بسیار کن از دو طهارت تا خدا عمرت را زیاد کند و اگر بتوانی شب و روز با طهارت باشی پس باش چه آنکه هر گاه با طهارت بمیری شهید مرده ای و نیز روایت شده که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله از کمی روزی شکایت نمود حضرت فرمود که وضوی خود را ادامه بده تا آنکه روزی بر تو ادامه پیدا کند پس آن مرد چنین کرد و روزیش وسیع گردید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی میفرماید کسیکه محدث شود و وضو نگیرد پس نسبت بمن جفا نموده و کسیکه محدث شود پس وضو بگیرد و دو رکعت نماز نخواند پس در حق من جفا نموده و کسیکه محدث شود پس وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و دعا کند و من اجابت نکنم در آنچه از من سؤال نموده در امر دین و دنیای او پس بتحقیقکه من جفا کرده ام نسبت به او و نیستم من پروردگار جفا کننده.

تنبيه صد و یازدهم

(در اینکه بسم الله مفتاح وضو و مفتاح هر کاری است)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه وضو بگیرد و اسم خدا ببرد طاهر میشود تمام بدنش یعنی از گناه و کسیکه نام خدا را نبرد طاهر میشود از بدنش آنچه آب به آن رسیده یعنی فقط اعضای وضوئش و از آنحضرت (ع) نیز روایت شده که مردی وضو گرفت و نماز خواند حضرت رسول صلی الله علیه و آله به او فرمود اعاده کن وضو و نمازت را؛ آنمرد وضو گرفته نماز خواند باز حضرت فرمود: وضو و نمازت را اعاده کن اعاده کرد باز حضرت فرمود: وضو و نماز خودت را اعاده کن پس آنمرد خدمت حضرت امیر علیه الصلوة والسلام آمده از این مطلب شکایت نمود. حضرت فرمود: هنگام وضو گرفتن بسم الله گفتی عرض کرد نه حضرت فرمود وقتی میخواهی وضو بگیری بسم الله بگو پس بسم الله گفته وضو گرفت و نماز خواند پس حضرت رسول (ص) آمدند و امر به اعاده نفرمود. از جناب محمد بن علی بن حسین علیهم الرحمة نقل شده که میفرماید: و روایت شده کسیکه وضو بگیرد و نام خدا را ببرد تمام بدنش پاک شود و خواهد بود وضوی او تا وضوی دیگر کفاره برای آنچه در بین واقع شده از گناهان و کسیکه نام خدا را نبرد طاهر نمیشود از جسدش مگر آنچه آب وضو به آن رسیده و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر گاه یکی از شما وضو بگیرد و نام خدا را نبرد، شیطان در وضوی او شریک میشود و اگر بخورد و بیاشامد یا لباس بپوشد و هر کاری که میکند سزاوار است که نام خدا را بر آن کار ببرد؛ پس اگر نبرد شیطان در آن کار شرکت خواهد کرد و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که کسیکه بعد از وضو آیه

الکرسی را بخواند یکمرتبه عطاء میفرماید به او خدای تعالی ثواب چهل سال و بلند میفرماید برای او چهل درجه و تزویج میفرماید به او چهل حوریه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه پیش از وضو هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله عطاء کرده میشود در بهشت ده برابر دنیا و از حضرت امیر صلوات الله و سلامه علیه روایت شده که خدا میفرماید ای کسانی که محتاج و مفتقر میباشید بسوی رحمت من تا آنکه میفرماید پس بگوئید در نزد شروع به هر کاری کوچک باشد آن کار یا بزرگ بسم الله الرحمن الرحیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که بسم الله مفتاح وضو و مفتاح هر کاری است.

تنبیه صد و دوازدهم

(در خوب و کامل بجا آوردن وضوء و کفاره بودن آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بحضرت علی علیه الصلوة والسلام میفرماید یا علی سه چیز است که موجب رفع درجات میشود تمام و کامل بجا آوردن وضوء در هوای سرد و انتظار نماز بعد از نماز و رفتن بسوی جماعتها در شب و روز و نیز از آنحضرت علیه الصلوة وآله الصلوة والسلام روایت شده که آیا دلالت نکنم شما را بر چیزی که خدا کفاره بفرماید بواسطه آن خطاها را و زیاد بفرماید در حسنات عرض شد چرا یا رسول الله فرمود کامل و تمام بجا آوردن وضوء در موقعیکه بواسطه سردی هوا ونحو آن زحمت داشته باشد و بسیار رفتن بسوی این مساجد و انتظار نماز بعد از نماز و نیز از آن حضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که به انس بن مالک میفرماید وضوء را تمام و کامل بجا بیاور تا آنکه مانند سحاب و ابر بر صراط بگذری و افشاء کن سلام را تا آنکه بسیار شود خیر خانهات و صدقه بسیار بده چه آنکه صدقه خاموش میکند غضب پروردگار را و نیز از آن حضرت روایت شده کسیکه وضوء بگیرد و نیکو بجا بیاورد وضوءی خود را موجب میشود رضا و خوشنودی بزرگ خدا را و از حسن بصری روایت شده که چون امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ببصره تشریف آورد گذارش بمن افتاد در حالتیکه مشغول وضوء بودم پس فرمود ای غلام، نیکو کن وضوءی خود را تا آنکه خدا هم احسان بفرماید بتو آنگاه از من گذشت و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که وضوء کفاره است برای ماقبلش و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب فقه

القرآن نقل شده که در خبر وارد شده کسیکه وضو بگیرد و نیکو بجا آورد آنرا خارج
میشود از گناهانش مانند روزیکه از مادر متولد شده.

تنبيه صد و سيزدهم

(در کتمان بیماری و مصیبت و نحو آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چهار چیز است که از گنجهای بهشت است کتمان حاجت و کتمان صدقه و کتمان مرض و کتمان مصیبت و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات نقل شده که میفرماید: و وحی فرمود خدا بسوی عزیر علیه السلام یا عزیر هرگاه واقع شدی در گناهی پس نظر مکن به کوچکی آن ولکن نظر کن بکسیکه معصیت او را کرده‌ای و هرگاه رزقی از طرف من بتو رسید نگاه بکمی آن مکن، لکن نظر کن بکسی که روزی تو را میدهد و چون بلیه‌ای بتو برسد شکایت آنرا بسوی خلق من مکن همچنانیکه من شکایت نمیکنم بسوی ملائکه خود هنگامیکه بالا میاید مساوی و فضايح تو و از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که عالم علیه السلام فرموده تب یکرور کفاره است برای شصت سال هرگاه قبول کند آنرا بقبول حسن عرض شد قبول آن چیست فرمود اینکه حمد کند خدا را و شکر کند او را و شکایت کند بسوی خود او و شکایت نکند از او و هرگاه احوالش را بپرسند بگوید حالم خوبست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه یک شبانه روز مریض باشد و شکایت نکند نزد کسانیکه بعبادتش می آیند مبعوث خواهد گردانید او را خدا در قیامت با خلیلش، ابراهیم خلیل الرحمن تا اینکه مانند برق خاطف از صراط بگذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که خدای عزوجل میفرماید هرگاه توجه دهم بسوی بنده‌ای از بندگان خود مصیبتی را در بدنش یا مالش یا فرزندش، پس استقبال کند آن ناراحتی را بصبر جمیل و نیکو در روز قیامت از او حیاء خواهم که میزانی

برای او نصب کنم یا دیوان و نامه عملی برای او باز کنم و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که بیدار خوابی یک شب بواسطه مرض افضل است از عبادت یکسال و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده برای بنده در نزد خدا درجه‌ای است که بعملش به آن درجه نرسد پس خدا مبتلا میسازد او را در جسدش یا بمال یا بفرزندش صدمه‌ای وارد میشود پس اگر صبر کند به آن درجه خواهد رسید.

تنبيه صد و چهاردهم

(در اهمیت یاد مرگ و مهیا بودن برای آن)

از ابی عبیده حزاء رحمه الله روایت شده که بحضرت باقر علیه الصلوة والسلام گفتم حدیث بفرما مرا بآنچه بهره‌مند شوم به آن حضرت فرمود یا ابا عبیده بسیار یاد مرگ کن چه هیچ انسانی بسیار یاد مرگ نمیکند مگر آنکه زاهد میشود در دنیا و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه بسیار یاد مرگ کند خدا او را دوست خواهد داشت. از کتاب عیون و مجالس از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مردی را دیدند که بسیار جزع میکرد بر فوت فرزندش به او فرمود یا هذا بعتی ای مرد جزع میکنی برای مصیبت کوچک و از مصیبت بزرگ غافلای اگر برای آن سفری که فرزندت رفته مستعد و مهیا میبودی هر آینه اینقدر بر فرزندت جزع نمیکردی پس مصیبت خودت بواسطه ترک استعداد بزرگتر است از مصیبت فرزندت. از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده در مقام خطاب بابی بصیر آیا محزون نمیشوی آیا مهموم نمیشوی آیا متألم نمیشوی عرض میکند چرا بخدا قسم حضرت میفرماید پس چون اینجور شد پس یاد کن مرگ و وحدت و تنهایی خود را در قبر و سیلان چشمانت بر صورتت و جدا شدن پیوندهایت از هم و خوردن حشرات زمین گوشتت را و جدا شدنت از دنیا پس بدرستی که بیاد این پیش آمدها بودن وادار میکند تو را بر عمل و باز میدارد از حرص زیاد بر دنیا و از جناب ابی ذر رحمه الله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که یا اباذر هرگاه دیدی برادر خود را زاهد در دنیا پس بشنو آنچه میگوید زیرا که بواسطه زهدش حکمت بسوی او القاء میشود عرض میکند یا رسول الله

(ص) زاهدترین مردم کیست میفرماید کسیکه فراموش نکند مقابر و گرفتاری در آنرا و ترک کند آنچه را که فانی شدنی است برای بدست آوردن آنچه باقی است و فردا را از ایام عمرش نمیشمرد و خود را در عداد مردگان بشمار میآورد عرض میکند یا رسول الله (ص) کدامیک از مؤمنین زیرکتر است میفرماید آنکس که یاد مرگ بیشتر کند و بهتر خود را مهیا کند برای آن و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام در نامه‌ای که بجناب محمد بن ابی بکر علیه الرحمة و اهل مصر نوشته بودند بسیار یاد مرگ کنید هنگامیکه نفس شما برای نیل بشهوات و میل‌های خود با شما در مقام نزاع و جنگ بر میآید و خود مرگ کفایت میکند برای واعظ بودن و رسول خدا صلی الله علیه وآله در مقام وصیت و سفارش باصحاب خود میفرمود بسیار یاد مرگ کنید چه آنکه مرگ‌ها دم و خراب کننده لذات است و حائل بین شما و بین شهواتست و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام در وصیت و سفارش بفرزند خود جناب امام حسن علیه السلام که ای پسرک من بسیار یاد مرگ کن و آنچه وارد میشوی برآن و منتهی میشوی بعد از مرگ بسوی آن و قرار ده مرگ را جلوی رویت جایی که ببینی آنرا تا هنگامیکه بیاید تو را در حالتیکه در امور طریق احتیاط را پیموده باشی و کمر خود را ببند برای مرگ و نیابد مرگ تو را ناگهانی پس تو را متحیر و سرگردان نماید و نیز از آنحضرت روایت شده که زنده کن دل خود را بموعظه و ایمن گردان او را بزهد و قوی کن آن را بیقین و نورانی نما آنرا بنور حکمت و ذلیل و خار گردان آن را به یاد مرگ و نیز از آن بزرگوار روایت شده کسیکه بسیار بیاد مرگ باشد راضی و خوشنود میگردد از دنیا به کم و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بهترین زهد در دنیا یاد مرگ است و بهترین عبادت و تفکر به یاد مرگ بودنست و نیز از آنحضرت روایت شده که بسیار یاد کنید هادم الذات را عرض کردند

چیست هادم الذات؛ فرمود: مرگ پس بدرستیکه زرنگ‌ترین مؤمنین آنکس است که بیشتر به یاد مرگ باشد و جدی‌تر باشد در مهیا شدن برای آن و روایت شده که از حضرت امیر علیه السلام سؤال نمودند که مهیا شدن برای مرگ به چیست؛ فرمود: به ادای فرائض و واجبات و اجتناب و دوری از محرمات و دارا شدن اخلاق کریمه بعد این جور شخص باک ندارد که او واقع شود بر مرگ یا مرگ بر او قسم بخدا که پسرابی طالب باک ندارد که او بر مرگ واقع شود یا مرگ بر او.

تنبيه صد و پانزدهم

(در مذمت آرزوهای دراز و پیروی هوی)

از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه آرزو داشته باشد که فردا را زنده باشد پس بدرستیکه آرزو دارد همیشه زنده باشد؛ یعنی کسیکه میل داشته باشد فردا را زنده باشد لابد میل دارد همیشه زنده باشد و کسیکه آرزو داشته باشد همیشه زنده باشد قسی میشود قلب او و راغب میشود در دنیا و نسبت به آنچه پروردگارش وعده داده زاهد خواهد شد و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که میترسم بر شما از دو خصلت؛ یکی پیروی از هوای نفس و دیگر طول امل و آرزو اما اتباع هوی پس باز میدارد از حق و اما طول امل و آرزو پس آخرت را از یاد میبرد و نیز از آنحضرت روایت شده که این است و جز این نیست که هلاک نمود مردم را دو خصلت، این دو خصلت هلاک کردند کسانی را که پیش از شما بودند و همین دو خصلت، هلاک خواهد کرد کسانی را که بعد از شما بیایند؛ این دو خصلت عبارتست از آرزویی که آخرت را از یاد ببرد و هوایی است که گمراه کند از راه حق و نیز از آنحضرت روایت شده کسیکه یقین بداند از دوستان جدا خواهد شد و در میان خاک سکنی خواهد گرفت و با حساب روبرو خواهد شد و از آنچه بجا بگذارد بی نیاز میشود و محتاج میشود به آنچه پیش فرستاده سزاوار خواهد بود به کوتاه کردن امل و آرزو و طولانی نمودن عمل و نیز از آن بزرگوار علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ بنده ای طولانی نمیکند آرزو را مگر آنکه بد میکند عمل را و نیز میفرماید اگر بنده ببیند اجل خود را که چگونه بسرعت بطرف او میآید هر آینه با امل دشمن خواهد شد و همچنین با طلب دنیا.

تنبيه صد و شانزدهم

(در احسان و صدقه و طلب آمرزش برای اموات)

از عمر بن یزید روایت شده که بحضرت صادق علیه الصلوة والسلام عرض میکند آیا از جانب میت نماز بخوانیم؛ میفرماید: بلی حتی اینکه بسا هست که میت در مضیقه میباشد؛ پس خدا بواسطه همان نماز آن میت را در سعه قرار میدهد و به آن میت گفته میشود که این ضیق بواسطه نماز فلان برادرت از تو برطرف شد. عرض کرد آیا میشود دو نفر را شریک قرار داد در دو رکعت نماز؛ حضرت میفرماید: بلی و نیز میفرماید بدرستی که میت هرآینه خوشحال میشود بطلب رحمت کردن برای او و طلب آمرزش همچنانیکه شخص زنده، خوشنود میشود بهدیه که برای او فرستاده شود و نیز میفرماید داخل میشود بر میت در قبرش نماز و روزه و حج و صدقه و نیکی و دعاء و نوشته میشود اجر آن برای کسی که بجا آورده این اعمال را و برای میت و نیز میفرماید کسی که عمل کند از مسلمانها از طرف میت عمل صالحی را مضاعف میکند خدا برای انجام دهنده اجرش را و نفع میدهد به آن عمل میت را نیز و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هیچ هدیه و تحفه ای فرستاده نمیشود برای میت که بهتر باشد از استغفار و طلب آمرزش نمودن برای او و نیز از آن حضرت روایت شده که نمیآید بر میت ساعتی که سخت تر باشد از شب اول پس رحم کنید بر اموات بصدقه و نیز از آنحضرت روایت شده که هدیه بفرستید برای اموات خود صدقه و دعاء را و نیز روایت شده که مردی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال نمود که آیا بعد از فوت پدر و مادر چیزی از بر و نیکی به آنها باقی میماند؛ فرمود: بلی نماز از طرف آنها و استغفار برای آنها و وفای بعهده آنها و گرمی داشتن

صدیق آنها و صله رحم آنها و نیز روایت شده که جبرئیل علیه السلام بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله نازل شد با پنج بشارت؛ اول آن بشارتها این بود که خدا میفرماید کسی که امیدوار باشد به من او را خائب و خاسر نمیگردانم و دفع میکنم عذاب را از مردگان بواسطه‌ی دعای احیاء.

تنبيه صد و هفدهم

(در اهمیت حسن ظن بخداوند عالم هنگام موت)

از جناب ابن عباس رحمه الله تعالى روایت شده که هر گاه یکی از شما را مرگ در رسید، پس او را بشارت دهید تا پروردگار خود را با حسن ظن ملاقات کند و در حال صحت بترسانید او را و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده نمیرد البته یکی از شما مگر اینکه گمانش بخدا نیک باشد. از انس بن مالک روایت شده که مردی از انصار مریض شد پس حضرت رسول صلی علیه و آله بعیادتش رفتند، پس فرمودند: چگونه میایی خود را، عرض نمود میابم خو را که امیدوارم برحمت پروردگارم و ترسانم از گناهانم؛ پس حضرت فرمود: این دو جمع نمیشوند در این حال در قلب بنده ای مگر آنکه خدا عطا فرماید امید او را و ایمن گرداند او را از خوفش و نیز از انس بن مالک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که البته نمیرد یکی از شما تا آنکه نیکو کند گمان خود را بخدای عزوجل پس بدرستی که حسن ظن بخدا ثمن و بهای بهشت است.

تنبيه صد و هجدهم

(در تلقین مردگان و تلقین ملک الموت شهادتین را)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ کس نیست که مرگ بیاید او را مگر اینکه ابلیس موکل گرداند از شیاطین خود کسی را که امر کند او را به کفر و به شک بیاندازد او را در دین تا آنکه نفسش خارج شود پس کسیکه مؤمن باشد، شیطان قدرت پیدا نخواهد کرد بر او و از آنحضرت روایت شده که ملک الموت علیه السلام در شبانه روزی پنج مرتبه در اوقات نمازها از مردم خبر میگیرد پس اگر از کسانی باشد که مواظبت کند بر نمازها، در وقتش تلقین میکند به او شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وآله را و دور میکند از او ابلیس را و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله زیرا این کلمه طیبه منهدم میسازد گناهان را عرض کردند پس کسیکه بگوید آن را در حال صحت چگونه خواهد بود حضرت فرمود گفتن در حال صحت خراب کننده تر خواهد بود بدرستی که لا اله الا الله انس است برای مؤمن در حیوتش و در نزد موتش و در وقت از قبر بیرون آمدنش و نیز از آنحضرت صلی الله علیه وآله از جناب جبرئیل علیه السلام روایت شده که عرض میکند یا محمد (ص) اگر ببینی مردم را هنگامیکه برانگیخته میشوند بعضی با صورت سفید و نورانی در حالتیکه صدایش به لا اله الا الله و الله اکبر بلند است و بعضی با صورت سیاه و ظلمانی و صدایش به یاویلاه یاثبوراه بلند است و نیز از آنحضرت روایت شده که مردگان خود را تلقین کنید لا اله الا الله را پس اینکه این کلمه انس است برای مؤمن هنگام مردن و در قبرش و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام

روایت شده که دوست علی علیه الصلوة والسلام در سه جا آنحضرت را میبیند؛ در نزد موت و در نزد صراط و در نزد حوض و ملک الموت دفع میکند شیطان را بواسطه محافظت بر نماز و تلقین میکند او را شهادت باینکه نیست خدایی جز خدا تع و اینکه محمد صلی الله علیه وآله فرستاده ی خدا است تع در آن حالت عظیمه و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که یا سلمان چون آخرین روز از روزهای دنیا فرا رسد خدا تع تلقین بفرماید بتو گفتن باینکه نیست خدائی بجز خدا تع و اینکه محمد صلی الله علیه وآله رسول خدا است پس اگر گفتی آنها تو مرا ملاقات خواهی کرد و من ترا و اگر نگفتی آنها نه تو مرا ملاقات خواهی کرد و نه من تو را و نیز از آنحضرت روایت شده که مردگان خود را تلقین کنید شهادت باینکه نیست خدائی بجز خدا تع پس کسیکه بگوید این طیبه را هنگام مردن، واجب میشود بر او بهشت عرض شد کسیکه بگوید آنها در صحتش چگونه خواهد بود فرمود: بهشت برای او واجب تر خواهد بود.

تنبيه صد و نوزدهم

(در تأکید شدید بر ورع از محارم خدا تعالی)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که پرهیزید از خدا و نگاه داری کنید دین خود را به ورع و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام از خداوند عالم جل و علا روایت شده که ای پسر آدم اجتناب و دوری کن از آنچه حرام کرده ام بر تو تا از با ورع ترین مردم باشی و روایت شده که خداوند عالم بجناب موسی علی نبینا و آله و علیه الصلوة والسلام وحی فرمود که یا موسی تقرب نمیجویند تقرب جویندگان بسوی من بمانند ورع از محارم من پس اینکه عطاء میکنم به آنها بهشت عدن خود را و شریک نمیکنم با آنها احدی را و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که ثابت ماندن ایمان شخص بورع است و زوال آن بطمع و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که درهای اعضاء و جوارح خود را ببند از آنچه ضررش بقلبت میرسد و آبروی تو را نزد خدا میبرد و موجب حسرت و ندامت میشود در روز قیامت و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که حق تعالی وحی فرمود در لیلہ معراج بسوی آنحضرت که یا احمد بر تو باد بورع چه آنکه ورع رأس و اول دین و وسط دین و آخر دین است تا آنکه میفرماید بدرستیکه ورع رأس ایمان و عمود دین است بدرستیکه مثل ورع، مثل کشتی میباشد همانطور که کسیکه در دریا است نجات نمی یابد مگر بوسیله کشتی همین جور زاهد قادر نیست بر نجات خود مگر بوسیله ورع؛ یا احمد بدرستیکه ورع باز میکند بر بنده درهای عبادت را و بواسطه ورع بنده در نزد خلق گرامی میشود و بواسطه ورع میرسد بسوی خدا و از عمرو بن سعید از حضرت صادق علیه

الصلوة والسلام روایت شده که وصیت میکنم تو را به تقوی و ورع و اجتهاد یعنی در عبادت و بدانکه اجتهاد بدون ورع نفع نخواهد بخشید و از ابی اسامه علیه الرحمة روایت شده که شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام که میفرمود بر تو باد بتقوی و ورع و اجتهاد یعنی در عبادت و راستی گفتار و ادای امانت و حسن خلق و خوش رفتاری با همسایگان و مردم را بسوی خود دعوت کنید بغیر زبانهایتان یعنی به اعمالتان و زینت بوده باشید نه شین و ننگ و بر شما باد بطول رکوع و سجود چه آنکه هرگاه یکی از شما طول بدهد رکوع و سجود خود را شیطان از پشت سر صیحه میزند و میگوید ای وای این فرزند آدم اطاعت میکند و من معصیت کردم و سجده میکند و من اِباء و امتناع نمودم از سجده و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که یا علی (ع) سه خصلت است که هر که ملاقات کند خدای عزوجل را به آن سه خصلت، پس او از با فضل ترین مردم است؛ کسیکه بیاورد خدای عزوجل را به آنچه بر او فرض و واجب فرموده پس او از اعبد مردم است و کسیکه خود را نگاه بدارد از محارم یعنی معاصی خدا پس او از با ورع ترین مردمانست و کسیکه قناعت کند بآنچه خدا میدهد به او پس او از بی نیازترین مردم است تا آنکه میفرماید یا علی (ع) اسلام برهنه و عریانست و لباس آن حیاء و زینت آن عفاف و عفت است و مروّت آن عمل صالح و عمود آن ورع و از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام روایت شده که از شیعه ما نیست آنکس که بزبان بگوید و مخالفت کند ما را در اعمال و آثارمان و لکن شیعه ما آنکسی است که موافقت کند ما را به زبان و قلبش و پیروی کند آثار ما را و عمل نماید به اعمال ما، این جور اشخاص شیعه ما هستند.

تنبیه صد و بیستم

(در اهمیت عفت بطن و فرج)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که بیشتر کسانی که از امت من وارد آتش میشوند بواسطه شکم و فرج است و بیشتر کسانی که از ایشان وارد بهشت میشوند بواسطه تقوی و حسن خلق است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ عبادتی دوست تر نیست بسوی خدا از سؤال کردن و چیز خواستن از ذات مقدس او و هیچ چیز نزد خدا افضل و بهتر از عفت شکم و فرج نیست و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بر شما باد بلزوم عفت و امانت پس بدرستیکه این دو اشرف و احسن همه چیز است در سر شما و علانیه شما و افضل و بهتر چیز است که ذخیره میکنید یعنی برای آخرتتان و از جناب ابی بصیر علیه الرحمة روایت شده که مردی بحضرت باقر علیه الصلوة والسلام عرض میکند من ضعیف العمل و قلیل الصیام میباشم و لکن امیدوارم که نخورم مگر حلال حضرت میفرماید کدام جهاد افضل و بالاتر است از عفت بطن و فرج.

تنبيه صد و بیست و یکم

(در یاد خدا نزد حلال و حرام و عمل بوظیفه و یک روایت خوب)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هیچ چیز بسوی خدای تعالی محبوب تر نیست از ایمان و عمل صالح و ترک آنچه امر شده بترک آن و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که شکر نعمتهای خدا، دوری از محارم، یعنی معاصی است و نیز از آن حضرت روایت شده که از شدیدترین چیزهای که خدا بر خلقش فرض فرموده بسیار بیاد خدا بودن در نزد حلال و حرام خدا اگر طاعت است به آن عمل کند و اگر معصیت است ترک کند آنرا و از حضرت سجاد علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه عمل کند به آنچه خدا فرض و واجب فرموده پس او بهترین مردمانست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که عابدترین مردم کسی است که بپا دارد فرائض و واجبات را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که کسیکه ترک کند معصیتی را بواسطه خوف از خدا، روز قیامت خدا او را خشنود خواهد کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که عمل کن به فرائض خدا تا از با تقوی ترین مردم باشی و راضی باش به آنچه خدا قسمت فرموده تا از بی نیازترین مردم باشی و از محارم یعنی معاصی خود را نگاه دار تا از باورع ترین مردم باشی و نیکو کن مجاورت خود را با کسی که مجاور تو میباشد یعنی با همسایگان خود نیکو رفتار کن تا مؤمن باشی و مصاحبت خود را نیکو کن نسبت بکسی که مصاحبت میکند تو را یعنی با کسانی که با آنها مجالست داری نیک رفتار کن تا مسلمان باشی.

تنبيه صد و بیست و دوم

(در صبر و تسلیم در بلاء و نکبت و نتیجه صبر)

از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که از برای نکبتها و بلاها نهایتها مییابد که لابد باید نکبت به آن نهایت برسد پس چون نکبتی بشما متوجه شد پس سر فرود بیاورید و تسلیم باشید و صبر کنید تا آنکه خودش بگذرد زیرا که اعمال حیلۀ نزد رو آوردن آن خود ایجاد ناراحتی دیگری میکند و نیز میفرماید صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به جسد؛ پس کسیکه صبر نداشته باشد، ایمان ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که صبر بر آنچه ناگوار است بر تو خیر بسیاری را پشت سر دارد و بدانکه نصرت با صبر است و فرج با کرب؛ بدرستیکه با سختی آسانی است؛ بدرستیکه با سختی آسانی است و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که من هر آئینه صبر میکنم از غلامم و اهلم بر چیزهاییکه تلخ تر است از حنظل؛ بدرستیکه کسیکه صبر میکند میرسد بصبرش درجه کسی را که شبها بعبادت قیام کند و روزها، روزه دار باشد و درجه کسی را که جلو حضرت محمد صلی الله علیه و آله شمشیر بزند و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که شخص صبور هر چند که ناراحتی او به طول بیانجامد آخرش ظفر می یابد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که ما صبر میکنیم و شیعه ما صبر کننده تر میباشند از ما برای خاطر اینکه ما صبر میکنیم بر آنچه میدانیم و شما صبر میکنید بر آنچه نمیدانید و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه چیز است که قسم یاد میکنم که حق است تا آنکه میفرماید و صبر نمیکند از مظلومه ای مگر آنکه عزت او را از زیاد میفرماید خدا و از حضرت رضا

عليه الصلوة والسلام روایت شده که به مردی از اهل قم میفرماید: پرهیزید خدا را و بر
شما باد به خاموشی و صبر و حلم الخیر.

تنبيه صد و بیست و سوم

(در اهمیت صبر و سکوت در مقابل جاهل)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که کامل نمیشود مؤمن در ایمانش تا آنکه سه خصلت در او پیدا شود؛ حلمی که مانع شود او را از کار و گفتار جاهلانه و ورعی که باز بدارد او را از معاصی و کرمیکه نیکو شود بواسطه آن صحبت او. مؤلف گوید شاید مراد این باشد که بواسطه کرمی که دارد با کسانی که خلطه و آمیزش دارد خوب رفتار کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چون بین دو نفر نزاعی روی دهد، دو ملک نازل شوند و به آنکه ابتداء نموده سخن ناجور بگویند که گفتی و گفتی و خودت اهل گفته های خودت هستی و به دومی که حلم ورزیده بگویند صبر نمودی و حلم ورزیدی زودست که مغفرت و آمرزش شامل حال تو شود اگر حلم خود را بآخر برسانی و اگر دومی در مقام جواب برآمد آن دو ملک آنها را جا گذاشته بالا میروند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده ناراحتی که بواسطه حلم ورزیدن متوجه شخص میشود، گوارا و شیرین تر است از ناراحتی که با انتقام پیدا میشود و از حضرت امیر صلوات الله وسلامه علیه روایت شده که قسم بآنکس که دانه را از گیاه بیرون میآورد و حیوانات را خلق میفرماید که راضی و خوشنود نمیکند مؤمن پروردگار خود را بمثل حلم و سخطناک نمیکند شیطان را بمثل صمت و خاموشی و عقوبت کرده نمیشود احمق، بمثل سکوت یعنی جوابش را ندادن و از حضرت رسول علیه و آله الصلوة والسلام روایت شده تحمل کن از کسیکه بزرگتر است از تو و از کسیکه کوچکتر است و از کسیکه بهتر است از تو و از کسیکه بدتر است و از کسیکه بالاتر است از تو و از

کسیکه پائین تر است؛ پس اگر چنین باشی مباحثات خواهد فرمود خدا تع بتو با ملائکه و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که اول عوضیکه نصیب شخص حلیم و بردبار میشود در مقابل حلمش که مردم ناصر و یاور او میگردند بر جاهل و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تعالی دوست دارد شخص با حیاء و حلیم را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خود حلم و بردباری کفایت میکند برای نصرت و یاری شخص و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که خداوند عالم کسی را هرگز بواسطه کار و گفتار جاهلانه عزیز نمیفرماید و بواسطه حلم ذلیل و خار نمیفرماید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که شبیه ترین مردم به آن حضرت از حیث اخلاق، آنکس است که خلقتش نیکوتر باشد و حلمش بزرگتر و نسبت بخویشانش نیکوکارتر و با انصاف تر باشد و از آن حضرت روایت شده که هیچ چیز با چیز دیگر توأم نشد که بهتر باشد از حلمیکه با علم جمع شود و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که غلامی از آن خود را پی کاری فرستاد پس آن غلام دیر کرد پس حضرت بسراغش رفتند دیدند خوابیده پس بالای سرش نشستند و او را باده میزدند تا آنکه بیدار شد پس به او گفتند جائز نیست هم شب را بخوابی و هم روز، شب مال تو و روز مال ما.

تنبيه صد و بیست و چهارم

(در رفق و مدارا در تمام امور و نتایج عالی آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که رفق و مدارا نصف خوش گذرانی است و نیز از آن حضرت روایت شده که هر گاه خدا اراده بفرماید به اهل خانه خیر را فقیه و دانا میفرماید آنها را در دین و روزی میفرماید آنها را رفق در معاششان و قصد و میانه روی در شأنشان و نیز از آن بزرگوار علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده کسی که داده شود به او رفق و مدارا در امور پس داده شده خیر دنیا و آخرت را و کسی که از رفق محروم باشد از خیر دنیا و آخرت محروم خواهد بود و نیز از آن جناب صلی الله علیه وآله روایت شده که خدا رفیق و مدارا کننده است و رفق و مدارا را در همه امور دوست دارد و از حضرت علی بن الحسین روایت شده که آخرین وصیت و سفارش جناب خضر به حضرت موسی علی نبینا وآله و علیهما الصلوة والسلام این بود که تعبیر و سرزنش مکن کسی را به گناهی چه آنکه دوست ترین امور بسوی خدا سه خصلت است میانه روی در حال دارائی و عفو و گذشت در حال قدرت و رفق و مدارا با بندگان خدا و احدی با رفق و مدارا با کسی رفتار نمیکند مگر آنکه خدا در روز قیامت مدارا خواهد فرمود نسبت به او و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که رفق رأس و سر حکمت است و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رفق و مدارا در امور سختیها را آسان و اسباب را سهل مینماید و نیز میفرماید رفق به اتباع از کرم طباع است یعنی کسانی که دارای طبع کریم هستند با تبعه و زیردستانشان به رفق و مدارا رفتار میکنند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر اهل بینی که رفق و مدارا بهره و نصیبشان بشود،

وسعت مرحمت خواهد فرمود خدا بر ایشان در رزق و روزیشان و رفق و مدارا در اندازه گیری معیشت بهتر است از سعه در مال و از رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که اگر رفق خلقی میبود که دیده میشد چیزی از مخلوقات نیکوتر از او نبود و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که شخصیکه در امورش رفیق و مداراکننده باشد، به آنچه میخواهد از مردم خواهد رسید.

تنبيه صد و بیست و چهارم

(در اهمیت تواضع و اینکه موجب عزت و سربلندی میشود)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که در آسمان دو ملک هستند که موکلند بر بندگان؛ پس کسیکه تواضع و فروتنی کند برای خدا بلند میکنند او را و کسیکه تکبر کند پست میکنند او را و نیز از آن حضرت روایت شده که خدای عزوجل وحی نمود به سوی جناب داوود علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام یا داوود همچنانیکه نزدیکترین مردم به خدا متواضعون هستند، همین جور دورترین مردم از خدا متکبرون میباشند و نیز از آن حضرت علیه السلام روایت شده که کمال عقل در سه خصلت است؛ تواضع برای خدا و یقین نیکو و خوب و خاموشی مگر از سخن خیر و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که احدی تواضع نکرد مگر آنکه خدا بلند کرد او را و نیز از آنجناب علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که از تواضع است اینکه شخصی راضی باشد به پائین تر از بالای مجلس و اینکه سلام کند بکسی که ملاقات میکند او را و اینکه ترک کند مرء و مجادله را اگرچه حق با او باشد و اینکه دوست نداشته باشد که مردم او را بر تقوی و نیکوئی ستایش کنند و از حسن بن جهم روایت شده که به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم فدایت کردم حدّ توکل، یعنی تعریف توکل چیست؛ فرمود: اینکه با خدا از احدی نترسی، عرض کردم فدایت شوم پس حدّ تواضع چیست؛ فرمود: اینکه عطاء کنی مردم را از خودت آنچه دوست داری که مردم مثل آنرا به تو عطاء کنند یعنی هر طور که میخواهی مردم با تو رفتار کنند تو نیز همانجور با مردم رفتار کن؛ عرض کردم فدایت شوم دلم میخواهد بدانم نزد شما چه جورم؛ فرمود نظر کن بین من نزد تو چه

طورم و از حضرت رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که به اصحاب خویش میفرماید: بدرستی که صدقه زیاد میکند صاحب خود را از حیث کثرت، پس صدقه بدهید خدا شما را رحمت کند و بدرستی که تواضع زیاد میکند صاحبش را از حیث رفعت و بلندی پس تواضع کنید خدا رحمت کند شما را و بدرستی که عفو و گذشت زیاد مینماید عزت صاحبش را، پس عفو و گذشت داشته باشید تا خدا بشما عزت بدهد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که طلب علم کنید و خود را زینت دهید به حلم و بردباری و وقار و سنگینی و تواضع کنید برای کسی که به او علم میآموزید و تواضع کنید نسبت به کسی که از او علم میآموزید و مباحث علمای جبار که باطل شما حق شما را از بین ببرد و از حق تعالی نقل شده که در لیلۃ معراج میفرماید یا احمد عیب اهل دنیا بسیار است در ایشان است نادانی و حماقت؛ تواضع نمیکنند برای کسی که از او علم اخذ میکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که تواضع کند برای خدا بلند میکند خدا او را و کسی که تکبر کند پست میکند خدا او را و کسی که میانه روی کند در امر معیشت خود روزی خواهد داد او را خدا و کسی که اسراف و تبذیر نماید محروم میکند خدا او را و کسی که بسیار یاد کند خدا را یا فرموده باشد بسیار یاد کند مرگ را، خدا تع او را دوست خواهد داشت.

تنبیه صد و بیست و ششم

(در لزوم نظر به عاقبت کار قبل از ورود در آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که بمردی که سه بار از حضرت درخواست توصیه و سفارش نموده بود فرمودند: وصیت و سفارش میکنم تو را که هر گاه که میخواهی کاری انجام دهی در عاقبت آن کار تدبّر و تأمل کن اگر رشد و خیر بود انجام بده و اگر غیّ و شر بود پس صرف نظر کن و نیز روایت شده که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمده عرض نمود به من چیزی یاد بدهید حضرت فرمود بر تو باد به ناامید بودن از آنچه در دست مردمانست چه آنکه این یأس بی نیازی است حاضر گفت: زیاد بفرما، فرمود از طمع بپرهیز زیرا که طمع فقر است؛ عرض کرد زیاد بفرما یا رسول الله، فرمود چون همت به کاری گماشتی در عاقبت آن تدبّر نما پس اگر خیر و رشد بود پس انجام ده آنرا و اگر غیّ و گمراهی بود پس اجتناب کن از آن و از کتاب درةالباهره نقل شده که حضرت آدم علیه السلام فرزند خود جناب شیث علیه السلام را به پنج چیز وصیت و سفارش نموده میفرماید به این پنج چیز خودت عمل نما و بفرزندان نیز سفارش کن تا آنکه میفرماید: سوم آنکه هرگاه عازم شدید برای کاری پس نظر کنید به عواقب آن کار زیرا اگر من در عاقبت کار خود نظر میکردم هر آینه نمیرسید به من آنچه رسید و از حضرت امیر علیه السلام روایت شده که زبان عاقل پشت سر قلبش میباشد و قلب احمق پشت سر زبانش و نیز میفرماید قلب آدم احمق در زبانش میباشد و زبان عاقل در قلبش و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که به عبدالله بن جندب

عليه الرحمة میفرماید: توقف کن در نزد هر امری تا آنکه بفهمی راه داخل شدن در آن امر و بیرون رفتن از آن را قبل از آنکه وارد در آن امر شوی پس نادم و پشیمان شوی.

تنبيه صد و بیست و هفتم

(در انصاف و ارزش آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که سبقت گیرندگان بسوی سایه عرش خوشا بحال ایشان؛ عرض کردند کیانند ایشان؛ فرمود: کسانی هستند که قبول میکنند حق را هر گاه بشنوند و بذل میکنند هر گاه سؤال کرده شوند و حکم میکنند برای مردم مانند حکمشان برای خودشان، ایشان میباشند سابقون بسوی سایه عرش و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که سه خصلت میباشد که از حقیقت ایمان است؛ اول انفاق در حال فقر، دوم انصاف داشتن و سوم بذل سلام به جمیع عالم و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که به جناب مالک اشتر علیه الرحمة میفرمایند: با خداوند عالم با انصاف رفتار کن و همچنین با مردم تا آنکه میفرماید و کسیکه بر بندگان خدا ظلم کند خدا خصم او خواهد بود دون بندگانش و کسیکه خدا مخاصمه کند با او باطل میسازد حجت او را و با خدا حرب یعنی در جنگ خواهد بود تا آنگاه که توبه کند و دست از ظلم بردارد و نیز از آن بزرگوار علیه السلام روایت شده کسی که با مردم به انصاف رفتار نماید زیاد نمیفرماید او را خدا مگر عزت و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سه نفرند که روز قیامت نزدیکترین مردمند بسوی خدا تا آنگاه که از حساب خلائق فارغ شود اول مردیکه در حال غضب، قدرت او وادار نکند او را بر تعدی نسبت به زیردستش و دوم مردیکه در مقام قضاوت بین دو نفر به قدر جوی بناحق به طرف یکی از آنها میل نکند، سوم مردیکه حق بگوید چه بر نفعش باشد چه بر ضررش و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کیست که ضامن شود برای من چهار چیز را به چهار خانه در بهشت؛ انفاق

کن و از فقر مترس و فاش کن سلام را در عالم و ترک نما مرء و مجادله را و اگرچه حق با تو باشد و با مردم با انصاف رفتار کن و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که با عمل به انصاف ادامه پیدا میکند اخوت و برادری.

تنبیه صد و بیست و هشتم

(در خواستن برای مردم آنچه را برای خودت میخواهی)

روایت شده مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمده عرض نمود یا رسول الله (ص) عملی به من یاد بدهید که به واسطه آن عمل داخل بهشت شوم؛ فرمود: هر جور که میل داری مردم با تو رفتار کنند، تو هم همانجور با مردم رفتار کن و هر طور که نمیخواهی مردم با تو رفتار کنند، تو هم با مردم آنطور رفتار مکن و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خداوند عالم جل و علا وحی فرمود بسوی آدم علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام و اما آنچه بین تو و مردم است از حیث وظیفه آنستکه بپسندی برای مردم آنچه را که برای خود میپسندی و مکروه بداری برای آنان آنچه برای خود مکروه داری و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بفرزند خود حضرت حسن علیه السلام میفرماید یا بنی بفهم وصیت مرا و خودت را میزان قرار ده بین خود و بین غیرخود و دوست بدار برای غیر آنچه را که برای خود دوست داری و مکروه بدان برای او آنچه را برای خود مکروه میدانی و ظلم نکن کمااینکه دوست نداری ظلم کرده شوی و بپسند از مردم برای خود آنچه را که میپسندی از خودت برای مردم و از جناب لقمان علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام روایت شده که بفرزند خود میفرماید یا بنی تحریر و ترغیب میکنم تو را در شش خصلت تا آنکه میفرماید: و خصلت چهارم آنست که دوست بداری برای مردم آنچه را برای خود دوست داری و کراهت بدار برای آنها آنچه را کراهت داری برای خود.

تنبیه صد و بیست و نهم

(در پرداختن به عیوب خود به جای عیوب مردم)

از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده مباحث از کسانی که امید آخرت دارند بدون عمل و توبه را به تأخیر میاندازند به واسطه طول امل و آرزو تا آنکه میفرماید بسیار میشمرد از معصیت غیر آنچه را که بیشتر از آن را از خودش کم میشمرد و بسیار میشمرد از طاعت خودش آنچه را که از غیرش کم میشمرد و میترسد بر غیر خود به گناه کم و امیدوار است برای خود به آنچه کمتر است از عملش الخبر و از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام روایت شده که با نفع ترین چیزها برای شخص آن است که به عییش پیش از مردم برخورد کند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده سه خصلت است که در هر کس باشد یا یکی از آن سه خصلت در سایه عرش خدا خواهد بود در روزیکه سایه جز سایه عرش نیست؛ اول آنکه عطاء کند به مردم آنچه خودش از مردم میخواهد و توقع دارد؛ دوم مردیکه قدم از قدم بر ندارد تا بداند که خدا راضی است؛ سوم آنکه عیب نگیرد بر برادر مؤمن خود عیبی را تا آنکه آن عیب را از خود برطرف نماید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که چه شده است مرا که میبینم دوستی دنیا را که غالب شده بر بسیاری از مردم تا آنکه میفرماید: خوشا بحال کسی که مشغول کند او را خوف از خدای عزوجل از خوف مردم خوشا حال کسی که مشغول کند عیب خودش از عیوب برادران مؤمنش از جناب ابی ذر رحمه الله روایت شده که به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض میکند یا رسول الله (ص) وصیت بفرما مرا؛ حضرت میفرماید: وصیت میکنم تو را به تقوی چه آنکه تقوی رأس تمام امر است؛ عرض میکند

زیادتر بفرما؛ میفرماید: بر تو باد به تلاوت قرآن و ذکر خدا بسیار؛ عرض میکند زیادتر بفرما؛ میفرماید: بر تو باد بطول صمت و خاموشی؛ باز عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: از زیاد خنده کردن پرهیز؛ عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: بر تو باد به حب و دوستی مساکن و مجالست با ایشان؛ عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: حرف حق را بگو اگرچه تلخ است؛ عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: در راه خدا از ملامت ملامت کننده ترس نداشته باش؛ عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: بایستی مانع شود تو را از مردم آنچه میدانی از خودت. مؤلف گوید مراد از فقره آخر ظاهراً این باشد که تو خود بی عیب و نقص نیستی نباید از عیب و نقص خود غفلت نموده متوجه عیوب و نقایص مردم شوی و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون موسی علیه السلام خواست از خضر علیه السلام جدا شود گفت: مرا وصیت و سفارش کن پس جناب خضر وصیتهائی نمود؛ از آنجمله فرمود: از لجاجت و لج بازی پرهیز و از اینکه بدون حاجت راه بروی و اینکه بدون جهت بخندی و بیاد خطاها و لغزشهای خود باش و به خطاهای مردم مپرداز و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه کسی را دیدی که از عیوب خود فراموش نموده، در جستجوی عیوب مردم است، بدانکه او فریب خورده و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که افضل مردمان آنکس است که مشغول کند او را عیوب خودش از توجه به عیوب دیگران و نیز میفرماید بدترین مردمان آن کسی است که عیوب خود را نبیند و به جست و جوی عیوب مردم باشد.

تنبیه صد و سی ام

(در اهمیت عدل و عدالت در عمل)

از ابی مالک رحمه الله روایت شده که به حضرت علی بن الحسین علیه الصلوة والسلام عرض میکند خبر ده مرا به جمیع شرایع دین؛ حضرت میفرماید: گفتن حق و حکم به عدل و وفای به عهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که عدل یعنی به عدالت رفتار نمودن؛ میزان خداست در زمین؛ پس کسیکه بگیرد آنرا میکشاند او را به سوی بهشت و کسیکه ترک کند آنرا میراند او را به سوی آتش و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که افضل و بهترین مردم از حیث سجیه و غریزه و طبیعت، آن کسی است که عدل و عدالتش شامل همه ی مردم باشد و نیز از آن حضرت روایت شده که دو چیز است که حد و اندازه برای ثواب آن نمیتوان فهمید، یکی عفو و گذشت و دیگری عدل و عدالت و نیز از آن جناب (ع) روایت شده که بر تو باد به عدل نسبت به دوست و دشمن و نیز میفرماید کسی که عدل و عدالت داشته باشد، قدر و منزلت او بزرگ است و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که شدیدترین مردم از جهت ندامت و حسرت در روز قیامت، آن کسی است که تعریف و توصیف نماید عدلی را و خود به غیر آن عمل کند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که سخت ترین اهل آتش از حیث عذاب، کسی است که وصف کند عدلی را و خود بر خلاف آن باشد و نیز از آن بزرگوار (ص) روایت شده که شدیدترین مردم از حیث ندامت و حسرت، مردی است که دعوت نماید بنده ای را به سوی خدا و آن بنده اجابت کند دعوت او را، پس اطاعت نماید خدا را و داخل بهشت شود و خود داعی داخل آتش شود بواسطه عمل نکردن

به آن و متابعت هوی و هوس خود و معصیتش مرخدا را و نیز روایت شده که از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام سؤال نمودند از صفت عدل؛ یعنی چه وقت شخص دارای عدل و عدالت میشود؛ حضرت فرمود: وقتی که چشم خود را از نظر بمحارم و زبانش را از حرفهای ناجور و دستش را از ظلم حفظ کند و نگاه دارد، آن وقت عادل و دارای عدل خواهد شد.

تنبيه صد و سی و یکم

(در بازتاب باطن در ظاهر و اهمیت اصلاح باطن)

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که احمق مردم کسی است که پر کند نامه عمل خویش را به کارها و حرفهای باطل و بیهوده؛ این است و غیر این نیست که بودند حکماء و علماء و اتقیاء و ابرار که سه چیز مینوشتند که با آنها چهارمی نبود. اول کسی که نیکو کند سریره و باطن خود را، خدا (تع) نیکو گرداند علانیه و آشکارای او را. دوم کسیکه اصلاح کند بین خود و بین خدا، اصلاح میفرماید خدا بین او و بین مردمان. سوم کسی که آخرت همت او باشد، خدا کفایت میفرماید هم او را از دنیا و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که اسلام در بدو امر غریب بود و زود باشد که برگردد به حال اول خود، پس خوشا به حال غریبان؛ عرض شد غریبان کیانند یا رسول الله؛ فرمود: آن کسانی که صالح اند زمانی که مردم فاسد باشند و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که نفس خود را اکراه کن بر فضائل چه آنکه رذائل تو بر آنها مطبوعی یعنی طبیعت تو است و از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی تأیید فرموده مؤمنین را بر وحی از خود که حاضر میشود او را هنگامیکه کار خوبی یا گفتار نیکی انجام دهد و غایب میشود از او در وقتیکه تعدی و گناه از او صادر شود تا آنکه میفرماید: رحمت کند خدا آن مردی را که چون قصد کند عمل خیری را به جا آورد یا قصد کند عمل شری را پس صرفنظر کند از آن.

تنبيه صد و سی و دوم

(در بازتاب عمل نیک و بد در عمر و روزی)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که کسانی که به واسطه گناهان میمیرند بیشترند از کسانی که به اجل خود میمیرند و کسانی که زندگانی میکنند به واسطه احسان یعنی کارها و گفتارهای خوب زیاده‌ترند از کسانی که به واسطه عمرهایشان زندگی میکنند و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ بنده ای نیست که عمل ناپسندی بجا بیاورد مگر آنکه خدا میپوشاند آن را پس اگر دومرتبه بجا آورد باز خدا میپوشاند؛ اگر مرتبه سوم بجا بیاورد خداوند عالم ملکی را به صورت آدمی فرو فرستد که به مردم بگوید فلانی فلان عمل زشت، فلان عمل ناروا بجا می آورد و از رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که خدای تعالی هرگاه خیر بنده را بخواهد، گناهانش را پیش چشمانش مثل میفرماید. یا اباذر نگاه مکن به کوچکی گناه، بلکه نظر کن به کسی که معصیت او را میکنی؛ یا اباذر بدرستی که مرد هرآئینه از روزی محروم میشود بواسطه گناهی که مرتکب آن شده. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله از خداوند متعال روایت شده که ای فرزند آدم (ع) آیا انصاف نداری من اظهار دوستی میکنم نسبت بتو به دادن نعمت و تو دشمنی میکنی با من به معصیت؛ خیر من به سوی تو نازل میشود و شرّ تو به سوی من صعود میکند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که حذر کنید از سطوتهای خدا در شب و روز؛ عرض شد سطوتهای خدا چیست؛ فرمود: گرفتن او بر معاصی و نیز از آن بزرگوار صلوات الله و سلامه علیه روایت شده که بپرهیزید از معصیت خدا که مرتکب شوید چه آنکه کسی که فرو رود در معاصی

خدا پس مرتکب شود آن را پس به تحقیق که مبالغه نموده در بدی به خود و نیست بین احسان و اسائه منزله ای پس برای اهل احسان نزد پروردگارشان بهشت است و برای اهل اسائه آتش و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که عجب است از کسیکه از طعام خودداری میکند از ترس درد، چگونه خودداری نمیکند از معصیت به واسطه ترس از آتش و از حضرت علی صلوات الله و سلامه علیه روایت شده که خود را نگاه دارید از معاصی و حبس کنید خود را از معصیت پس به درستیکه شقی آن کسی است که در معصیت افسار خود را رها کند و نیز میفرماید سوار شونده بر معصیت جایگاه او آتش است و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که هرگاه صبح کند بنده در معصیت خدا و سواره باشد پس او از لشکر سواره شیطان است و اگر پیاده باشد از لشکر پیاده گان شیطان است.

تنبيه صد و سی و سوم

(در تحمل و صبر بر مکاره و نهی از فرورفتن در شهوات)

از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که بهشت را فراگرفته ناملايمات و صبر؛ پس کسیکه صبر کند در دنیا بر مکاره و ناراحتیها، داخل خواهد شد بهشت را و جهنم را فروگرفته لذات و شهوات، پس کسیکه بدهد به نفس خود لذت و شهوت دنیا را داخل جهنم خواهد شد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که چه بسا شهوت رانی یک ساعت که باعث میشود حزن و اندوه طولانی را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده خوشا حال کسی که ترک کند پیروی هوای نفس را در دنیا برای وعده هائیکه هنوز آن را ندیده و از حضرت موسی بن جعفر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خداوند عالم وحی فرمود به جناب داوود علی نبینا و آله و علیه الصلوة والسلام که حذر ده و بترسان اصحاب خود را از دوستی شهوات چه آنکه کسانی که دلهایشان علاقمند به شهوات دنیا است قلوب آنها محجوب است از من و از حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه الصلوة والسلام روایت شده که به اصحاب خود میفرمود اگر شما برادران و دوستان من هستید پس خود را حاضر و مهیا کنید برای بغض و عداوت مردم نسبت به شما؛ پس اگر این کار را نکنید برادران من نخواهید بود این است و جز این نیست که من به شما یاد میدهم که عمل کنید، یاد نمیدهم که عجب به خود نمائید چه آنکه شما نخواهید رسید به آنچه میخواهید مگر به ترک آنچه میل دارید و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه چیز است که هلاک کننده است؛ اطاعت زنها و اطاعت غضب و اطاعت هوی و هوس و نیز از آن جناب علیه السلام روایت شده که مرگ راحت

تر است برای کسی که بنده شهوت و اسیر هوای نفس خود مییابد چه آنکه هر چه بیشتر عمر کند سیئاتش زیاد و جنایتش بزرگ شود و نیز میفرماید ترک شهوات نفسانی بهتر عبادت و نیکوتر عادتست.

تنبيه صد و سی و چهارم

(در اینکه کوچک شمردن گناه خطرناکتر از خود گناه است)

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه گناه را بزرگ شمردی خدا را بزرگ شمرده ای و هرگاه کوچک شمردی آن را پس به تحقیق که کوچک شمرده ای حق خدا را تا آنکه میفرماید هیچ گناه بزرگی نیست که آن را بزرگ بشمری مگر آنکه نزد خدا کوچک است و نه هم گناه کوچکی که کوچک بشمری آن را مگر آنکه نزد خدای عزوجل بزرگست آن گناه و از رسول گرامی علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که در گناه چهار چیز است که از خود گناه بدتر است؛ اول حقیر شمردن آن؛ دوم افتخار به آن؛ سوم فرحناک شدن به آن؛ چهارم اصرار بر آن و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که شدیدترین گناهان، آن گناهی است که مرتکب آن سبک بشمرد آن را. از جناب قطب راوندی علیه الرحمة نقل شده که در کتاب دعوات میفرماید که خدای تعالی وحی فرمود به سوی عزیر علیه السلام که هرگاه در گناهی واقع شدی به کوچکی آن نگاه نکن، بلکه ببین چه کسی را معصیت و نافرمانی کرده ای و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که کوچک نیست آنچه نفعش در قیامت عاید میشود و هم چنین چیزی که ضررش در قیامت به شخص میرسد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت نقل شده که خداوند عالم جل و علا، سه چیز را در سه چیز مستور و پوشیده قرار داده؛ اول رضای خود را در طاعتش؛ دوم سخطش را در معصیتش؛ سوم دوستش را در میان خلقتش؛ پس سبک نشمرد البته یکی از شما چیزی از طاعت خدا را؛ چه آنکه نمیداند رضای خدا در کدام طاعت بدست می آید و اندک نشمرد یکی از شما چیزی از معاصی را زیرا که

نمیداند سخط خدا در کدام معصیت است و به دیده حقارت نگاه نکنند یکی از شما به
احدی از خلق خدا، زیرا که نمیداند کدامیک از خلق، ولیّ خدا است.

تنبيه صد و سى و پنجم

(در ذكر كباير مورد ابتلاء)

بدانكه گناهان كبيره به مقتضای آنچه از روايت استفاده ميشود و به دست مى آيد در حدود چهل و پنج گناه است و ما در اين تنبيه اكتفاء ميكنيم به ذكر كبيره هاى كه نوعاً محل ابتلا ميباشد و آنها عبارت ميباشند از يأس و نااميد بودن از رحمت خدا و خاطر جمع بودن از مكر خدا؛ سوم عقوق والدين؛ چهارم خوردن مال يتيم؛ پنجم خوردن ربا؛ ششم قسم دروغ براى از بين بردن مال يا حق كسى ظلامتاً با علم برخلاف آن؛ هفتم غل و خيانت؛ هشتم منع زكات واجب؛ نهم شهادت به ناحق؛ دهم كتمان شهادت به حق؛ يازدهم شرب خمر؛ دوازدهم ترك نماز يا واجب ديگر عمداً؛ سيزدهم نقض عهد و پيمان؛ چهاردهم قطع رحم؛ پانزدهم انكار آنچه خدا نازل فرموده؛ شانزدهم عمل نكردن به وصيت؛ هفدهم دزدى؛ هجدهم خوردن مال حرام؛ نوزدهم قمار؛ بيستم كم فروشى؛ بيست و يكم كمك ظالم در ظلمش؛ بيست و دوم حبس حقوق بدون عذر شرعى؛ بيست و سوم دروغ؛ بيست و چهارم تكبر؛ بيست و پنجم اسراف؛ بيست و ششم تبذير و صرف مال در غير راهش؛ بيست و هفتم خيانت؛ بيست و هشتم استخفاف به حج؛ بيست و نهم اشتغال به ملاهى و لهويات و سى ام ترك اعانت مظلوم بدون عذر.

تنبیه صد و سی و ششم

(در ذکر خطرهای اصناف مختلف)

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده سزاوار و شایسته است برای شخص عاقل اینکه خود را حفظ کند از مستی مال و ثروت و مستی قدرت و مستی علم و مستی مدح مردم و مستی جوانی؛ چه آنکه برای هر یک از این مستیها بوی بدی است که سلب میکند و از بین میبرد عقل و وقار و سنگینی را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدا شش طایفه را هلاک میکند به واسطه شش خصلت؛ اول امراء را به جهت جور؛ دوم عرب را به تعصب؛ سوم دهقانان را به تکبر؛ چهارم تجار را به خیانت؛ پنجم دهاتی ها را به جهالت؛ ششم فقهاء را به حسد و از جناب قطب راوندی نقل شده در کتاب لب اللباب که روایت شده ملکی از کعبه ندا میکند کسی که ترک کند فرائض و واجبات خدا را، خارج میشود از امان خدا و از بیت المقدس ندا میکند کسی که قوت او حرام باشد، رد میفرماید خدا عمل او را و از قبر رسول خدا (ص) کسی که ترک کند سنت این پیام آور را بری میشود از شفاعتش و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که اول چیزی که معصیت کرده شد خدا به آن شش چیز بود؛ حبّ دنیا و حبّ الریاسة و حبّ طعام و حبّ خواب و حبّ راحت و حبّ زنها.

تنبيه صد و سی و هفتم

(در شایستگی کناره گیری از مردم)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که اگر خداوند عالم این منصب امامت و خلافت رسول الله صلی الله علیه وآله را برای من معین نفرموده بود، هر آئینه مسرور میکرد مرا که بر سر کوهی زندگانی میکردم که نه من مردم را میشناختم و نه مردم مرا تا آنگاه که می آمد مرا موت و مرگ و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که چه ضرر دارد به کسی که خدا حق را به او شناسانیده اینکه بر قله کوهی باشد و علف صحرا بخورد تا آنگاه که مرگ او را دریابد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که ضرر ندارد به حال کسی که بر این امر یعنی ولایت باشد اینکه سایه نداشته باشد مگر سایه درخت و خوراکی نباشد برای او غیر از برگ درخت و روایت شده که معروف کرخی به حضرت صادق علیه الصلوة والسلام عرض میکند مرا وصیت بفرما؛ حضرت میفرماید: آشنایان خود را کم کن؛ عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: انکار کن کسی را از مردم که میشناسی؛ عرض میکند زیاد بفرما؛ میفرماید: بس است تو را و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که زمانی بر مردم بیاید که عافیت ده جزء باشد، نه جزء آن در کناره گیری از مردم است و جزء دیگر آن در صمت و خاموشی و نیز از آن جناب روایت شده کسی که با مردم خلطه و آمیزش داشته باشد، مگر آنها دامن او را میگیرد و کسی که کنار برود از شر ایشان سالم بماند و نیز میفرماید سلامتی دین در عزلت از مردم است و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که صبر بر تنهایی نشانه قوی بودن عقل است.

تنبيه صد و سی و هشتم

(در اجتناب از غضب و اعمال آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که غضب فاسد و تباه میکند ایمان را، همچنانیکه صبر زرد و سرکه فاسد میکند غسل را و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هر کس غضب خود را از مردم باز بدارد، یعنی اعمال نکند، خدا در روز قیامت عذاب خود را از او باز میدارد و از فقه الرضا علیه السلام نقل شده که روایت شده مردی از عالم علیه الصلوة والسلام سؤال نمود که به او چیزی یاد بدهد که به واسطه آن خیر دنیا و آخرت نصیب او شود؛ پس حضرت فرمود: غضب مکن و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که در توریة نوشته شده که خداوند عالم به حضرت موسی علیه السلام وحی فرموده که مالک باش غضب خود را از کسی که ملکیت داده ام تو را بر او تا من هم باز بدارم از تو غضب خود را و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که غضب نکند پس برای او خواهد بود بهشت و کسی که حسد نورزد برای او خواهد بود بهشت. روایت شده که مردی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض نمود عملی به من یاد بده که چیزی حائل نشود بین آن عمل و بین بهشت؛ حضرت فرمود غضب مکن. از جناب ابن عباس رحمه الله نقل شده که جناب نوح علی نبینا و آله و علیه السلام به ابلیس فرمود خبر ده مرا که چه وقت تو بر فرزند آدم مسلط تری؛ گفت: در وقت غضب و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که به جناب حارث همدانی نوشت از غضب حذر نما، چه آنکه غضب لشکر بزرگی است از لشکرهای شیطان و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که سه خصلت است که در هر کس

که باشد، خصلتهای ایمان را تکمیل نموده؛ اول آنکه هرگاه از کسی راضی شد، رضای او، او را در باطل وارد نکند و هرگاه بر کسی غضب نمود، غضبش او را از حق بیرون نبرد و چون قدرت پیدا کرد، در چیزی که جائز نیست برای او دخالت نکند و از جناب قطب راوندی در کتاب لب اللباب نقل شده که ابلیس به حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام گفت هرگاه غضب نمودی پس بگو لا حولَ و لا قوَّةَ الا بالله العلی العظیم تا غضبت ساکت شود.

تنبيه صد و سی و نهم

(در اجتناب از حسد)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که در بین اینکه جناب موسی علیه السلام با پروردگار خود مناجات میکرد و سخن میگفت ناگاه مردی را در سایه عرش خدا دید، پس گفت: پروردگارا کیست این شخص که در سایه عرش تو است؛ خدای متعال فرمود: ای موسی این شخص از کسانیست که حسد نمیبرد مردم را بر آنچه خدا از فضل خود به ایشان عطاء میفرمود و از رسول گرامی روایت شده که حسد نورزید چه آنکه حسد ایمان را میخورد و از بین میبرد، همچنانیکه آتش، هیزم خشک را میخورد و نیز از آن جناب علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که حسد و ایمان در قلب شخص جمع نمیشود و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که حسد ایمان را در قلب آب میکند، همچنانیکه آب برف را آب میکند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون جناب نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد، ابلیس نزد آن جناب آمده گفت کسی در زمین نیست که حقش از شما بر من بزرگتر باشد، زیرا که نفرین نمودی بر این فساق و هلاک شدند و مرا راحت نمودی از ایشان؛ آیا یاد ندهم شما را دو خصلت؛ از حسد دوری کن که حسد کرد با من آنچه کرد؛ دیگر آنکه از حرص دور باش، چه آنکه حرص کرد به آدم آنچه کرد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بنده، عالم نمیشود تا آنکه حسد نورزد نسبت به آن کسی که بالاتر از او است و حقیر نشمرد آن کس را که پائین تر از او است و از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده که بهتر چیزی که بنده به واسطه آن تقرب میجوید به سوی خدا بعد از معرفت نماز و برّ

والدین و ترک حسد و عجب و فخر به است و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که حسد رأس و سر عیبها است و نیز میفرماید: ایمان بری و بیزار است از حسد و نیز میفرماید: آدم حسود، حسرتش زیاد و سیئاتش مضاعف است و نیز میفرماید: ثمره و نتیجه حسد شقاوت و بدبختی دنیا و آخرتست و نیز میفرماید: وابگذار حسد و دروغ و حقد یعنی کینه را چه آنکه این سه خصلت دین را ننگین و شخص را هلاک میکند و نیز میفرماید: حسد رأس و سر رذائل است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که میفرماید: یا علی (ع) نهی میکنم تو را از سه خصلت؛ حسد و کبر و حرص و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که اصول کفر سه چیز است؛ حرص و تکبر و ورزیدن و حسد.

تنبیه صد و چهلّم

(در اجتناب از کبر و فخر که اختصاص به خدا دارد)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که جهل در سه چیز است؛ تکبر و شدت مرأ و مجادله و جهل به خدا؛ پس این جماعت خاسر و زیان کارند و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که متکبر ملعون است و متواضع نزد خدا مرفوع؛ دور باشید از کبر چه آنکه ردای خداوند عزوجل میباشد هر کس منازعه کند با خدا در بزرگی خدا او را ذلیل و خوار میفرماید و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خداوند عالم به جناب موسی علیه السلام فرمود یا موسی بدرستی که فخر ردای من است و کبریاء و بزرگی ازار من، کسی که در این دو منازعه کند با من عذاب خواهم نمود او را به آتش خود. از مسعودی علیه الرحمة در کتاب اثبات الوصیة نقل شده که میفرماید روایت شده که وحی شد به جناب داود علیه السلام همچنانیکه نزدیکترین مردم به خدا در روز قیامت کسانی خواهند بود که دارای تواضع و فروتنی باشند؛ همچنین دورترین مردم از خدا متکبرین میباشند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که متکبرین محشور خواهند شد در روز قیامت مانند مورچه های ریز به صورت مردان در حالتیکه ذلت و خواری ایشان را فرا گرفته باشد و از جمله صفات متکبر که در روایت جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله شمرده شده آنست که تمنا دارد بر خدا بهشت را و حال آنکه مقیم است بر معصیت خدا و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که من دوست ندارم پیرمردی را که جاهل باشد و نه غنی را که ظلوم باشد و نه فقیری را که متکبر باشد و از عمر بن یزید روایت شده که به حضرت صادق

عليه الصلوة والسلام عرض میکند که من طعام خوب میخورم و از بوی خوش استفاده میکنم و مرکب خوب سوار میشوم و غلام هم پشت سرم می آید؛ آیا در این وضعیات من چیزی از تکبر و نخوت مبینی که وضع خود را تغییر دهم؛ پس حضرت سر به زیر افکنده آنگاه میفرماید: جبار ملعون آن کسی است که غمض کند مردم را و جاهل باشد به حق؛ عرض میکند اما حق پس من جاهل به آن نیستم و غمض معنای آنرا نفهمیدم؛ حضرت میفرماید: غمض کننده مردم آن کس است که حقیر بشمرد مردم را و تکبر کند بر ایشان.

تنبيه صد و چهل و یکم

(در مذمت شديد حب دنيا و لزوم بغض آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله در خبر معراج نقل شده که خداوند عالم به آن حضرت فرمود: یا احمد اگر بنده نماز بخواند نماز اهل آسمان و زمین و روزه بگیرد روزه اهل آسمان و زمین و از طعام خودداری کند مانند ملائکه و بپوشد لباس عابدین را بعد ببینم در قلب او ذره ای از دوستی دنیا یا سمعه آن یا ریاست آن یا اسم و آوازه آن یا زینت آن مجاور من نخواهد شد در خانه من و هرآنینه محبت خود را از دل او بخواهم داشت و تاریک خواهم کرد قلب او را تا آنکه فراموش کند مرا و شیرینی دوستی خود را به او نخواهم چشانید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ عملی نزد خدا بعد از معرفت خدا و رسول و اهل بیت بهتر از بغض و دشمنی دنیا نیست و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که دنیا و آخرت دشمن هم میباشند که در مقابل هم قرار گرفته اند و دو راهی هستند در مقابل هم پس کسی که دوست بدارد دنیا را دشمن خواهد داشت لامحاله آخرت را و دنیا و آخرت به منزله مشرق و مغرب میباشند و کسی که راه برود بین این دو هرچه به یک کدام نزدیک شود از آن دیگری دور میشود و این دو مانند دو هوو میباشند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که میفرماید قسم به خدا که دوست ندارد خدا آن کس را که دوست بدارد دنیا را و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که وحی فرمود خدا به سوی داوود علیه السلام که اگر مرا دوست داری حُب دنیا را از قلب خود بیرون کن، چه آنکه دوستی من و دوستی دنیا در یک قلب جمع نمیشود و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده

همانجوریکه شمس یعنی خورشید با شب جمع نمیشود، محبت خدا و محبت دنیا نیز با هم جمع نمیشوند و نیز میفرماید بزرگترین خطاها دوستی دنیا است و نیز میفرماید اگر شما خدا را دوست دارید محبت دنیا را از دل خود بیرون کنید و نیز میفرماید بدرستیکه تو هرگز خدای سبحانه را ملاقات نمیکنی به عملی که ضررش بر تو بیشتر باشد از دوستی دنیا و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده خدای تعالی به جناب موسی علیه السلام میفرماید: یا موسی بدرستیکه بندگان صالح من زهد میورزند در دنیا به قدر علم و معرفتشان نسبت به من و سایر خلق راغب به دنیا میباشند به قدر جهلشان به من و احدی برای دنیا عظمت و ارزش قائل نمیشود پس روشن شود چشمش به آن و احدی حقیر نمیشمرد آن را مگر آن که به آن منتفع میشود و از حضرت عیسی علی نبینا وآله و علیه السلام روایت شده که قساوت قلب از خشکی چشم است و خشکی چشم از بسیاری گناه است و بسیاری گناه از حبّ دنیا است و حبّ دنیا سرّ هر خطائی است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که محبت دنیا سر هر خطائی و سر عبادت، حسن ظن به خدا است.

تنبيه صد و چهل و دوم

(در اهميت زهد در دنيا و تفسير آن)

از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كسى كه زهد بورزد در دنيا، خدای تعالی حكمت را در قلب او ثابت ميفرمايد و زبان او را به آن گويما ميفرمايد و بينما ميفرمايد او را به عيبيهای دنيا دردان را و دواى آن را و بيرون ميبرد او را سالماً از دنيا به سوى دارالسلام و نيز از آن حضرت روايت شده كه هرگاه خدای تبارك و تعالى خير بنده اى را بخواهد او را زاهد قرار ميدهد در دنيا و عيوب آن را به او نشان ميدهد و فقيه ميگرداند او را در دين و كسى كه اين سه خصلت به او داده شود، خير دنيا و آخرت به او داده شده و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه زهد در دنيا به اين نيست كه شخص لباس خشن و درشت بپوشد يا طعام ناملايم بخورد؛ بلكه زهد در دنيا کوتاه كردن امل و آرزو است و روايت شده كه از حضرت على عليه الصلوة والسلام سؤال شد از زهد در دنيا، فرمود: آن است كه حرام آن را ترك بگوئى و روايت شده كه مردى به حضرت رسول صلى الله عليه وآله عرض ميكند چيزى به من ياد بده كه هر گاه عمل به آن كنم خدا از آسمان و مردم از زمين مرا دوست داشته باشند؛ حضرت فرمود: رغبت و ميل پيدا كن به آنچه در نزد خدا است تا خدا تو را دوست بدارد و زهد بورز در آنچه در نزد مردم است تا مردم تو را دوست داشته باشند و از حضرت على عليه الصلوة والسلام روايت شده كه مردم سه دسته اند، زاهد و صابر و راغب؛ اما زاهد پس فرحناك و خوشحال نميشود به چيزى از دنيا كه به دستش بيايد و محزون نميشود بر چيزى از دنيا كه از او فوت شود و صابر پس به دنيا علاقه دارد لكن چون چيزى از دنيا براى او مبسر شود

خود را از آن منصرف کند بواسطه آنچه از سوء عاقبت آن میداند و راغب پس باک ندارد که از حلال گیرش بیاید یا از حرام و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که زهد آنست که طلب نکنی آنچه را نداری تا آنچه داری تمام شود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که از جناب جبرئیل علیه السلام سؤال میفرماید از تفسیر و معنای زهد؛ عرض میکند زاهد آن کس است که خالق خود را دوست بدارد و دشمن بدارد آنکه را که دشمن داشته باشد خالقش را و از حلال دنیا بگذرد و به حرام آن التفات نکند، چه آنکه در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب و نسبت به جمیع مسلمین رحم داشته باشد، همچنانیکه بر خود رحم میکند و از پرخوری خودداری نماید، همچنانیکه از میتة خودداری میکند و از سخن های بی فائده دور باشد چنانکه از حرام دوری میکند و از حطام دنیا بپرهیزد همانطوریکه از آتش پرهیز میکند که مبادا آسیبی به او برساند و اینکه امل و آرزوی خود را کوتاه کند و اجلس جلوی چشمانش باشد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که زهد عبارتست از کوتاه کردن آرزو و پاک نمودن قلب و اینکه خوشحال نشود به مدح مردم و غمناک نشود به ذم و بدگوئی ایشان و طعامی نخورد و آشامیدنی نیاشامد و لباسی نپوشد تا بداند که اصل آن طیب است و اینکه سخن نگوید در آنچه نفع و فائده ای برایش ندارد و اینکه بر دنیا نسبت به کسی حسد نورزد و علم و علماء را دوست بدارد و طالب شرافت و رفعت، یعنی بلندی نباشد.

تنبیه صد و چهل و سوم

(در منع شدید از آزار و استخفاف به مؤمن)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که اذیت کند مؤمنی را پس به تحقیق که مرا اذیت نموده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و کسی که خدا را اذیت نماید پس او ملعونست در توریة و انجیل و زبور و فرقان و نیز میفرماید کسی که محزون و اندوهناک نماید مؤمنی را، بعد دنیا را به او بدهد کفاره آن نخواهد شد و اجر داده نمیشود بر آن عطاء و از حق تعالی نقل شده که یا محمد (ص) کسی که اذیت و آزار کند ولی مرا پس به تحقیق که با من به محاربه برخواسته؛ کسی که با من محاربه کند، من نیز با او محاربه خواهم نمود؛ حضرت عرض میکند پروردگارا ولی تو چه کسی است؛ میفرماید: آن کس است که اخذ نموده ام عهد و میثاق او را برای تو و برای وصی تو و برای ورثه شما به ولایت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که خدای تبارک و تعالی فرموده که باید اعلان حرب بدهد با من آن کس که اذیت کند بنده مؤمن مرا و باید در امان باشد از غضب من آن کس که گرامی بدارد بنده مؤمن مرا و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده کسی که استخفاف برساند به فقیر مسلمانی پس به تحقیق که استخفاف رساننده به حق خدا و خدا استخفاف خواهد رسانید به او روز قیامت مگر آنکه توبه کند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که حقیر نشمرید هیچ مؤمن فقیری را چه آنکه کسی که حقیر بشمرد مؤمنی را یا استخفاف برساند به او حقیر خواهد شمرد خدا او را و پیوسته ممقوت و مبعوض خدا است تا وقتی که برگردد و توبه کند و نیز از آن حضرت (ع) روایت شده که کسی که مؤمنی را به واسطه تهی بودن دستش از مال

دنیا ذلیل و خوار بشمرد و به دیده حقارت به او نظر کند، رسوا خواهد نمود خدا او را در قیامت در پیش مردم و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که استخفاف نرسانید به فقرای شیعه علی علیه الصلوة والسلام، زیرا که مردی از ایشان شفاعت میکند در مثل قبیله ربیعہ و مضر و نیز از آن حضرت علیه السلام روایت شده که استخفاف مرسان به برادر مؤمنت، پس رحم کند خدا بر او و تغییر بدهد حال تو را و نیز از آن حضرت است که هیچ مؤمنی نیست که مخدول کند برادر خویش را و حال آنکه قادر باشد بر نصرت و یاری او مگر آنکه خدا او را مخدول کند در دنیا و آخرت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که اهانت کند فقیر مسلمانی را به واسطه فقرش و استخفاف برساند به او پس به تحقیق که استخفاف رسانیده به خدا و پیوسته در غضب و سخط خدای عزوجل خواهد بود تا راضی کند او را و کسی که اکرام نماید فقیر مسلمانی را ملاقات خواهد نمود خدا را در حالیکه خندان باشد.

تنبیه صد و چهل و چهارم

(در منع شدید از غیبت مؤمن)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که بگوید درباره برادر مؤمن خود چیزی را که میداند از او و مقصودش وارد کردن نقص باشد به او در نفسش و مروتش، پس چنین شخصی از کسانی خواهد بود که خداوند عالم درباره آنها فرموده: انَّ الذین یحبّون ان تشیع الفاحشة فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخرة؛ یعنی کسانی که دوست دارند که شایع شود فاحشة در کسانی که ایمان آورده اند، برای ایشان خواهد بود عذاب دردناک هم در دنیا و هم در آخرت و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که قسم به آن خدائی که نیست خدائی به غیر او که عطاء کرده نمیشود مؤمنی هرگز خیر دنیا و آخرت مگر به واسطه حسن ظنش به خدای عزوجل و بازداشتنش خود را از غیبت مؤمنین؛ قسم به خدائی که خدائی نیست جز او که عذاب نمیفرماید خدای عزوجل مؤمنی را بعد از توبه و استغفار مگر به جهت سوءظنش و غیبت کردن از مؤمنین و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که غیبت سخت تر است از زنا، عرض کردند برای چه؛ فرمود: برای اینکه زنا کار توبه میکند و خدا توبه او را قبول میفرماید و غیبت کننده توبه میکند، لکن خدا توبه او را قبول نمیفرماید تا آنکه کسی که غیبت او را کرده او را حلال کند و از آن حضرت (ص) روایت شده که دروغ میگوید آن کسی که خیال میکند حلال زاده است و حال آنکه گوشت مردم را به غیبت میخورد. دوری کنید از غیبت چه آنکه غیبت نان خورش سگهای آتش است و نیز از آن حضرت صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ مجلسی به غیبت آباد نمیشود، مگر آنکه از دین خراب میشود؛ پس منزّه و مبرراً

کنید گوشهای خود را از استماع غیبت، چه آنکه گوینده غیبت و شنونده آن در گناه شریکند و نیز میفرماید عذاب قبر از سه چیز است؛ نامی و غیبت و دروغ و نیز میفرماید کسی که غیبت کند از مرد مسلمانی یا زن مسلمانی، خدا نماز و روزه او را تا چهل شبانه روز قبول نمیفرماید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان بنده مستقیم نمیشود تا آنکه قلبش مستقیم شود و قلبش مستقیم نمیشود تا آنکه زبانش مستقیم شود؛ پس کسی که از شما میتواند ملاقات کند خدای سبحانه را در حالتیکه دستش از خون مسلمانان و مالشان پاک و زبانش از عرض و ابروی ایشان سالم باشد، پس این کار را بکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که من هر آئینه میشناسم اقوامی را که آتش داخل میشود در دهن های ایشان و بیرون میرود از دبرهای ایشان و شنیده میشود از آتش در شکم ایشان صدائی مانند صدای سیل؛ پس عرض شد کیانند ایشان؛ فرمود: کسانی میباشند که غیبت مردم میکنند و نیز میفرماید کسی که غیبت کند از مؤمنی، پس گویا کشته است نفسی را متعمداً و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون روز قیامت شود جماعتی اقبال کنند بر خدای عزوجل، پس برای خود حسناتی نبینند؛ عرض کنند الهینا و سیدنا حسنات ما چه شد؛ پس خدای عزوجل بفرماید: حسنات شما را غیبت خورد، چه آنکه غیبت میخورد حسنات را هم چنانیکه آتش میخورد حلقا را که گیاه مخصوصی است و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که میفرماید و روایت شده که خدای تعالی به جناب موسی علیه السلام میفرماید: کسی که بمیرد تائب از غیبت، آخر کسی خواهد بود که داخل بهشت شود و کسی که بمیرد با اصرار بر غیبت اول کسی خواهد بود که داخل آتش شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که غیبت، دین مرد را زودتر فاسد میکند از خوره

در جوفش و نیز از آن حضرت روایت شده که بهشت بر سه طایفه حرام است؛ بر منان، یعنی کسی که چون احسانی به کسی بکند بسیار بر او منت گذارد و غیبت کننده و مدمن خمر، یعنی کسی که هر وقت شراب گیرش بیاید بخورد و نیز از آن حضرت صلی الله علیه و آله روایت شده که غیبت کننده هرگاه بی توبه بمیرد، خواهدمرد در حالیکه حرام خدا را حلال شمرده باشد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که چون معامله کند با مردم ظلم نکند بر ایشان؛ یعنی در مقام معامله با مردم، کار و گفتارش ظلمانی و تاریک نباشد و چون سخن گوید دروغ نگوید و چون به ایشان وعده دهد خلف وعده نکند؛ این جورشخص، غیبتش حرام و مروّتش کامل و عدالتش ظاهر و برادری با او واجب خواهد بود.

تنبيه صد و چهل و پنجم

(در خودداری از غیبت و فائده آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که ترک غیبت محبوب تر است نزد خدا از ده هزار رکعت نماز مستحبی و نیز میفرماید شش خصلت است که هیچ مسلمانی نمیرد با یکی از آنها مگر آنکه ضامن است خدا که او را داخل بهشت نماید؛ یکی مردی که نیت او این باشد که غیبت هیچ مسلمانی را نکند، پس اگر با همین حالت بمیرد، ضامن خواهد بود بر خدا و از جناب ورام بن ابی فراس در تنبیه الخاطر نقل شده که میفرماید: و روایت شده که مردم در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله عبادت تام و کامل را در روزه و نماز نمیدانستند، بلکه در خودداری از عرض و آبروی مردم میدانستند و از کتاب فقه الرضا علیه و علی آبائه و ابنائه الصلوة والسلام نقل شده که برای ما از عالم علیه السلام روایت شده که قسم به خدا که عطا کرده نمیشود به مؤمن خیر دنیا و آخرت مگر به واسطه حسن ظنش به خدای عزوجل و امیدواری او به ذات مقدس او و حسن خلق و خودداری از غیبت مؤمنین.

تنبيه صد و چهل و ششم

(در اینکه كفاره غيبت استغفار است برای او)

از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه از رسول خدا صلى الله عليه وآله سؤال شده از كفاره غيبت؛ حضرت ميفرمايد: از خدا طلب آمرزش ميكني براي كسي كه غيبت او را كرده اي، هر زماني كه ياد كني او را و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت شده كه عقوبت غيبت سخت تر است از عقوبت زنا؛ عرض شد براي چه؛ فرمود: براي اينكه صاحب زنا توبه ميكند، پس خدا ميامرزد او را و غيبت آمرزيده نميشود، مگر آنكه صاحبش حلال كند او را و نيز از آن حضرت روايت شده كه كفاره غيبت آن است كه استغفار كني براي كسي كه غيبت او را كرده اي.

تنبيه صد و چهل و هفتم

(در ردّ غیبت مؤمن و اهمیت آن در صورت توانائی)

از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده کسی که در نزد او غیبت برادر مؤمنش را کنند، پس یاری نکند او را و دفاع نکند از او و حال آنکه قادر باشد بر آن مفتضح و رسوا خواهد کرد او را خدای عزوجل در دنیا و آخرت و از ابی الدرداء روایت شده که مردی در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردی بدگوئی کرد، پس شخصی رد نمود بر او، پس رسول خدا (ص) فرمود: کسی که رد کند از عرض برادرش، آن رد حجابی خواهد بود برای او از آتش و از کتاب اختصاص نقل شده که حضرت امیر علیه السلام دید مردی نزد فرزندش امام حسن علیه السلام غیبت کسی را میکنند، پس حضرت فرمود: ای پسرک من، گوش خود را پاک نگه دار از شنیدن امثال این سخنان، چه آنکه این مرد نگاه کرد به سوی خبیث ترین چیزیکه در ظرفش بود، پس ریخت در ظرف تو و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که غیبت کفر است و مستمع و راضی به آن مشرک؛ عرض شد اگر بگویند آنچه در او نباشد؛ فرمود: آن بهتانست و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که بشنود غیبت را، یکی از دو غیبت کننده است و نیز از آن حضرت روایت شده کسی که در نزد او غیبت برادرش کنند و بتواند از او دفاع کند و بکند، خدا در دنیا و آخرت یاری کند او را و از جناب ابی ذر علیه الرحمة از رسول گرامی علیه و آله الصلوة والسلام روایت شده که میفرماید: یا اباذر، کسی که برگرداند از برادر مؤمنش غیبت را، حق باشد بر خدا که او را آزاد کند از آتش؛ یا اباذر، کسی که در نزد او از برادر مؤمنش غیبت کنند و بتواند او را یاری کند، پس یاری کند او را، خدای عزوجل

او را یاری کند در دنیا و آخرت و اگر مخذول کند او را یعنی یاری نکند، مخذول خواهد فرمود او را خدا در دنیا و آخرت و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده کسی که رد کند از برادرش غیبتی را که بشنود، در مجلسی رد خواهد فرمود خدا از او هزار باب از شر را در دنیا و آخرت و اگر رد نکند، بلکه خوشش بیاید، خواهد بود بر او مثل وزر و وبال غیبت کننده و نیز از آن حضرت روایت شده کسی که دفاع کند از عرض و آبروی برادر مسلمانش، نوشته شود برای او بهشت البته و کسی که معروف و احسانی نسبت به او شود، پس اگر میتواند تلافی کند و اگر نمیتواند تلافی کند، پس مدح کند احسان کننده را به آن احسان، پس اگر این کار را هم نکرد، پس به تحقیق که کفران نعمت نموده.

تنبيه صد و چهل و هشتم

(در مذمت سخن چینی)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چهار طایفه میباشند که عذابشان زیاده‌تر است از عذاب باقی اهل جهنم؛ تا آنکه میفرماید: و مردی که غیبت مردم کند و نمام باشد، پس این جور آدم در آتش گوشت خود را میخورد و از جناب ابی ذر رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا اباذر، داخل بهشت نمیشود قتات؛ عرض میکند قتات کیست؛ میفرماید: نمام، یعنی سخن چین، یا اباذر کسی که صاحب دو رو و دو زبان باشد در دنیا، پس او در آتش نیز دوی رو داشته باشد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که بهشت حرام است بر سه طایفه؛ بر منان و قتات و مدمن خمر و از ربیع، حاجب منصور دوانیقی روایت شده که حضرت صادق علیه الصلوة والسلام به منصور میفرماید: قبول مکن درباره ذی رحم خود و اهل رعایت از اهل بیت خود سخن کسی را که خدا بهشت را بر او حرام فرموده و جایگاه او آتش است، چه آنکه نمام شاهد زور و شریک ابلیس است و خدای تعالی میفرماید: یا ایها الذین امنوا ان جانکم فاسق بنباء فتیینوا ان تصیبوا قوما بجهالة فتصبحوا علی ما قلنم نادمین الخبر و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده در اثنای آنکه موسی علیه السلام با پروردگار خود مناجات میکرد مردی را دید در زیر سایه عرش خدا؛ عرض کرد پروردگارا کیست این کسی که عرش تو سایه افکنده بر او؛ فرمود: این کسی است که نسبت به والدینش نیکوکار بود و نمامی نمیکرد.

تنبيه صد و چهل و نهم

(در نظر کردن به محبت بر اولاد رسول (ص) و پدر و مادر و عالم)

از حضرت رضا علیه و علی آبائه و ابنائه الصلوة والسلام روایت شده که نگاه کردن به سوی ذریه ما عبادتست. عرض شد به سوی ائمه از شما یا ذریه پیغمبر صلی الله علیه و آله؛ فرمود: بلکه نظر به سوی تمام ذریه نبی (ص) عبادت است مادامی که از منهاج و طریقه آن حضرت مفارقت نکرده و خود را آلوده به معاصی ننموده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که نظر کردن فرزند به سوی والدینش از روی محبت، عبادت است و نیز میفرماید: نظر به سوی عالم به محبت، عبادت است و از آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز روایت شده یا اباذر نشستن یک ساعت نزد مذاکره علم بهتر است برای تو از عبادت یکسال که شبها به عبادت و روزها به روزه بگذرانی و نظر به صورت عالم بهتر است برای تو از آزاد کردن هزار بنده و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که نشستن یک ساعت نزد علماء دوست تر است به سوی خدا از عبادت هزار سال و نظر به سوی عالم دوست تر است به سوی خدا از اعتکاف یک سال در بیت الحرام و از کتاب شرف النبی (ص) نقل شده که در زمان حضرت رسول (ص) مردم نماز میخواندند و جناب ابی ذر نظر به صورت علی علیه السلام میکرد؛ جهت پرسیدند؛ فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که میفرمود نظر به سوی علی بن ابیطالب علیهما السلام عبادت است؛ نظر به سوی پدر و مادر از روی مهربانی و رحمت عبادت است؛ نظر به مصحف یعنی قرآن عبادت است و نظر به سوی کعبه عبادت است.

تنبيه صد و پنجاهم

(در این که زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام، از وفای به عهد ایشان است)

از حضرت رضا علیه و علی ابائه و ابنا نه الصلوة والسلام روایت شده که برای هر امامی عهده‌ای است در گردن اولیاء و شیعه او و از تمام وفای بعهد زیارت قبور ایشان است. پس کسی که از روی میل و رغبت زیارت کند قبور ایشان را و تصدیق داشته باشند به آنچه ترغیب شده اند در آن خواهند بود ائمه (ع) شفیعان ایشان در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که یا علی کسی که زیارت کند مرا در حیوة من یا بعد از موت من یا زیارت کند تو را یا دو فرزندت را در حیوة یا بعد از موت، ضامن میشوم برای او در روز قیامت اینکه خلاص کنم او را از احوال و شدائد آن تا آنجا که جای دهم او را با خود در بهشت و نیز از آن حضرت روایت شده که هرکس زیارت کند آن حضرت را یا علی و حسن و حسین علیهم الصلوة والسلام را بعد از وفات و قصدی غیر از زیارت نداشته باشد، برای او خواهد بود بهشت و نیز از آن حضرت روایت شده که هرکس که زیارت کند مرا یا یکی از ذریه مرا، زیارت خواهم نمود او را روز قیامت و نجات خواهم داد او را از احوال آن و از زید شحام علیه الرحمة روایت شده که به حضرت صادق علیه الصلوة والسلام عرض میکند چیست پاداش کسی که زیارت کند یکی از شما را؛ میفرماید: خواهد بود مانند کسی که رسول خدا را زیارت کرده باشد.

تنبيه صد و پنجاه و یکم

(در مدح گریه کردن بر مصائب وارده بر ائمه علیهم السلام)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که کسی که یاد شویم ما در نزد او پس اشک از چشمش خارج شود ولو به اندازه بال مگس می آمرزد خدا گناهان او را ولو به اندازه کف دریا باشد و از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که بنشیند در مجلسی که احیا میشود در آن امر ما، نخواهد مرد در روزیکه دلها مرده است و کسی که یاد کند مصیبتهای وارده بر ما را پس گریه کند و بگریاند چشم او گریان نخواهد بود در روزیکه چشمها گریان باشد و از آن حضرت نیز روایت شده خطاب به ریان بن شیب، ای پسر شیب اگر گریه کنی بر حسین علیه السلام تا آنکه اشکت جاری شود بر صورتت بیا مرزد خدا هر گناهی که کرده باشی، کوچک باشد یا بزرگ؛ کم باشد یا زیاد؛ ای پسر شیب اگر مسرور میکند تو را اینکه ملاقات کنی خدای عزوجل را و گناهی بر تو نباشد پس زیارت کن حسین علیه السلام را؛ ای پسر شیب اگر خوشحال میکند تو را اینکه ساکن شوی در غرفه های بهشتی با رسول خدا و آلش علیه و علیهم الصلوة والسلام پس لعنت کن کشندگان حسین علیه السلام را؛ ای پسر شیب اگر مسرور میکند تو را اینکه با ما باشی در درجات عالیه از بهشت پس محزون شو برای حزن ما و خوشحال شو برای خوشحالی ما و بر تو باد بولایت و دوستی ما؛ چه آنکه اگر مردی، سنگی را دوست بدارد هر آئینه محشور میفرماید خدا او را با همان سنگ در روز قیامت و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که یاد شود نزد او حسین علیه السلام پس خارج شود از چشم او اشک به اندازه بال مگسی، ثواب او بر خدا است و خدا (تع) راضی

نشود برای او به غیر از بهشت و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که یاد شویم ما نزد او پس چشمش اشک آلود شود، حرام میفرماید خدا صورت او را بر آتش.

تنبيه صد و پنجاه و دوم

(در اهميت زيارت مرقد امام حسين عليه السلام و باقى ائمه عليهم السلام)

از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده در حديثى كه به امام حسن عليه السلام ميفرمايد: زيارت خواهند نمود تو را طائفه از امت من كه ميخواهند به آن بر و صله مرا؛ پس چون روز قيامت شود من زيارت خواهم نمود ايشان را در موقف و بازوهای ايشان را گرفته از احوال و شدائد آن نجات خواهم داد و از حضرت موسی بن جعفر عليهما السلام روايت شده كسى كه زيارت كند قبر حسين عليه السلام را در حاليكه عارف باشد به حق آن جناب، بيامرزد خدا براى او گناه گذشته و آينده او را و از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده كه امر كنيد شيعه ما را به زيارت قبر حسين عليه السلام، چه آنكه زيارت آن حضرت روزى را زياد و عمر را طولانى ميكند و بديتها را از او دفع ميكند و زيارت آن جناب فرض است بر هر مؤمنى كه اقرار داشته باشد به امامت او از طرف خدا و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كسى كه برود به زيارت حسين عليه السلام و عارف باشد به حق او مينويسد او را خدای عزوجل در اعلا عليين و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده كه احدى در يوم قيامت نخواهد بود مگر آنكه آرزو خواهد كرد كه كاش در دنيا زيارت ميكرد حسين عليه السلام را به واسطه آنچه ميبيند از كرامت زائرین آن حضرت بر خدا (تع) و روايت شده كه مردى خدمت حضرت صادق عليه الصلوة والسلام رسیده عرض نمود آيا پدريت زيارت ميشود؛ فرمود: بلى؛ عرض كرد چيست پاداش كسى كه زيارت كند آن حضرت را؛ فرمود: بهشت اگر اقتداء كند به آن حضرت؛ عرض نمود پس چيست براى كسى كه ترك كند آن

را به واسطه میل نداشتن به آن؛ فرمود: حسرت در یوم الحسرة و از بعضی از اصحاب نقل شده که به حضرت صادق علیه السلام عرض میکند من نوزده حج و نوزده عمره به جا آورده ام؛ میفرماید: یک حج و یک عمره دیگر به جا آور تا نوشته شود برای تو زیارت حسین علیه السلام؛ بعد میفرماید: آیا بیست حج و عمره نزد تو محبوب تر است یا آنکه محشور شوی با امام حسین علیه السلام؛ عرض میکند محشور شدن با حسین علیه السلام نزد من محبوب تر است؛ میفرماید: پس زیارت کن ابا عبدالله علیه السلام را.

تنبيه صد و پنجاه و سوم

(در اهمیت زیارت مرقد امام رضا علیه السلام)

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده کسی که مرا با دوری خانه و مزارم زیارت کند، در سه جا خواهم آمد روز قیامت تا آنکه او را خلاص میکنم از اهلالش؛ اول وقت تطایر کتب به طرف راست و چپ، دوم نزد صراط، سوم نزد میزان و نیز از آن حضرت علیه السلام روایت شده که کسی که زیارت کند مرا و حال آنکه بشناسد آنچه را که خدای تعالی واجب فرموده از حق و طاعت من، پس من و آباء من شفعی او خواهیم بود و کسی که ما شفعی او باشیم نجات میابد و اگرچه بر او باشد مثل وزر ثقلین یعنی جن و انس و از حضرت جواد علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که در طوس قبر پدرم را زیارت کند، خدا گناه گذشته و آینده او را بیامرزد و چون روز قیامت شود نصب شود برای او منبری مقابل منبر رسول خدا صلی الله علیه وآله تا آنگاه که خدا از حساب بندگان خود فارغ شود و از حضرت رضا علیه وعلى آبائه وابنائہ الصلوۃ والسلام روایت شده که ————— باب دعبــــــــــــــل
علیه الرحمة میفرماید منقضی نمیشود ایام و لیالی تا آنکه طوس محل رفت و آمد شیعه و زوار من قرار بگیرد آگاه باش پس کسی که زیارت کند مرا در غربت به طوس خواهد بود در روز قیامت با من در درجه من در حالتی که آمرزیده شده باشد و از جناب علی بن مهزیار علیهما الرحمة روایت شده که به حضرت جواد علیه الصلوة والسلام عرض میکند فدایت شوم زیارت رضا علیه السلام افضل و بهتر است یا زیارت ابی عبدالله الحسین علیه

السلام؛ میفرماید: زیارت پدرم افضل است برای خاطر اینکه اباعبدالله علیه السلام را همه مردم زیارت میکنند و پدر مرا زیارت نمیکند مگر خواص از شیعه.

تنبيه صد و پنجاه و چهارم

(در اهمیت زیارت ائمه و حضرت عبدالعظیم و فاطمه معصومه (ع)

و توضیحی در مورد پنج تنبیه اخیر)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که مرا زیارت کند آمرزیده شود برای او و فقیر نمیرد و از حسن بن علی و شّا روایت شده که به حضرت رضا علیه الصلوة والسلام عرض میکند چیست پاداش کسی که بیاید قبر یکی از ائمه علیهم السلام را؛ میفرماید: برای او باشد آنچه برای زائر قبر ابی عبدالله علیه السلام هست؛ عرض میکند چیست جرای کسی که زیارت کند قبر ابی الحسن علیه السلام را؛ میفرماید: مثل آنچه برای زائر قبر ابی عبدالله علیه السلام میباشد و از حضرت هادی علیه الصلوة والسلام روایت شده که به مردی از اهل ری میفرماید: کجا بودی؛ عرض میکند به زیارت قبر حسین علیه السلام رفته بودم؛ حضرت میفرماید: آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم علیه السلام را که نزد شما هست زیارت کنی هر آئینه مانند کسی خواهی بود که حسین بن علی علیهما الصوة والسلام را زیارت کند و از حضرت رضا علیه السلام روایت شده کسی که زیارت کند قبر عبدالعظیم علیه السلام را بهشت برای او واجب شود و از سعد بن سعد علیهما الرحمة روایت شده که از زیارت جناب فاطمه معصومه علیها السلام از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام سؤال میکند؛ حضرت میفرماید: کسی که زیارت کند او را یعنی در قم پس برای او باشد بهشت و از حضرت ابی عبدالله الصادق در حدیثی روایت شده که میفرماید: برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول صلی الله علیه وآله نیز حرمی است و آن مدینه است و از برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و

برای ما نیز حرمی است و آن بلده قم میباشد و زود است که دفن شود در آن زنی از اولاد من که نام وی فاطمه باشد؛ پس کسی که زیارت کند او را واجب شود برای او بهشت. راوی میگوید که حضرت صادق این فرمایش را در وقتی فرمود که هنوز حضرت کاظم علیه السلام متولد نشده بودند.

مؤلف گوید قدر متیقن در اخبار مذکوره در این پنج تنبیه زائری است که از رفتار و گفتار حضرت رسول و ائمه علیه و علیهم الصلوٰة والسلام متابعت و پیروی کند. کما اینکه از فرمایش حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام که در تنبیه ۱۵۲ ذکر شد، استفاده شده به دست می آید و آن فرمایش این بود که در جواب راوی که عرض کرد چیست جزای کسی که زیارت کند او را یعنی پدرت را فرمو: بهشت، اگر اقتدا نماید به آن حضرت.

تنبيه صد و پنجاه و پنجم

(در اهميت زيارت برادران ديني و يك روايت شريف)

از خداوند متعال روايت شده مسلماني که زيارت کند مسلماني را، او را زيارت نميکند بلکه مرا زيارت ميکند و ثواب او بهشت است و از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده که براي خدا بهشتي است که داخل نميشود آن بهشت را مگر سه نفر؛ يکي آنکس که حکم کند درباره خود به حق و ديگر آنکس که زيارت کند برادر مؤمن خود را بدون غرض مادي، سوم آن کسي که نيکوئي کند به برادر مؤمن خود براي خدای عزوجل و از حضرت علي عليه الصلوة والسلام روايت شده کسي که زيارت کند برادر مسلمان خود را براي خدا، ندا ميفرمايد او را خدا که اي زائر گوارا باد بر تو بهشت و از حضرت رسول صلي الله عليه وآله روايت شده کسي که زيارت کند برادر خود را براي خدا، قدمي برنميدارد و قدمي نميگذارد مگر آنکه خدا او را يک درجه بالا ميبرد و يک حسنه براي او مينويسد و يک سيئه از او محو ميکند و اذن ميدهد ملائکه را در تشييع او و اهل آسمانها از عمل او تعجب ميکنند و در خشنودي خدا ميباشد تا آنکه برگردد و از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام روايت شده که کسي که زيارت کند برادر مؤمن خود را مينويسد خدا براي او به هر قدمي هزار حسنه و محو ميفرمايد از او هزار سيئه و بلند ميفرمايد براي او هزار درجه و نيز از آن حضرت روايت شده کسي که زيارت کند برادر مؤمن خود را براي خدای عزوجل، ميفرمايد مرا زيارت کردی و ثواب تو بر من است و من راضي نخواهم شد براي تو ثوابي را غير از بهشت و از حضرت ابي الحسن الاول عليه الصلوة والسلام روايت شده کسي که قادر نيست بر زيارت ما، پس زيارت کند برادران

صالح ما را که نوشته میشود برای او ثواب زیارت ما و کسی که قادر نیست بر صله ما، پس زیارت کند برادران صالح خود را تا نوشته شود برای او ثواب صله ما و از محمد بن داود بن عقبه علیهما الرحمة روایت شده که همسایه‌ای داشتم که او را علی بن محمد میگفتند. برای من نقل کرد که ماهی یکمرتبه حسین علیه السلام را زیارت میکردم تا آنکه سنم زیاد شد و بدنم ضعیف شده و مدتی موفق نشدم به زیارت آن حضرت. پس از مدتی بیرون آمدم پیاده برای زیارت آن حضرت، پس از چند روز رسیدم به حرم مطهر آن جناب، پس سلام دادم و دو رکعت نماز زیارت خواندم و خوابیدم. در عالم رؤیا دیدم آن حضرت از قبر مطهر بیرون آمد و به من فرمود: یا علی چرا بر من جفا نمودی، تو که نسبت به من نیکوکار بودی؛ عرض کردم یا سیدی جسمم ضعیف شده و قوت از پاهایم رفته و چون کانه به قلبم الهام شده که عمرم به آخر رسیده، لهذا در چند روز آمدم به دیدار شما و از شما چیزی روایت شده که میخواهم از خود شما بشنوم. فرمود: بگو چه روایت شده از من، عرض کردم روایت شده از شما کسی که زیارت کند در حیثش مرا، من او را بعد از وفاتش زیارت خواهم نمود. حضرت فرمود: بلی گفته‌ام آن را و اگر او را یعنی زائر را در آتش بینم او را بیرون میآورم.

تنبیه صد و پنجاه و ششم

(در لزوم و اهمیت جهاد با نفس و شیطان)

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که نفس انسان مجبول است بر سوء ادب، یعنی سوء ادب جبلی او است و بنده مأمور است به حسن ادب و نفسش بالطبیعة در میدان مخالفت جولان میزند و بنده بایستی جد و جهد کند در برگردانیدن آن؛ پس کسی که عنان نفسش را رها کند پس شریک او شده در فساد او و کسی که یاری کند نفس خود را در عمل کردن به هوی و هوسش، پس در قتل نفس خود با نفسش شرکت نموده و از کتاب عوالی اللئالی نقل شده که میفرماید: روایت شده در بعضی از اخبار که مردی که نامش مجاشع بود خدمت رسول گرامی علیه و آله الصلوة والسلام رسیده عرض نمود راه به سوی معرفت حق چگونه است؛ حضرت فرمود: معرفت نفس؛ پس گفت یا رسول الله پس چگونه است راه به سوی موافقت حق؛ فرمود: مخالفت نفس؛ عرض کرد چگونه است راه به سوی خوشنودی حق؛ فرمود: سخط نفس؛ عرض کرد پس چگونه است راه به سوی وصل حق؛ فرمود: هجرت نفس؛ عرض کرد پس چگونه است راه به سوی طاعت حق؛ فرمود: نافرمانی نفس؛ عرض نمود پس چگونه است راه به سوی نزدیک شدن به حق؛ فرمود: دوری از نفس؛ عرض کرد پس چگونه است راه به سوی انس به حق؛ فرمود: وحشت از نفس؛ پس گفت یا رسول الله پس چگونه است راه به سوی این خصلتها؛ فرمود: یاری خواستن از حق بر نفس. مؤلف گوید مراد از حق در این فرمایشات، خداوند عالم است جل و علا و از مصابح الشریعة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که در حدیثی میفرماید: خوشا به حال کسی که جهاد کند با نفس خود در راه خدا و کسی

که شکست دهد لشکر هوی و هوس خود را ظفر میابد به رضای خدای تعالی و از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده که در خبر طولانی به جناب هشام بن الحکم میفرماید که بر تو باد به اعتصام به پروردگار خود و توکل بر او و جهاد کن با نفس خود برای آنکه برگردانی او را از هوی و هوس پس این کار واجب است بر تو مانند جهاد با دشمن خود. هشام عرض میکند جهاد با کدام دشمن واجبتر است؛ میفرماید: آن دشمنی که از همه دشمنان به تو نزدیکتر است و از همه دشمنان با تو دشمندر است و ضرر او به تو از همه دشمنان بیشتر است و عداوت او نسبت به تو از همه دشمنان بزرگتر است و شخص او با نزدیک بودنش به تو از همه دشمنان مخفی تر است دشمنی که تحریص میکند دشمنان تو را بر تو و او ابلیس است که موکل است به وسوسه کردن قلبها، پس باید دشمنی تو نسبت به او شدید باشد و صبر او بر جهاد با تو برای هلاک کردنت نباید بیشتر باشد از صبر تو بر جهاد کردن با او چه آنکه او با قوتش از تو ضعیف تر است هرگاه پناهنده شوی به خدای تعالی کسی که پناه به خدا ببرد هدایت خواهد شد به سوی راه راست و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که کسی که نباشد برای او واعظی از قلبش و زجرکننده ای از نفسش و نباشد برای او قرینی که ارشاد کند او را دشمنش سوار گردنش میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که یا علی بهترین جهادها آن است که شخص صبح کند در حالتی که قصد ظلم بر احدی را نداشته باشد.

تنبيه صد و پنجاه و هفتم

(در خوف از خدا و انصاف با مردم و روایات خوب)

بسم الله و له الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چون روز قیامت بشود منادی ندا کند ایها الناس نزدیکترین شما به خدا آن کس است که خوفش از خدا بیشتر باشد و دوست ترین شما به سوی خدا آن کس میباشد که عملش نیکوتر باشد و بزرگترین شما نزد خدای تعالی از حیث نصیب و بهره آن کسی است که در آنچه نزد خدا است راغب و مایل تر باشد، بعد خدای عزوجل بفرماید من جمع نخواهم کرد بر شما ناراحتی دنیا و آخرت را، پس امر بفرماید کرسی ها برای ایشان بگذارند، پس بر آن کرسی ها بنشینند و خدای متوجه به ایشان بشود در حالتیکه از ایشان راضی و خوشنود باشد و ثواب ایشان را نیکو کند و از عالم علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای جل و علا وحی فرمود به جناب آدم علیه السلام که من تمام کلام را در چهار کلمه جمع میکنم؛ پس آدم علیه السلام عرض نمود بیان بفرما برای من؛ پس وحی فرمود به سوی او که یک کلمه برای من و کلمه دیگر بین من و تو و کلمه سوم برای تو و کلمه چهارم بین تو و مردم. —————. پس آن کلمه ای که برای من است آن است که ایمان بیاوری به من و چیزی را شریک من نگردانی و کلمه ای که برای تو است آن است که جزا میدهم تو را از ایمان و توحیدت و آنچه بین من و تو است پس بر تو است دعا و بر من است اجابت و آنچه بین تو و مردم است آن است که بپسندی برای مردم آنچه را که برای خود میپسندی و مکروه بدانی برای مردمان آنچه را که خود از آن کراهت داری و از عالم علیه الصلوة والسلام نیز روایت

شده که خوبان از بندگان کسانی میباشند که چون عمل نیکی بجا بیاورند خوشحال شوند و چون عمل ناپسندی مرتکب شوند، ناراحت شوند و استغفار کنند و هرگاه عطا کرده شوند، شکر نمایند و هرگاه مبتلا شوند صبر کنند و چون غضبناک شوند، اعمال غضب نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که یا علی سفارش میکنم تو را به خصلتهای چندی پس حفظ کن آن را؛ بعد عرض نمود خدایا یاری کن او را؛ اما خصلت اول پس صدق و راستی بطوریکه هیچوقت از دهانت دروغی بیرون نیاید؛ دوم ورع بجوریکه هرگز جرئت نکنی بر خیانتی؛ سوم خوف از خدا گویا که میبینی او را؛ چهارم بسیاری گریه از خوف و خشیت خدای عزوجل که به هر دانه اشکی خانه ای در بهشت برای تو بنا کرده میشود؛ پنجم بذل مال و جانت در راه حفظ دینت؛ ششم عمل نمودن به سنت من در نماز و روزه و صدقه ی من، اما نماز پس پنجاه رکعت و اما روزه پس در هر ماهی سه روز، پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه، اما صدقه پس به اندازه ای صدقه بده که گفته شود اسراف کردی و حال آنکه اسراف نکرده ای و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که دوست ترین شما به سوی خدا آن کس باشد که بیشتر یاد خدا کند و گرامیترین شما نزد خدا با تقوی ترین شما است و نجات پیدا کننده ترین شما شدیدترین شما است از جهت خوف از خدا و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بسیار نشمیرید خیر بسیار را و کم میندازید گناه کم را چه گناه کم به تدریج جمع میشود آنگاه بسیار میشود و از خدا بترسید در پنهانی تا آنکه انصاف بدهید و مسارعت کنید به سوی طاعت خدا و راست گفتن را شعار خود سازید و ادای امانت را پیشه خود قرار دهید چه آنکه بر نفع شما تمام میشود و داخل نشوید در چیزیکه برای شما حلال نیست زیرا که بر ضررتان تمام میشود و از حضرت

رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که چون خطبه میخواندند، در آخر خطبه میفرمودند خوشا حال کسی که خُلُقش طیب و پاکیزه باشد و باطنش صالح باشد و علانیه و آشکارایش نیکو باشد و زیادتی مال خود را انفاق کند و از زیادتی گفتارش خودداری کند و با مردم به انصاف رفتار نماید و از جناب لقمان علیه السلام روایت شده که در مقام وصیت به فرزند خود میفرماید: ای پسرک من، تحریص و ترغیب میکنم تو را به شش خصلت که هر یک از آن خصلتها تو را به خشنودی خدا نزدیک و از سخط او دور مینماید؛ اول آنکه عبادت و پرستش کنی خدا را و هیچ چیز را شریک برای او قرار ندهی و دوم آنکه به تقدیر خدا راضی باشی در آنچه دوست داری و در آنچه کراهت داری؛ سوم آنکه دوست بداری در راه خدا و دشمن بداری در راه خدا؛ چهارم آنکه دوست بداری برای مردم آنچه را که برای خود میخواهی و کراهت داشته باشی برای مردم آنچه را که برای خود نمیخواهی؛ پنجم آنکه غیظ خود را فرونشانی و نیکوئی کنی نسبت به کسی که نسبت به تو بدی نموده؛ ششم ترک هوی و هوس و از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوٰة والسلام از جناب سلیمان بن داود علی نبینا وآله وعلیه الصلوٰة والسلام روایت شده داده شده ایم ما آنچه را که به مردم داده شده و آنچه را که داده نشده و ما میدانیم آنچه را که مردم میدانند و آنچه را که نمیدانند پس نیافتیم چیزی را که افضل و بهتر باشد از خشیت و خوف خدا در نهانی و آشکارا و میانه روی در حال غنی و فقر و گفتن حق در حال رضا و غضب و تضرع به سوی خدای عزوجل بر هر حال.

تنبيه صد و پنجاه و هشتم

(در تمجید تفکر و عبرت و روایات خوب)

بسم الله و له الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که دل خود را بیدار کن به فکر و تفکر و از خواب پهلوی خویش را تهی کن و از پروردگار خود بپرهیز و از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام از عالم علیه الصلوة والسلام روایت شده که خوشا حال کسی که صمت و خاموشی او تفکر باشد و نظرش به موجودات عبرت و کلام و سخنش ذکر و خانه اش وسعت او را داشته باشد کنایه از این که به تنهایی بسازد و بر خطینه خود گریه کند و مردم از دست و زبان او سالم باشند و نیز میفرماید در همان کتاب که برای ما روایت شده که فکر یک ساعت بهتر است از عبادت یکسال؛ پس از عالم علیه السلام سؤال نمودم از چگونگی آن؛ فرمود: به خرابه ها و خانه های خالی که میگذری با خود بگوئی کجا رفتند بناکنندگان تو، کجايند ساکنين تو، چه شده تو را که حرف نمیزنی و نیست عبادت به بسیاری نماز و روزه، بلکه عبادت، تفکر در امر خدای جل و علا است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که عبرت بگیريد به آنچه گذشته از دنیا، آیا باقی مانده است بر احدی و آیا کسی در آن باقی مانده از شریف و ضعیف و غنی و فقیر و دوست و دشمن و آنچه بیاید به آنچه گذشته شبیه تر است از آب باب؛ رسول خدا فرموده مرگ و عقل کافی است برای دلیل و راهنما بودن و تقوی برای زاد و توشه بودن و عبادت برای مشغول بودن و خدا تع برای انیس و مونس بودن و قرآن برای بیان بودن و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که تفکر در آلاء و

نعمتهای خدا نیکو عبادتی است. جناب نوح علیه السلام میفرماید: دنیا را یافتم مانند خانه ای که دو در داشته باشد و از دری داخل و از در دیگر خارج شوم.

تنبيه صد و پنجاه و نهم

(در آنچه برای کمال مؤمن لازم است)

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مؤمن صالح و نیک نمیشود مگر بر سه خصلت. اول فقه در دین؛ دوم در امر معاش خود نیکواندازه گیری کند؛ سوم صبر بر ناراحتیهائی که توجه به او میکند. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که سه خصلت است هر کس آن سه خصلت در او باشد تمام خصلتهای خوب را داراست. اول آنکه چون قدرت و توانائی پیدا کند، بر چیزیکه برای او جائز نیست در آن دخالت نکند؛ دوم هرگاه غضب کند، غضبش او را از حق خارج نکند؛ سوم آنکه هرگاه راضی شد، رضای او، او را داخل باطل نکند و از آن حضرت (ص) روایت شده که احدی داخل بهشت نمیشود مگر به واسطه حسن خلق و از جراح مدائنی از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که فرمود: آیا حدیث نکنم تو را به مکارم اخلاق گذشت نمودن از مردم و مساوات با برادر دینی به مال و بسیار یاد خدا نمودن و از آن حضرت علیه الصلوة والسلام نیز روایت شده که بر شما باد به مکارم اخلاق چه آنکه خدای عزوجل دوست دارد آن را و از افعال ذمیمه و ناجور دوری کنید زیرا که خدای عزوجل دشمن میدارد آن را و بر شما باد به تلاوت قرآن تا آنکه میفرماید: بر شما باد به حُسن خلق زیرا که صاحبش را میرساند به درجه صائم النهار و قائم الليل و بر شما باد به حسن جوار، یعنی با همسایگان رفتار خوش داشتن، چه خدا به آن امر فرموده و بر شما باد به مسواک نمودن که پاک کننده است و بر شما باد به فرائض و واجبات الهی و بر شما باد به اجتناب و دوری از محرّمات.

تنبیه صد و شصتم

(در یقین و اینکه راحت در یقین و رضا به قضا و قدر است)

بسم الله و له الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده هیچ بنده ای طعم ایمان را نمیابد تا آنکه بداند آنچه به او میرسد نمیشد که خطا کند و آنچه خطا کند نمیشد برسد به او و بداند که ضار و نافع او خدا است عزوجل و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که صحت یقین مرد مسلمان به آن است که خوشنود نکند مردم را به آنچه سخط خدا در آن است تا آنکه میفرماید: بدرستیکه خدا به عدل و قسط خود قرار داده است روح و راحت را در یقین و رضا به قضا و قدر و قرار داده حزن و اندوه را در شک و سخط نسبت به قضا و قدر خدا و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که جمعی پس از اسلام آوردن خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسیده عرض نمودند که یا رسول الله آیا به واسطه اعمالی که در جاهلیت بجا آورده ایم از ما مؤاخذه میشود؛ حضرت فرمود: کسی که اسلامش نیکو و یقینش صحیح باشد، اخذ نمیفرماید خدا او را به آنچه بجا آورده و کسی که اسلامش سخیف و ناقص باشد و یقین او صحیح نباشد، اخذ میفرماید خدا او را به اول و آخر و از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام روایت شده که بدانید حقیر و کوچک نیست آنچه ضررش در قیامت به شخص میرسد و هم چنین صغیر و کوچک نیست آنچه نفعش در قیامت عاید شخص میشود پس بوده باشید در آنچه خدا به شما خبر داده مانند کسی که به چشم خود ببیند و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که به حمران بن اعین میفرماید: یا حمران تا آنکه میفرماید و بدان که عمل کم دائم با یقین افضل و بهتر است از عمل بسیار که بر غیر یقین باشد و از حضرت

رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که علامت و نشانه صاحب یقین شش چیز است؛ اول آنکه یقین بداند که خدا حق است، پس ایمان بیاورد به او و یقین بداند که مرگ حق است، پس از آن برحذر باشد و یقین داشته باشد به اینکه یک زمانی برانگیخته خواهد شد، پس از مفتضح و رسوا شدن در آن روز بترسد، یعنی در دنیا مواظب خود باشد و یقین بداند که بهشت حق است، پس اشتیاق پیدا کند به آن و یقین بداند که آتش حق است، پس ظاهر شود سعی و کوشش او برای نجات از آن و یقین داشته باشد به اینکه حساب حق است، پس به حساب خود برسد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که احدی نیست مگر آنکه از طرف خدا حفظه ای هست که او را حفظ میکنند از اینکه در گودال یا چاهی بیافتد یا دیواری روی او خراب شود یا آفت دیگری به او برسد و چون مقدر شده باشد که صدمه به او برسد، ملائکه حفظه از حفظ او خودداری میکنند.

تنبيه صد و شصت و یکم

(در محوریت عقل برای ایمان و اسلام)

بسم الله و له الحمد. از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده که از برای خدای عزوجل بر مردم دو حجت است. حجت ظاهره و حجت باطنه. پس اما حجت ظاهره انبیاء و رسولان و ائمه علیهم الصلوٰة والسلام میباشند و اما حجت باطنه پس عقول میباشند تا آنکه میفرماید شخص عاقل راضی میشود به دنیای کم با حکمت و راضی نمیشود به حکمت کم با دنیا پس از این جهت است که از تجارت خود ربح و منفعت میبرند عقلاء زیادتی های دنیا را ترک میکنند تا چه رسد به گناهان و ترک دنیا فضیلت دارد و ترک گناهان فرض و واجب است بدرستیکه عاقل نظر میکند به سوی دنیا و اهل دنیا پس میابد که دنیا به دست نیاید مگر به مشقت و نظر میکند به آخرت میبیند که آخرت هم به دست نیاید مگر به مشقت، پس طلب میکند به مشقت آن را که باقی تر است که آخرت باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که از عقل رشد و هدایت بخواهید تا آنکه هدایت شوید و عقل را معصیت و نافرمانی نکنید که پشیمان میشوید و از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که عقل شرعی است در داخل و شرع عقلی است در خارج و از ابن سکیت روایت شده که از حضرت رضا علیه الصلوٰة والسلام سؤال میکند که امروز حجت بر خلق چیست؛ حضرت میفرماید: عقل که به واسطه آن میشناسی راستگوی بر خدا را پس تصدیق میکنی او را و دروغگوی بر خدا را پس تکذیب میکنی او را؛ ابن سکیت عرض میکند والله که جواب صحیح و درست همین است و از حضرت

صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که عقل دلیل و راهنمای مؤمن است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که مثل عقل در قلب مانند چراغ است در خانه و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تعالی در قیامت در حساب مردمان دقت میفرماید بقدر عقلی که در دنیا به ایشان داده و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بندگان در فردای قیامت بالا میروند در درجات به اندازه عقلشان و روایت شده که جناب حوا علیها السلام اراده نمود که از شجره منهیه تناول نماید. ملائکه خواستند مانع شوند خداوند عالم به ایشان وحی فرمود آن کس را که عقل به او داده شده واگذارید او را به عقلی که حجت قرار داده‌ام بر او پس اگر اطاعت کند مستحق ثواب من خواهد بود و اگر معصیت و مخالفت نماید مستحق عقاب من خواهد شد و از خداوند متعال روایت شده که چون عقل را خلق فرمود به او فرمود به واسطه تو میباشد ثواب و به واسطه تو میباشد عقاب و از کتاب علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که قدر و قیمت مرد به قدر معرفت او است چه آنکه خدای عزوجل به حساب مردم به اندازه عقلشان رسیدگی میفرماید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که برای هر چیز دعامه و پایه ایست و دعامه و پایه مؤمن عقل است پس عبادت او به اندازه عقل او است و از آن حضرت نیز نقل شده که خیر تمام خیر به عقل درک میشود و به دست میاید و دینی نیست برای کسی که عقلی ندارد و از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده که صدیق هرکسی عقل او است و دشمن او جهل و نادانی او و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که برای هر چیز راعی و حافظی است و راعی و حافظ عبادت کنندگان عقل ایشانست و از برای هر تاجری سرمایه‌ای است و سرمایه اجتهادکنندگان، عقل است و از برای هر خرابی، عمارتی است و عمارت آخرت، عقل است و برای هر

سفری فسطاط و خیمه ایست که مسافرین پناه میبرند به آن و فسطاط و خیمه مسلمانان، عقل است و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که ترک کند استماع از صاحبان عقل را، عقلش خواهد مرد و نیز میفرماید جمال در لسان و زبان است و کمال در عقل و وجدان است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که عقل آن است که به او عبادت شود رحمن و کسب شود جنان و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که عقل عمل به طاعت خدا است و عمل کنندگان به طاعت خدا ایشانند عقلاء و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خداوند عالم در حساب بندگان به قدر عقلشان دقت میفرماید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که بندگان فردای قیامت به قدر عقلشان در درجات بالا میروند و به پروردگار خود نزدیک میشوند.

تنبيه صد و شصت و دوم

(در لزوم غلبه دادن عقل بر نفس)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که فاحشه یا شهوتی برای او پیش آمد کند، پس از ترس خدا از آن اجتناب کند، خدا آتش را بر او حرام کند و از فزع اکبر او را ایمن گرداند و به وعده خود که و لَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ وَفَا كُنْدا کسی که دنیا و آخرت برای او پیش بیاید، پس دنیا را بر آخرت اختیار کند، روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالتی که برای او حسنه ای نباشد که به آن خود را از آتش حفظ کند و کسی که آخرت را بر دنیا اختیار کند، خدا از او راضی شود و از سیئات او بگذرد و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که ملائکه عقل دارند بدون شهوت و بهائم شهوت دارند بدون عقل و بنی آدم هم عقل دارند و هم شهوت، پس کسی که عقل خود را غلبه دهد بر شهوت، پس از ملائکه بهتر است و کسی که شهوت خود را بر عقل غلبه دهد از بهائم بدتر است و از آن حضرت علیه السلام نیز روایت شده که افضل و بهترین مردمان آن کسی است که عقل خود را زنده کند و شهوتش را بمیراند و نیز میفرماید کسی که مالک نفس خود شود مرتبه او بالا رود و کسی که نفسش مالک او شود قدر و منزله اش پست گردد و نیز میفرماید کسی که عقلش بر هوای نفسش غالب شود رستگار شود و کسی که هوای نفسش بر عقلش غالب شود، مفتضح و رسوی گردد.

تنبیه صد و شصت و سوم

(در اهمیت و تفسیر توکل)

از حضرت باقر علیه الصلوٰة والسلام روایت شده کسیکه خود را در پناه خدا قرار دهد شکست نمیخورد و حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام میفرماید کسیکه خودش را در پناه خدا قرار دهد هیچ شیطانی به او ضرر نمیرساند و نیز میفرماید کسیکه به خدا پناهنده شود، نجات میابد و از حضرت باقر علیه الصلوٰة والسلام روایت شده کسیکه به خدا توکل کند مغلوب واقع نمیشود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که در معراج به حق تعالی عرض میکند کدام عمل افضل و بهتر است؛ حق تعالی میفرماید: یا احمد هیچ عملی نزد من بهتر نیست از توکل بر من و رضا به آنچه قسمت کنم و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که اتکال و اعتماد نکن به سوی غیر خدا که خدا تو را به او وا میگذارد و عمل نکن برای غیر خدا که خدا (تع) ثواب تو را حواله میفرماید به او.

و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که خدا حکم فرموده بر خود به اینکه هرکس که ایمان بیاورد به او، او را هدایت فرماید و هرکس پرهیزد از او، نگاه دارد او را و کسیکه توکل کند بر او، کفایت کند او را و کسی که قرض دهد به او، در مال او نمو و برکت بخشد و کسیکه اطمینان پیدا کند به او، نجات دهد او را و کسی که ملتجی و پناهنده شود به او، پناهِش دهد و کسیکه بخواند او را جوابش گوید و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که از جبرئیل سؤال فرمود در تفسیر توکل، عرض کرد مایوس بودن از خلق و اینکه بداند مخلوق نه ضرر میتواند برساند نه نفع، نه عطاء میتواند بکند نه منع و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که دوست دارد قویترین مردم

باشد، پس باید توکل کند بر خدا و کسیکه مسرور و خوشحال میکند او را که گرامیترین مردم باشد، پس باید از خدا پرهیزد و کسی که خوشحال میکند او را که بی نیازترین مردم باشد، پس باید وثوق و اطمینانش به آنچه در دست خدا است بیشتر باشد از آنچه در دست خودش هست. از جناب ابی بصیر رحمه الله روایت شده که حضرت صادق علیه الصلوة والسلام میفرماید هیچ چیزی نیست مگر آنکه برای او حدی است، عرض میکند حدّ توکل چیست؛ میفرماید: یقین؛ عرض میکند حدّ یقین چیست؛ میفرماید: اینکه نترسد با خدا از هیچ چیز و نیز از آنحضرت روایت شده که هر بنده‌ای که روی بیاورد به سوی آنچه خدای عزوجل دوست دارد، خدا نیز اقبال میکند به سوی آنچه بنده دوست دارد و کسی که پناهنده شود به خدا، خدا او را نگاه داری میفرماید و کسیکه خدا اقبال بفرماید به سوی او و نگاه دار او باشد، همه آدمی اگر آسمان ساقط شود بر زمین باک نخواهد داشت و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که در تفسیر قول خدای عزوجل و ما یؤمن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون، میفرماید: آن قول مرد است که اگر فلان کس نمیبود به فلان منفعت نمیرسیدیم یا اگر فلانی نمیبود عیال من ضایع میشد؛ آیا نمیبینی این آدم برای خدا شریک قرار داده در ملکش که روزی میدهد او را و دفع میکند از او راوی عرض میکند پس چه بگوید، بگوید اگر خدا منت نمیگذاشت بر من به فلان، هر آئینه هلاک میشدم، حضرت میفرماید: بلی باکی به اینجور حرف یا نحو آن نیست.

تنبيه صد و شصت و چهارم

(در خوف و رجاء)

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که جناب لقمان علیه السلام به فرزند خود فرمود: از خدا بترس، ترسی که اگر عمل خوب جن و انس را بیاوری، عذاب کند تو را و امیدوار باش به خدا، امیدی که اگر گناه جن و انس را بیاوری رحم خواهد فرمود بر تو و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در قلب او دو نور است، نور خوف و نور رجاء و هیچکدام زیادتى بر دیگری ندارد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که به چیزی امید داشته باشد، طلب میکند آن را و کسی که از چیزی بترسد، از آن فرار میکند و نیز از آن حضرت علیه الصلوة والسلام روایت شده که مؤمن، مؤمن نیست تا آنکه دارای خوف و رجاء باشد و دارای خوف و رجاء نمیشد تا آنکه عمل کند برای آنچه خائف و راجی است و نیز از آن حضرت علیه الصلوة والسلام روایت شده که به اسحق بن عمار میفرماید: یا اسحق از خدا بترس، کانه او را میبینی و اگر تو او را نمیبینی، او تو را میبیند و اگر عقیده تو آن است که او تو را نمیبیند، پس به تحقیق که کافر شده ای و اگر عقیده ات آن است که تو را میبیند، پس معصیت میکنی او را، پس او را از پست ترین نظرکنندگان قرار داده ای و نیز از آن حضرت روایت شده کسی که بشناسد خدا را، از او خواهد ترسید و کسی که از خدا بترسد سخی میشود نفس او از دنیا، یعنی علاقه و محبت نسبت به دنیا ندارد.

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که به عبدالله بن جندب میفرماید: یا بن جندب هلاک میشود آن کس که اتکال و اعتماد داشته باشد بر عمل خود و نجات

نمیباشد آنکس که جری باشد بر معصیت و رحمت خدا را پشت گرمی برای خود قرار دهد. عبدالله عرض میکند پس چه کسی نجات میابد؛ میفرماید: آن کس که بین خوف و رجاء باشد و کانه قلبش در چنگال پرنده است به واسطه شوق به ثواب و خوف از عقاب و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که مؤمن از غیر خدا نمیترسد و نمیگوید بر خدا مگر حق و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده چون خدای تعالی در قیامت مردم را جمع فرماید، منادی ندا کند در میان ایشان که ای مردم نزدیکترین شما امروز به سوی خدا آن کسی است که خوفش شدیدتر باشد و دوست ترین شما بسوی خدا آنکسی است که عملش نیکوتر باشد و گرامی ترین شما بر خدا آن کس میباشد که پرهیزکارتر باشد و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که فائز و رستگار شدند ابرار و نیکوکاران و خاسر و زیانکار شدند اشرار، آیا میدانی ابرار کیانند؛ آن کسانی میباشدند که از خدا خائف باشند و تقوی داشته باشند و تقرب بجویند به سوی خدا به اعمال صالحه الخیر و از کراچکی علیه الرحمة در معدن جواهر نقل شده که میفرماید از ائمه علیهم الصلوة والسلام روایت شده که اصل هر خیری در دنیا و آخرت یک چیز است و آن خوف از خدای تعالی است.

تنبیه صد و شصت و پنجم

(در بیان اهمیت گریه از خشیت خدا و نتایج آن)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هیچ قطره ای محبوب تر نیست به سوی خدا از دو قطره یکی قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و دیگر قطره اشکی که در سیاهی شب از خشیت خدا ریخته شود و از رسول گرامی علیه و آله السلام روایت شده که هیچ عملی نیست مگر آنکه برای آن وزن و ثواب معینی است مگر اشک چشم، چه آنکه آن اشک چشم خاموش میکند غضب پروردگار را و اگر بنده ای از خشیت خدا در میان جمعی گریه کند، هر آئینه رحم میکند خدا بر آن جمع به برکت گریه او و از آن حضرت روایت شده که در خنده هلاک بدن است و در گریه از خشیت خدا نجات از آتش و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده کسی که جاری شود اشک چشم او از خشیت خدا، خواهد بود برای او به هر قطره از اشکش مثل کوه أحد از اجر و ثواب و برای او به هر قطره چشمه ای در بهشت که در دو طرف آن چشمه شهرهائی باشد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که هیچ مؤمنی نیست که از خشیت خدا گریه کند مگر آنکه بیمارزد خدا گناهان او را هر چند از ستارگان آسمان و قطرات دریا بیشتر باشد، بعد این آیه شریفه را قرائت فرمود فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیرا الایة و نیز از آن حضرت روایت شده که آتش نخواهد دید چشمی را که از خشیت خدا گریه کرده باشد و نه چشمی را که در طاعت خدا بیدار خوابی کشیده باشد و نه چشمی را که پوشیده باشد از آنچه دیدنش حرام است و نیز از آن حضرت نقل شده که گریه از خشیت خدا کلید رحمت و علامت قبول و باب اجابت است و

نیز از آن حضرت نقل شده که هیچ چیز نیست مگر آنکه برای آن چیز دیگری هست که برابر با او باشد مگر خدا و لا اله الا الله و اشکی که از خوف خدا ریخته شود و نیز از آن حضرت روایت شده که هر چشمی روز قیامت گریان است مگر سه چشم، یکی چشمی که از خشیت خدا گریان شده باشد، دوم چشمی که پوشیده شده باشد از آنچه خدا حرام فرموده، سوم چشمی که بیدار خوابی کشیده باشد در راه خدا و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای عزوجل وحی فرمود به سوی حضرت موسی علیه السلام که بندگان من تقرب نمیجویند به سوی من به چیزی که محبوبتر باشد بسوی من از سه خصلت جناب موسی (ع) عرض کرد پروردگارا آن سه خصلت کدام است حقتعالی فرمود: یکی زهد در دار دنیا و دیگر ورع از معاصی سوم گریه از خوف و خشیت من موسی علیه السلام عرض میکند چیست پاداش این سه خصلت میفرماید: اما زاهدون در دنیا پس در بهشت خواهند بود و اما گریه کنندگان از خشیت من، پس در رفیع اعلی خواهند بود و اما کسانی که دارای ورع میباشند، پس آن زمانیکه مردمان را تفتیش میکنم ایشان را تفتیش نخواهم کرد.

تنبیه صد و شصت و ششم

(در اهمیت حسن ظن به حق تبارک و تعالی و نتایج آن)

بسم الله و له الحمد. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که روی منبر فرمود: قسم به آنکس که خدائی نیست جز ذات مقدس او که هیچ مؤمنی عطاء کرده نمیشود هرگز خیر دنیا و آخرت را مگر به واسطه حسن ظنش به خدا و امیدوار بودن به ذات قدوس او و حسن خلقتش و خودداری کردن از غیبت مؤمنین قسم به آنکسیکه نیست خدائی به جز او که عذاب نمیفرماید خدا هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار مگر به جهت سوءظن به خدا و تقصیرش در امیدواری و بدی خلقتش و غیبت کردن از مؤمنین و قسم به آنکه نیست خدائی غیر او که نیکو نمیشود گمان بنده مؤمنی به خدا مگر آنکه خدا نزد گمان بنده مؤمنش میباشد برای اینکه خدا کریم است و به دست او میباشد خیر حیا میکند که بنده مؤمنش به او گمان نیک داشته باشد و او بر خلاف گمان بنده اش رفتار بفرماید پس نیکو کنید به خدا گمان خود را و رغبت نمائید بسوی او و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حسن ظن به خدا آن است که امیدوار نباشی مگر به خدا و نترسی مگر از گناهت و از آن حضرت (ع) نیز روایت شده که سزوار است برای مؤمن که بترسد از خدا بطوریکه کانه مشرف بر آتش است و امیدوار باشد به خدا بجوریکه کانه از اهل بهشت است، بعد میفرماید که خدای تبارک و تعالی نزد گمان بنده خود میباشد، اگر خیر است، پس خیر و اگر شر است، پس شر و روایت شده که خدای تعالی وحی فرمود به سوی حضرت داوود علیه السلام که فلان زن دختر فلان زن در بهشت با تو و در درجه تو خواهد بود پس آمد نزد آن زن و از عملش پرسید پس دید که عملش مانند اعمال باقی

مردم است، پس از نیتش سؤال نمود عرض کرد که هرگاه من در حالتی باشم و خدا آن حال را منتقل گرداند به حال دیگر، من به حال دوم خوشحال ترم از حالت اولی پس حضرت فرمود این خصلت تو ناشی از حسن ظن تو است به خدای عزوجل.

تنبيه صد و شصت و هفتم

(در عمل بطاعت خدا)

بسم الله و له الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که بدانید که خدای تعالی امر و نهی فرموده برای اینکه اطاعت کرده شود در آنچه امر به آن نموده و خودداری شود از آنچه نهی از آن فرموده، پس کسی که پیروی کند امر او را پس اطاعت نموده او را و به تحقیق که درک نموده هر خبری را از نزد او و کسی که خودداری نکند از آنچه خدا نهی فرموده، پس معصیت نموده او را پس اگر بر معصیت بمیرد خدا او را برو در آتش افکند تا آنکه میفرماید: کسی که خوشحال میکند او را اینکه مبالغه کند در احسان به سوی نفس خود پس اطاعت کند خدا را چه آنکه کسی که اطاعت کند خدا را پس به تحقیق که مبالغه نموده در نیکی به نفس خود، پس کسی که مسرور میکند او را اینکه شفاعت شافعین نزد خدا نفع دهد او را پس باید کاری کند که خدا از او راضی شود و بدانید که احدی از خلق خدا به رضای خدا نمیرسد مگر بطاعت خدا و رسول و ولایة امر از آل محمد(ص) و کسی که خوشحال میکند او را اینکه بداند خدا او را دوست دارد، پس باید عمل کند بطاعت خدا و باید متابعت نماید ما را و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده و بدانید ای شیعه آل محمد(ص) که بین ما و خدا خویشی نیست و نیست برای ما حجتی بر خدا و تقرب جسته نمیشود به سوی خدا مگر بطاعت کسی که مطیع باشد ولایت ما نفع خواهد بخشید او را و کسی که عاصی باشد، ولایت ما نفعی به او نخواهد داشت و از آنحضرت علیه الصلوة والسلام نیز روایت شده که دوست ترین بندگان به سوی خدای عزوجل با تقوی ترین و عمل کننده ترین ایشان است به طاعت خدا

قسم به خدا که مقرب درگاه اله نشده ایم ما مگر بطاعت و نیست با ما برائتی از آتش و برای احدی بر خدا حجتی نیست پس کسی که مطیع باشد دوست ما است و کسی که عاصی باشد دشمن ما است و به ولایت ما نمیتوان رسید مگر به عمل و ورع و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که خدای جل جلاله میفرماید یا بن آدم اطاعت کن مرا در آنچه امر نموده ام تو را و یاد مده به من آنچه را که صلاح تو در آن است و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده در تفسیر قول خدا (تع) اتقوا الله حق تقاته که تقوی حق تقوی آن است که اطاعت کرده شود، پس معصیت کرده نشود و یاد کرده شود پس فراموش نشود و شکر کرده شود پس کفران کرده نشود و از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده که به بعضی از فرزندان خود میفرماید: یا بنی پرهیز از اینکه خدا تو را در معصیت خود ببیند و پرهیز از آنکه تو را نزد طاعتش مفقود ببیند.

تنبيه صد و شصت و هشتم

(در اهميت غسل جمعه)

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که من دوست ندارم برای احدی اینکه ترک کند غسل را در روز جمعه مگر به واسطه عذری یا علتی و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که غسل روز جمعه طهور و کفاره است برای گناهایی که بین هفته از او صادر شده و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که برای خدا شهری است در هوا مانند پوست تخم و برای آن هفتاد هزار در است و بر هر دری از آن درها ملائکه ای میباشند مثل فرزندان آدم علیه السلام هزار جزء چون روز جمعه و روز ترویه میشود تمام آنها جمع میشوند و میگویند خدایا بیامرز برای کسی که غسل کند روز جمعه و از حضرت علی (ع) روایت شده هر گاه میخواستند کسی را توبیخ کنند، میگفتند والله تو عاجزتری از ترک کننده غسل جمعه چه آنکه کسی که روز جمعه غسل کند، پیوسته در طهارت است تا جمعه دیگر.

تنبيه صد و شصت و نهم

(در اهمیت حضور در تشیيع جنازه و نتایج آن)

از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که موسی علیه الصلوة والسلام عرض کرد پروردگارا چه پاداش است برای کسی که تشیيع جنازه کند، فرمود: ملائکه ای از ملائکه های خود را موکل میکنم به او که تشیيع کنند تشیيع کنندگان جنازه را در قبرهاشان تا محشرشان در حالتیکه با ایشان باشد علمهائی و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که اول تحفه که در قبر به مؤمن میرسد آن است که مشیيع جنازه اش آمرزیده میشوند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که تشیيع کند جنازه ای را خواهد بود برای او به هر قدمی که برمیدارد تا وقتیکه برگردد صدهزار حسنه و محو میشود از او صدهزار سیئه و بلند میشود برای او صدهزار درجه و از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که به موسی بن سیار میفرماید: کسی که تشیيع کند جنازه دوستی از دوستان ما را خارج میشود از گناهانش مانند روزیکه از مادر متولد شده.

تنبيه صد و هفتادم

(در بیان مهمترین بلاها و نعمتها و یک روایت عبرت آموز)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که از جمله بلاها، فقر و فاقه است و از آن سخت تر مرض بدن است و از آن دشوارتر مرض قلب است و از جمله نعمتها سعه مال است و بهتر از آن صحت بدن است و افضل از آن تقوای قلب است و از عبدالله بن مبارک نقل شده که به شخص مجوسی گفتم چرا ایمان نمیآوری؛ در جواب گفت: برای آنکه در مؤمنین چهار خصلت است که من آن خصلتها را دوست ندارم؛ یکی آنکه به زبان میگویند و لکن عمل به گفته خود نمیکند. گفتم آن خصلتها چیست؛ گفت: تمامشان میگویند فقرای امت محمد(ص) وارد بهشت میشوند پیش از اغنیاء به پانصد سال و من احدی از ایشان را نمیبینم که طالب فقر باشد، بلکه بعلاوه از آن فرار میکنند؛ دوم میگویند شخص مریض خطاها از او کفاره میشود و احدی از ایشان را نمیبینم که طالب مرض باشد، بلکه از مرض شکایت و فرار مینماید؛ سوم آنکه گمان میکنند که خدا روزی دهنده بندگان است و نه در روز استراحت دارند، نه در شب از طلب روزی؛ چهارم گمان میکنند موت حق است و عدل، لکن اگر یکی از ایشان فوت کند، صیحه و ناله شان به آسمان میرسد.

تنبيه صد و هفتاد و يكم

(در بيان چگونگی شكر نعمت و بلاء و استغفار از گناه)

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله امری پیشامد میکرد که حضرت را خوشحال میکرد، میفرمود: الحمد لله علی هذه النعمة و چون امری پیش میامد که اندوهناک میکرد حضرت را، میفرمود: الحمد لله علی کلّ حال و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که چهار خصلت است که در هر کس باشد، آن کس در نور اعظم خدا خواهد بود. اول آنکه عصمت امرش شهادت به اینکه نیست خدائی بجز خدا و اینکه من رسول خدایم باشد و کسی که هرگاه مصیبتی به او برسد، بگوید انا لله و انا الیه راجعون و کسی که چون خیری به او برسد بگوید الحمد لله ربّ العالمین و کسی که چون مبتلا به گناهی شود، بگوید استغفرالله و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هیچ مسلمانی نیست که به او مصیبتی برسد و بگوید انا لله و انا الیه راجعون اگرچه بعد از مدتی باشد مگر آنکه عطاء میفرماید خدا از اجر مثل آنچه عطاء فرموده به او در روز رسیدن آن مصیبت به او و هیچ نعمتی نیست که به بنده برسد و بگوید الحمد لله ربّ العالمین ولو پس از زمانی باشد مگر آنکه تجدید میفرماید خدا برای او از ثواب مثل آنچه روز اول عطاء فرموده و از آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز روایت شده که بزرگی جزاء و پاداش به اندازه بزرگی مصیبت است و کسی که استرجاع کند یعنی انا لله و انا الیه راجعون بگوید بعد از رسیدن مصیبتی به او، تازه میفرماید خدا اجر آن مصیبت را مانند روزی که آن مصیبت به او رسیده.

تنبيه صد و هفتاد و دوم

(در مذمت حسد)

از حضرت باقر علیه الصلوٰة والسلام روایت شده کسی که شماتت و سرزنش کند برادر خود را به مصیبتی که به او رسیده از دنیا نخواهد رفت تا خودش مبتلاء به آن شود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که ظاهر نکن سرزنش را نسبت به برادر خود پس خدا بر او رحم کند و تو را مبتلا به آن مصیبت نماید و از جناب لقمان علیه السلام نقل شده که به فرزند خود میفرماید: یا بنی برای هر چیزی علامتی است که به آن شناخته میشود تا آنکه میفرماید برای حاسد سه علامت است یکی در حضور تملق میکند و دیگر آنکه در غیاب غیبت و بدگوئی میکند؛ سوم آنکه بر مصیبت شماتت میکند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ظاهر مکن سرزنش را به برادرت، پس خدا بر او رحم کند و تغییر دهد آنچه را که در تو هست و کسی که شماتت کند برادر خود را به مصیبتی که به او رسیده از دنیا بیرون نرود تا آنکه تغییر کند آنچه در او هست یعنی صحت به مرض و غنی به فقر و عزت به ذلت و امثال اینها؛ از حضرت ابی الحسن ثالث علیه السلام روایت شده که مصیبت از صابر یکی است و از برای جزع کننده دو تا است.

تنبيه صد و هفتاد و سوم

(در اهميت توکل و ذکر خدا)

از حضرت باقر عليه السلام روايت شده که چون از خانه خارج میشدند، میگفتند بسم الله خرجت و على الله توکلت لاحول ولا قوة الا بالله و از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده کسی که چون از خانه اش خارج میشود بگوید بسم الله دو ملکی که موکل بر او هستند میگویند هدایت یافتی؛ پس اگر بگوید لاحول ولا قوة الا بالله میگویند نگاه داشته شدی و اگر بگوید توکلت على الله میگویند کفایت کرده شدی؛ پس بگوید شیطان که چگونه دست بیابم به بنده ای که هدایت کرده و نگاه داشته و کفایت کرده شده است و از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روايت شده که هرگاه یکی از شما چون به در حجره خود برسد، پس باید بسم الله بگوید تا شیطان فرار نماید و چون داخل خانه اش میشود بگوید بسم الله برکت نازل میشود در آن خانه و ملائکه با او انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله عليه وآله روايت شده کسی که قرائت کند قل هو الله احد را هنگامیکه داخل خانه خود میشود، فقر از او برطرف میشود و به جناب ابی ذر رحمه الله میفرماید: اگر میخواهی خیر در خانه ات زیاد شود، چون داخل منزلت میشوی سلام بر اهل خانه کن و روایت شده کسی که داخل خانه خود میشود اگر بگوید بسم الله شیطان خواهد گفت اینجا جای من نیست.

تنبیه صد و هفتاد و چهارم

(در سفارش به ورع و نماز)

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که به بعضی شیعیان خود میفرماید: برسان به کسانی از شیعیان که ملاقات میکنی ایشان را از جانب من سلام و بگو به آنها که من بی نیاز نمیکنم نسبت به شما از خدا چیزی را مگر به ورع، پس حفظ کنید زبانهای خود را و باز بدارید دستهای خود را یعنی از ظلم و تعدی و بر شما باد به صبر و صلوة چه آنکه خدا با صابران است و نیز از آن حضرت علیه السلام روایت شده در تفسیر فرمایش خدای تعالی و لذكر الله اکبر که میفرماید یاد خدا مر نمازگذاران را بزرگتر است از یاد ایشان مر خدای را آیا نمیبینی که خود خدا تعالی میفرماید یاد کنید مرا تا آنکه من هم یاد کنم شما را و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که چون نمازگذار به نماز بایستد، شیطان نظر میکند به سوی او نظر حسدآمیز برای آنچه میبیند از رحمت خدا که نمازگذار را فراگرفته و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که هیچ بنده ای از شیعیان ما به نماز نایستد مگر آنکه ملائکه به عدد مخالفین او، اطراف او را فراگرفته، پشت سر او نماز میخوانند و دعاء میکنند تا آنکه از نمازش فارغ شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که به جناب اسامة بن زید میفرماید: بر تو باد به طریق حق تا آنکه میفرماید: یا اسامه بر تو باد به نماز چه آنکه نماز افضل اعمال بندگان است برای آنکه نماز رأس دین و عمود آن میباشد.

تنبيه صد و هفتاد و پنجم

(در اهميت اوقات نماز)

از حضرت باقر عليه السلام روايت شده که اول چيزیکه بنده به آن حساب کرده میشود نماز است، پس اگر قبول شد باقی اعمال او قبول میشود. بدرستیکه نماز چون اول وقتش بالا میرود برمیگردد بسوی صاحبش در حالتیکه روشن و نورانی باشد و میگوید حفظ نمودی مرا خدا تو را حفظ کند و هرگاه در غیر وقت و بدون حدودش بالا رود برمیگردد بسوی صاحبش در حالتیکه سیاه و تاریک باشد و میگوید مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند و روایت شده که از حضرت رسول (ص) سؤال شد از افضل اعمال؛ فرمود: نماز در وقتش و از حضرت عسکری عليه الصلوة والسلام روايت شده که جناب موسی عليه السلام عرض نمود خدایا چیست جزای کسیکه نمازها را در وقت خود بخواند؛ حق تعالی فرمود عطا میکنم سؤال او را و مباح میکنم برای او بهشت خود را و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده که امتحان کنید شیعه ما را در اوقات نماز که چگونه است محافظت آنها بر نماز.

هذا آخر ما اردنا ايراده في هذه الوجيزة من التنبيهات و نرجو من الله تعالى ان ينفعنا به يوم لا ينفع مال و لا بنون الا من اتى الله بقلب سليم و نرجوا ايضا ان يوفق كافة المؤمنين للمطالعة والعمل و انا الاقل محمد بن مرتضى الخراساني تغدما الله بعفوه و غفرانه ثم بجوده و احسانه و لله الحمد على ما وفقنا لهذا ثم الصلوة والسلام على محمد وآله و كان ختامه في شهر ذيقعدة الحرام من شهر سنة ١٣٩٣.